



سال نهم - شماره‌های ۷۶، ۷۷ و ۷۸ - بهار ۱۳۹۳

ویژه‌نامه  
کنگره بین‌المللی  
سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبی (ع)







## حجت موجه

\* امام حسن - سلام الله علیه - آنقدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت؛ اصحابی که توجه نداشتند که امام زمانشان روی چه نقشه دارد عمل می کند. با خیال های کوچکی با افکار ناقصشان در مقابلش می ایستادند و غارتش کردند اذیتش کردند. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰)



\* حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می توانست. وقتی نگذاشتند که کار را انجام بدهد با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را. آنقدر که حضرت امام حسن معاویه را مفتضح کرد به همانقدر بود که سیدالشهدا یزید را مفتضح کرد. (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۷۳)



\* امیدواریم خداوند به همه ما بصیرتی عنایت کند، تا بتوانیم این بزرگوار را بشناسیم و نگذاریم پرده جهالت و غبار بد شناختی که تا مدت ها بر چهره آن بزرگوار بوده، باقی بماند، در بین آل رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - پرشورتر از همه کیست؟ شهادت آمیزترین زندگی را چه کسی داشته است؟ غیرتمندترین آنها برای حفظ دین در مقابل دشمن، برای حفظ دین چه کسی بوده است؟ حسین بن علی - علیه السلام - بوده است. آن حضرت در این صلح، با امام حسن (ع) شریک بودند. صلح را تنها امام حسن نکرد؛ امام حسن و امام حسین این کار را کردند؛ منتها امام حسن (ع) جلو برد و امام حسین (ع) پشت سر او و جزو مدافعان ایده صلح بود. وقتی که در یک مجلس خصوصی، یکی از یاران نزدیک - از این پرشورها و پر حماسه ها - به امام مجتبی (ع) اعتراضی کرد، امام حسین با او برخورد کردند... (سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) - ۱۲۸۷/۱۲/۲۵)

از بیانات "مقام معظم رهبری" در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام: گر چه انصافاً همین اخلاص و احساس مظلومیت در طول تاریخ برای توسعه شیعه کار زیادی کرده است... لکن **گنجینه** ما خیلی قوی‌تر و غنی‌تر از این حرف‌هاست...



سال نهم - شماره‌های ۷۶، ۷۷ و ۷۸  
بهار ۱۳۹۳

## فهرست مطالب

سخن گنجینه ۲ همایش‌های مجمع ۳

نگاهی کوتاه به حیات مبارک سبط النبی(ص)

پا به پای ولایت/ بررسی و تحلیل زندگانی امام حسن مجتبی(ع) به قلم رهبر معظم انقلاب ۱۰ درس‌هایی برای امروز از حیات سبط النبی(ص)/ گفتگو با آیت الله سید احمد خاتمی ۲۰ پاسخ به شبهاتی درباره سبط النبی(ص)/ گفتگو با آیت الله یوسفی غروی ۲۶

کنگره از دیدگاه مراجع و اندیشمندان

آیت‌الله صافی گلپایگانی ۳۲ آیت‌الله وحید خراسانی ۳۵ آیت الله نوری همدانی ۳۶ آیت الله علوی گرگانی ۳۷ آیت الله یزدی ۳۸ آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری ۳۹ استاد حسین انصاریان ۴۰ آیت‌الله باریک‌بین ۴۱ حجت الاسلام ساجدی ۴۲ حجت الاسلام محسن غروی‌ان ۴۴

کنگره از دیدگاه مسؤولان و مجریان

نشست خبری کنگره سبط النبی(ص) ۴۶ حجت الاسلام سید یدالله شیرمرادی ۴۹ حجت الاسلام سید محمدباقر علم‌الهدی ۴۹ حجت الاسلام محمد سالار ۵۰ مهندس محمدرضا نظام دوست ۵۰ حجت الاسلام نجف لک زایی ۵۱ حسین شمسایی ۵۱ حجت الاسلام سید منذر حکیم ۵۲ حجت الاسلام سید علیرضا حسینی عارف ۵۳ حسین مهدوی‌منش ۵۳ مرتضی طاهریان ۵۴ حجت الاسلام عباس جعفری فراهانی ۵۴ دکتر عبدالرضا راشد ۵۵ دکتر سید مصطفی صفوی همایی ۵۵ حجت الاسلام جواد خلفی ۵۶ حجت الاسلام سید عبدالله حسینی ۵۶

دستاوردهای علمی کنگره

فهرست کامل مقالات رسیده به کنگره ۵۸

دستاوردهای ادبی کنگره

غزل ۶۶ رباعی ۷۴ غزل - مثنوی ۷۵ قصیده ۷۶ شعر سپید ۷۸ چهارپاره ۸۰ ترکیب‌بند ۸۲

منشورات ویژه کنگره سبط النبی(ص)

فهرست کتب منتشر شده ۸۴ مجلات منتشره ۸۷ معرفی سایت رسمی کنگره ۸۸



\* گنجینه مجمع از اخبار، مطالب، نظرات و پیشنهادهای خوانندگان استقبال می‌کند.  
\* ترتیب مقالات و موضوعات مجله، تابع امور فنی و هنری است و گنجینه مجمع در اصلاح مطالب آزاد است.  
\* مسؤولیت مقالات و آراء، بر عهده نویسندگان آنهاست.

نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، طبقه اول، دفتر مجله و سایت  
تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۱۲۶۸  
و ۰۹۱۲۱۵۱۲۲۶۳  
نمابر: ۰۲۵-۳۲۱۳۱۲۶۸  
نشانی الکترونیک:  
akhbareshia@yahoo.com

مدیر مسؤول: سید علیرضا حسینی عارف  
سر دبیر: محمدجواد خرسندی  
مدیر اجرایی: حسین اختری  
همکاران: سعید مهدیان - احمد محبوبی  
سجاد ظاهری - هادی ترکی  
مدیر هنری: محمود کریمی  
گرافیک: داود دادور  
سرویس عکس: محمدحسین امامی



گنجینه‌ی مجمع

ماهنامه فرهنگی - اطلاع رسانی  
مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



## استقبال از نسیم ضیافت الهی، با رایحه کرامت حضرت سبط النبی(ص)

باز بوی میهمانی می آید؛ حال و هوای دلها عوض شده است؛ عبادات رجب و طاعات شعبان دلها را رضانی کرده و آماده شده ایم برای ضیافتی دیگر؛ ضیافتی که میهمانانش دلها هستند و میزبانانش آرامش دهنده دلها؛ میزبانی که خوان کرامت بی نهایت می گسترند سراسر ماه مبارک را...

در آستانه ماه مبارک رمضان هستیم؛ ماه مبارکی که یک شبش بهتر از هزار ماه است؛ و ماه خدا است؛ خدایی که بخشنده و بخشاینده است به تمام معنا؛ بخشنده ای که کرامتش بی نهایت است و در این ماه مبارک، کریم را به اهل زمین بخشید...

سخن از کریم اهل بیت(ع) است؛ کریمی که خود بخشنده ترین اهل زمین است؛ کریمی که آئینه تمام نمای کرامت حق تعالی است؛ کریمی که بخشندگی را در میان خلق معناست؛ کریمی که مظهر صبر است و شکیباست؛ کریمی که حجت خلق است در ماه رحمت، و واسطه مغفرت الهی است در اوج کرامت...

آری او کریم است؛ و کریم ماه کرامت. او مجتبی است؛ برگزیده فیوض خاص الهی، و پسندیده است به کرامت از بین برگزیدگان...

او زکی است؛ پاک است و مطهر؛ و مصداقی از کریمه "و یطهرکم تطهیرا"...

او "سبط النبی" است؛ "سبط النبی الاکبر" است از نسل برگزیدگان اولو العزم. او امام است و خلیفه خدا بر خلق. او نیکوترین و شایسته ترین بنده ای است که نام نیکویش را خاتم الانبیاء از سوی حضرت باری تعالی "حسن" نهاد...

و اکنون در آستانه سالروز نزول کریم در ماه کرامت الهی، به وجود نازنین آن گوهر درخشنده هدایت توسل می جوئیم و او را با لقب شریفس - سبط النبی الاکبر(ع) - می خوانیم

و با برگزاری "کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع)" به استقبال این ماه شریف می رویم. در این کنگره جهانی، پیروان مکتب اهل بیت(ع) دور هم جمع می گردند تا بتوانند تنها شمه ای از ابعاد نورانی وجود مقدس حضرتش را به جهانیان عرضه کنند.

برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی(ع) برگ سبزی دیگر در پرونده فعالیت های گسترده مجمع جهانی اهل بیت(ع) است که پس از برگزاری چند جشن و پیش نشست دیگر - در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ - به لطف خداوند متعال پیشرفت چشمگیری در زمینه های مختلف، اعم از گستره مخاطبین در عرصه بین المللی، استغنائی علمی، جذب مشارکت نهادهای فرهنگی و دریافت آثار ادبی و مقالات علمی داشته است.

به مناسبت برگزاری این کنگره، این شماره از مجله گنجینه مجمع رنگ و بویی حسنی دارد؛ با مطالبی متنوع، اعم از مقالات و مصاحبه های علمی، اشعار و آثار ادبی، مصاحبه با علماء و مسؤولین، گزارش هایی از دستاوردهای کنگره و ... اولین ویژه نامه برای این کنگره، شماره ۶۴ مجله بود که در تیرماه ۱۳۹۱ همزمان با اعلام موجودیت این کنگره منتشر و در جشن بزرگ میلاد امام حسن(ع) که دبیرخانه کنگره افتتاح شد توزیع گردید.

البته انتظار این بود که این شماره از مجله، ویژه نامه دوم جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم(ص) باشد؛ اما به دلیل همزمان شدن با کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع) به این امر اختصاص یافت. ان شاء الله شماره بعد مجله گنجینه مجمع، ویژه نامه شماره ۲ جشنواره خواهد بود.

سردبیر



## همایش‌ها و جشنواره‌های مجمع جهانی اهل بیت (ع) با محوریت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

### راهنمای علائم:

- همایش‌ها و مراسمی که مجمع جهانی اهل بیت (ع) مجری اصلی آنها بوده است.
  - همایش‌ها و مراسمی که مجمع جهانی اهل بیت (ع) همکار برگزاری آنها بوده است.
  - ★ همایش‌ها و مراسمی که در داخل ایران برگزار شده است.
  - ★ همایش‌ها و مراسمی که در خارج از ایران برگزار شده است.
- مجمع جهانی اهل بیت (ع) بنا بر وظیفه ذاتی خود، در طول دو دهه گذشته، کنفرانس‌ها، نشست‌ها و جشنواره‌های مختلف درباره چهارده معصوم (ع)، در مناطق مختلف جهان، برگزار نمود و یا در برگزاری آنها با نهادهای دیگر همکاری کرده است. آنچه در پی می‌آید فهرستی از این برنامه‌ها است که اختصاصاً درباره یکی از چهارده معصوم (ع) بوده است. کنفرانس‌های متعدد دیگری نیز با موضوعات عام - مانند اهل بیت (ع) - یا امام زادگان برگزار شده است که در جدول زیر نیامده است.

نحوه	سطح	زمان و مکان	نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره
پیامبر اکرم (ص)			
حامی	ملی	تایلند - بانکوک ۱۷ دی ۱۳۸۵	● ★ همایش بین‌المللی پیامبر اعظم (ص)
برگزارکننده	محلی	ایران - قم ۳ تا ۹ بهمن ۱۳۹۱	● ★ اولین دوره نشست‌های علمی - فرهنگی میثاق با پیامبر رحمت و عدالت: - نشست اول: جستارهایی ناگفته از میراث پیامبر اعظم (ص) - نشست دوم: اولین تاریخ نگاری‌ها درباره پیامبر و اهل بیت (ع) - نشست سوم: پیامبر اعظم (ص) محور وحدت اسلامی - نشست چهارم: سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص) - نشست پنجم: انگیزه‌های غرب در اهانت به پیامبر (ص) - نشست ششم: میراث ادبی پیامبر (ص) و همگرایی مذهبی



نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره	زمان و مکان	سطح	نحوه
🌟🌱 همایش بین‌المللی دیپلماسی و قدرت نرم در سیره پیامبر اعظم(ص)	ایران - تهران ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲	بین‌المللی	مشارکت کننده
🌟🌱 دومین دوره نشست‌های علمی - فرهنگی میثاق با پیامبر رحمت و عدالت: - نشست اول: پیامبر اعظم(ص) در صحاح اهل سنت - نشست دوم: پاسخ به شبهات پیرامون پیامبر اعظم(ص) - نشست سوم: پیامبر اعظم(ص) در ادیان آسمانی - نشست چهارم: سبک زندگی نبوی	ایران - قم ۲۳ تا ۲۸ دی ۱۳۹۲	محلی	برگزارکننده
🌟🌱 جایزه بزرگ پیامبر اعظم(ص) (اولین دوره جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری اهل بیت(ع))	ایران - تهران ۳ تا ۵ خرداد ۱۳۹۳	بین‌المللی	برگزارکننده
🌟🌱 همایش بین‌المللی پیامبر اعظم(ص)؛ سینما و ادبیات جهانی	ایران - تهران ۳ و ۴ خرداد ۱۳۹۳	بین‌المللی	برگزارکننده
حضرت فاطمه زهرا(س)			
🌟🌱 همایش بین‌المللی میلاد کوثر	ایران - تهران شهریور ۱۳۸۱	بین‌المللی	برگزارکننده
🌟🌱 همایش بزرگداشت شخصیت حضرت زهرا(س) و مقام زن	کره جنوبی - سئول خرداد ۱۳۸۷	ملی	حامی
🌟🌱 سمینار حضرت زهرا(س)	آفریقای جنوبی - کیپ تاون خرداد ۱۳۸۱	محلی	حامی
🌟🌱 نشست بیداری فاطمی در دفاع از ولایت	ایران - قم ۱۳۸۳	بین‌المللی	برگزارکننده
🌟🌱 کنفرانس فاطمه زهرا(س) و روز زن	سوئد - استکهلم ۱۳۸۳	محلی	حامی
🌟🌱 اولین کنگره بین‌المللی فاطمه شناسی	ایران - اراک ۱۳۸۷	بین‌المللی	همکار
🌟🌱 دومین کنگره بین‌المللی فاطمه شناسی	ایران - اصفهان ۱۳۹۱	بین‌المللی	همکار



نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره	زمان و مکان	سطح	نحوه
<b>امیر المؤمنین علی(ع)</b>			
✳️✳️ کنفرانس امام علی(ع) و ارزش‌های انسانی و اسلامی	سوریه - دمشق ۱۱ و ۱۲ بهمن ۱۳۷۹	ملی	همکار
✳️✳️ کنفرانس بین‌المللی امام علی(ع)	آذربایجان - باکو ۱۳۸۱	بین‌المللی	همکار
✳️✳️ سمینار جایگاه امام علی(ع) در حوزه اندیشه قرن بیست و یکم	لبنان - بیروت ۱۳۸۱	محلی	حامی
✳️✳️ کنفرانس بررسی ابعاد وجودی امام علی(ع)	انگلستان - لندن ۱۳۸۱	محلی	حامی
✳️✳️ نشست‌ها و نمایشگاه تداوم غدیر	ایران - تهران ۲۶ آذر تا ۳ دی ۱۳۸۷	محلی	برگزارکننده
✳️✳️ دومین همایش بین‌المللی امامت	آلمان - گلزن کرشن ۲۱ خرداد ۱۳۹۱	بین‌المللی	حامی
✳️✳️ اجلاس بین‌المللی دهه غدیر - تهران - ۱۳۹۱	ایران - تهران ۲۲ مهر ۱۳۹۱	بین‌المللی	برگزارکننده
✳️✳️ دومین همایش بین‌المللی ولایت	ایران - اهواز و آبادان ۱۳۹۲	بین‌المللی	همکار
<b>امام حسن مجتبی(ع)</b>			
✳️✳️ کنگره بین‌المللی سبط‌النبی(ص) امام حسن مجتبی(ع)	ایران - تهران ۱ و ۲ تیر ۱۳۹۳	بین‌المللی	برگزارکننده
<b>امام حسین(ع)</b>			
✳️✳️ سمینار امام حسین(ع)	آفریقای جنوبی - کیپ تاون ۱۳۸۱	محلی	حامی
✳️✳️ سمینار امام حسین(ع)	آفریقای جنوبی - دوربان ۱۳۸۱	محلی	حامی
✳️✳️ سمینار امام حسین(ع)	آفریقای جنوبی - ژوهانسبورگ ۱۳۸۱	محلی	حامی



نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره	زمان و مکان	سطح	نحوه
🌟🌱 همایش بین المللی امام حسین(ع)	ایران - تهران اسفند ۱۳۸۱	بین المللی	برگزارکننده
🌟🌱 سومین همایش بین المللی سالانه امام حسین (ع)	پاکستان - راولپندی ۱۳۸۷	بین المللی	حامی
🌟🌱 کنفرانس امام حسین(ع)	آلمان ۲۰ آذر ۱۳۹۰	بین المللی	حامی
🌟🌱 پنجمین کنفرانس اربعین حسینی	آلمان - گلزن کرشن ۲ بهمن ۱۳۹۰	بین المللی	حامی
امام سجاده(ع)			
🌟🌱 کنفرانس صحیفه سجاده	سوریه - دمشق ۱۳۸۰	ملی	همکار
🌟🌱 نشست مقدماتی همایش امام سجاده زین العابدین(ع)	ایران - تهران ۱۳۸۶	بین المللی	برگزارکننده
🌟🌱 همایش انوار عرفانی اخلاقی امام سجاده(ع)	ایران - بندر عباس ۳۰ آذر ۱۳۹۰	ملی	همکار
امام محمد باقر(ع)			
_____	_____	_____	_____
امام جعفر صادق(ع)			
🌟🌱 همایش بین المللی امام صادق(ع)	ایران - بندرعباس ۱۳۸۱	بین المللی	همکار





نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره	زمان و مکان	سطح	نحوه
امام موسی کاظم (ع)			
✱ ✪ همایش سیره و زمانه امام کاظم (ع)	ایران - قم ۲۱ بهمن ۱۳۹۲	ملی	همکار
امام رضا (ع)			
✱ ✪ ✪ دهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)	کشورهای مختلف ۲۷ شهریور تا ۶ مهر ۱۳۹۱	بین‌المللی	همکار
✱ ✪ ✪ یازدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)	کشورهای مختلف ۱۵ تا ۲۵ شهریور ۱۳۹۲	بین‌المللی	همکار
✱ ✪ ✪ دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)	کشورهای مختلف ۶ تا ۱۶ شهریور ۱۳۹۳	بین‌المللی	همکار
امام محمد تقی (ع)			
_____	_____	_____	_____
امام هادی (ع)			
_____	_____	_____	_____
امام حسن عسکری (ع)			
_____	_____	_____	_____



نام کنگره، همایش، نشست یا جشنواره	زمان و مکان	سطح	نحوه
امام مهدی (عج)			
❀❁ کنفرانس مهدویت	استکهلم - سوئد ۱۳۸۳	بین المللی	حامی
❀❁ دومین همایش دکترین مهدویت	تهران - ایران شهریور ۱۳۸۵	بین المللی	همکار
❀❁ چهارمین همایش دکترین مهدویت	تهران - ایران ۱۳۸۷	بین المللی	همکار
❀❁ دومین جشنواره بین المللی در انتظار صبح	تهران - ایران ۱۳۸۸	بین المللی	همکار
❀❁ همایش مهدویت	فلیپین - زامبوانگا مرداد ۱۳۸۹	محلی	حامی
❀❁ سومین جشنواره بین المللی در انتظار صبح	تهران - ایران ۱۳۸۸	بین المللی	همکار
❀❁ همایش مهدویت	فلیپین - باسیلان مرداد ۱۳۸۹	محلی	حامی
❀❁ سمینار دو روزه ولی عصر (عج)	هند - بمبئی مرداد ۱۳۸۹	ملی	حامی
❀❁ هشتمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (هنر زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها)	تهران - ایران تیر ۱۳۹۱	بین المللی	همکار
❀❁ نهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها)	تهران - ایران تیر ۱۳۹۲	بین المللی	همکار
❀❁ دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها)	تهران - ایران ۲۲ و ۲۳ خرداد ۱۳۹۳	بین المللی	همکار



نگاہی کوتاہ  
بہ حیات مبارک

سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبیٰ (ع)





کتاب انسان ۲۵۰ ساله برگرفته از سخنرانی‌ها و متون دست‌نویس «حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای» است درباره ائمه معصومین (ع) و عنصر جهاد و مبارزه سیاسی در زندگی آنان. نام کتاب عیناً برگرفته از کلام خود رهبری و بیانگر نوع نگاه ایشان به زندگی دینی - سیاسی - مبارزاتی ائمه علیهم‌السلام است. مطابق این نگاه تمامی معصومان (ع) بمثابة یک انسان بودند که در دوران ۲۵۰ سال امامت ظاهری - از زمان هجرت پیامبر (ص) تا میلاد امام مهدی (عج) - حرکت یکپارچه و پیوسته‌ای به سوی مقصدی واحد داشتند. این کتاب شامل هفده فصل است که نحوه چینش عناوین فصل‌ها، به صورت ترتیب تاریخی زندگی معصومان علیهم‌السلام از دوران پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - تا دوره امام عسکری - علیهم‌السلام - می‌باشد؛ که بیانات مقام معظم رهبری درباره این سه امام بزرگوار در یک فصل ارائه شده است.

این کتاب بیش از آنکه یک کتاب تاریخی صرف باشد، یک فراتحلیل تاریخی است؛ که به‌جای شرح وقایع زندگی ائمه علیهم‌السلام، نگاهی کل‌گرا به زندگی هر یک از معصومین علیهم‌السلام با توجه به بستر تاریخی دوره مربوطه و در راستای مقصود واحدی که همه این بزرگواران دنبال می‌کردند ارائه می‌دهد.

به مناسبت برگزاری کنگره بین‌المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) برشی از کتاب انسان ۲۵۰ ساله که به این امام همام پرداخته است در این ویژه‌نامه منتشر می‌شود.

# بررسی و تحلیل زندگانی امام حسن مجتبی (ع)

برگرفته از: کتاب انسان ۲۵۰ ساله  
تألیف: حضرت آیت الله سید علی خامنه ای «مد ظله»

دوران امام مجتبی (ع) و حادثه صلح آن بزرگوار با معاویه، یا آن چیزی که به نام صلح نامیده شد، حادثه سرنوشت ساز و بی نظیری در کل روند انقلاب اسلامی صدر اول بود. دیگر ما نظیر این حادثه را نداشتیم. توضیح کوتاهی راجع به این جمله عرض کنم و بعد وارد اصل مطلب بشوم. انقلاب اسلام، یعنی تفکر اسلام و امانتی که خدای متعال به نام اسلام برای مردم فرستاد، در دوره اول، یک نهضت و یک حرکت بود و در قالب یک مبارزه و یک نهضت عظیم انقلابی، خودش را نشان داد و آن در هنگامی بود که رسول خدا (ص)، این فکر را در مکه اعلام کردند و دشمنان تفکر توحید و اسلام، در مقابل آن صف آرایی نمودند؛ برای اینکه نگذارند این فکر پیش برود. پیامبر، با نیرو گرفتن از عناصر مؤمن، این نهضت را سازماندهی کرد و یک مبارزه بسیار هوشمندانه و قوی و پیشرو را در مکه به وجود آورد. این نهضت و مبارزه، سیزده سال طول کشید. این، دوره اول بود. بعد از سیزده سال، با تعلیمات پیامبر، با شعارهایی که داد، با سازماندهی ای که کرد، با فدا کاری ای که شد، با مجموع عواملی که وجود داشت، این تفکر، یک حکومت و یک نظام شد و به یک نظام سیاسی و نظام زندگی یک امت تبدیل گردید و آن هنگامی بود که رسول خدا به مدینه تشریف آوردند و آنجا را پایگاه خودشان قرار دادند و حکومت اسلامی را در آنجا گستراندند و اسلام از شکل یک نهضت، به شکل یک حکومت تبدیل شد. این، دوره دوم بود. این روند، در ده سالی که نبی اکرم حیات داشتند و بعد از ایشان، در دوران خلفای چهار گانه و سپس تا زمان امام مجتبی (ع) و خلافت آن بزرگوار که تقریباً شش ماه طول کشید، ادامه پیدا کرد و اسلام به شکل حکومت، ظاهر شد. همه چیز، شکل یک نظام اجتماعی را هم داشت؛ یعنی حکومت و ارتش و کار سیاسی و کار فرهنگی و کار

قضایی و تنظیم روابط اقتصادی مردم را هم داشت و قابل بود که گسترش پیدا کند و اگر به همان شکل پیش می رفت، تمام روی زمین را هم فرا می گرفت؛ یعنی اسلام نشان داد که این قابلیت را هم دارد. در دوران امام حسن، جریان مخالف، آن چنان رشد کرد که توانست به صورت یک مانع ظاهر بشود. البته این جریان مخالف، در زمان امام مجتبی به وجود نیامده بود؛ سال ها قبل به وجود آمده بود. اگر کسی بخواهد قدری دور از ملاحظات اعتقادی و صرفاً متکی به شواهد تاریخی حرف بزند، شاید بتواند ادعا کند که این جریان، حتی در دوران اسلام به وجود نیامده بود؛ بلکه ادامه ای بود از آنچه که

اکرم حیات داشتند و بعد از ایشان، در دوران

خلفای چهار گانه و سپس تا زمان امام مجتبی

(ع) و خلافت آن بزرگوار که تقریباً شش ماه

طول کشید، ادامه پیدا کرد و اسلام به شکل

حکومت، ظاهر شد. همه چیز، شکل یک

نظام اجتماعی را هم داشت؛ یعنی حکومت

و ارتش و کار سیاسی و کار فرهنگی و کار

قضایی و تنظیم روابط اقتصادی مردم را هم داشت و قابل بود که گسترش پیدا کند و اگر به همان شکل پیش می رفت، تمام روی زمین را هم فرا می گرفت؛ یعنی اسلام نشان داد که این قابلیت را هم دارد. در دوران امام حسن، جریان مخالف، آن چنان رشد کرد که توانست به صورت یک مانع ظاهر بشود. البته این جریان مخالف، در زمان امام مجتبی به وجود نیامده بود؛ سال ها قبل به وجود آمده بود. اگر کسی بخواهد قدری دور از ملاحظات اعتقادی و صرفاً متکی به شواهد تاریخی حرف بزند، شاید بتواند ادعا کند که این جریان، حتی در دوران اسلام به وجود نیامده بود؛ بلکه ادامه ای بود از آنچه که



که امام حسن، فلان گوشه کارش سؤال بر انگیز است. نه، کار آن بزرگوار، صد در صد بر استدلال منطقی غیر قابل تخلف منطبق بود.

در بین آل رسول خدا (ص)، پُر شور تر از همه کیست؟ شهادت آمیز ترین زندگی را چه کسی داشته است؟ غیرتمندترین آنها برای حفظ دین در مقابل دشمن، چه کسی بوده است؟ «حسین بن علی» بوده است. آن حضرت در

۱. الإحتجاج علی أهل اللجاج طبرسی ج ۱/ص ۲۳۴

این صلح، با امام حسن شریک بودند. صلح را تنها امام حسن نکرد؛ امام حسن و امام حسین این کار را کردند؛ منتها امام حسن جلو بود و امام حسین پشت سر او بود. امام حسین، جزو مدافعان ایده صلح امام حسن بود. وقتی که در یک مجلس خصوصی، یکی از یاران نزدیک - از این پُر شورها و پُر حماسه ها - به امام مجتبی (ع) اعتراضی کرد، امام حسین با او برخورد کردند: «وَعَمَرَ الْحُسَيْنُ حُجْرًا» هیچ کس نمی تواند بگوید که اگر امام حسین به جای امام حسن بود، این صلح انجام نمی گرفت. نخیر، امام حسین با امام حسن بود و این صلح انجام گرفت و اگر امام حسن هم نبود و امام حسین تنها بود، در آن شرایط، باز هم همین کار انجام می گرفت و صلح می شد.

### پُر شکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ

صلح، عوامل خودش را داشت و هیچ تخلف و گریزی از آن نبود. آن روز، شهادت ممکن نبود. مرحوم شیخ راضی آل یاسین (رض) در این کتاب صلح الحسن - که من در سال ۱۳۴۸ آن را ترجمه کردم و چاپ شده است - ثابت می کند که اصلاً جا برای شهادت نبود. هر کشته شدنی که شهادت نیست؛ کشته شدن با شرایطی، شهادت است. آن شرایط، در آنجا نبود و اگر امام حسن (ع) در آن روز کشته می شدند، شهید نشده بودند. امکان نداشت که آن روز کسی بتواند در آن شرایط، حرکت مصلحت آمیزی انجام بدهد که کشته بشود و اسمش شهادت باشد و انتحار آنکرده باشد. راجع به صلح، از ابعاد مختلف صحبت کرده ایم؛ حالا مسئله این است که بعد از صلح امام حسن مجتبی (ع)، کاری به شکلی هوشمندانه و زیرکانه تنظیم شد که اسلام و جریان اسلامی، وارد کانال آلوده ای که به نام خلافت، و در

معنا سلطنت، به وجود آمده بود نشود. این، هنر امام حسن مجتبی (ع) بود. امام حسن مجتبی کاری کرد که جریان اصیل اسلام -

که از مکه شروع شده بود و به حکومت اسلامی و به زمان امیرالمؤمنین و زمان خود او رسیده بود - در مجرای دیگری، جریان پیدا نکند؛ منتها اگر نه به شکل حکومت، زیرا ممکن نبود، لا اقل دوباره به شکل نهضت جریان پیدا کند. این، دوره سوم اسلام است. اسلام، دوباره نهضت شد. اسلام ناب، اسلام اصیل، اسلام ظلم ستیز، اسلام سازش ناپذیر، اسلام، دور از تحریق و مبرّا از اینکه باز بچه دست هواها و هوس ها بشود، باقی ماند؛ یعنی در زمان امام حسن (ع)، تفکر انقلابی اسلامی که دورهای را طی کرده بود و به قدرت و حکومت رسیده بود؛ دوباره برگشت و یک نهضت شد. البته در این دوره، کار این نهضت، به مراتب مشکل تر از دوره خود پیامبر بود؛ زیرا شعارها در دست کسانی بود که لباس مذهب را بر تن کرده بودند در حالی که از مذهب نبودند. سختی کار ائمه هدی (ع) اینجا بود. البته

من از مجموعه روایات و زندگی ائمه (ع) این طور استنباط کرده ام که این بزرگواران، از روز صلح امام مجتبی (ع) تا اواخر، دائماً در صدد بوده اند که این نهضت را مجدداً به شکل حکومت علوی و اسلامی در بیاورند و برپا کنند. در این زمینه، روایاتی هم داریم. البته ممکن است بعضی دیگر، این نکته را این طور نبینند و طور دیگری ملاحظه بکنند؛ اما تشخیص من این

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۵، «امام حسین به حجر اشاره ای کرد و حجر ساکت شد»

۲. (ن ح ر) خود کشی کردن

است. ائمه می خواستند که نهضت، مجدداً به حکومت و جریان اصیل اسلامی تبدیل بشود و آن جریان اسلامی که از آغشته شدن و آمیخته شدن و آلوده شدن به آلودگی های هواهای نفسانی دور است، روی کار بیاید؛ ولی این کار مشکلی است. در دوران نهضت یعنی دوران خلافت خلفای سفیانی و مروانی و عباسی، مهمترین چیزی که مردم احتیاج داشتند، این بود که اصالت های اسلام و جرقه های اسلام اصیل و قرآنی را در لا به لای حرف های گوناگون و پراکنده ببینند و بشناسند و اشتباه نکنند. بی خود نیست که ادیان، این همه روی تعقل و تدبیر انسان ها تکیه کرده اند. بی خود نیست که در قرآن کریم، این همه روی تفکر و تعقل و تدبیر انسان ها تکیه شده است؛ آن هم درباره اصلی ترین موضوعات دین، یعنی توحید است. باطن توحید، اقیانوس بی کرانهای است که اولیای خدا در آن غرق می شوند. توحید، وادی بسیار با عظمتی است؛ اما در چنین وادی با عظمتی، باز از مؤمنین و مسلمین و موحدین خواسته اند که با تکیه به تفکر و تدبیر و تعقل، پیش بروند. واقعاً هم عقل و تفکر می تواند انسان را پیش ببرد. البته در مراحل مختلف، عقل به نور وحی و نور معرفت و آموزش های اولیای خدا، تجهیز و تغذیه می شود؛ لیکن بالاخره آنچه که پیش می رود، عقل است. بدون عقل، نمی شود هیچ جا رفت. ملت اسلامی، در تمام دوران چند صد ساله ای که چیزی به نام خلافت، بر او حکومت می کرد یعنی تا قرن هفتم که

خلافت



عباسی

ادامه داشت،

عباسی، باز در گوشه و کنار،

البته بعد از انقراض خلافت

چیزهایی به نام خلافت وجود داشت؛ مثل زمان ممالیک در مصر و تا مدت ها بعد هم در بلاد عثمانی و جاهای دیگر - آن چیزی که مردم احتیاج داشتند بفهمند، این بوده که عقل را قاضی کنند، تا بدانند آیا نظر اسلام و قرآن و



کتاب الهی و احادیث مسلمّه راجع به اولیای امور، با واقعیت موجود تطبیق می‌کند، یا نه. این، چیز خیلی مهمی است.

..... دوران خلافت مروانی و سفیانی و عباسی، دورانی بود که ارزش های اسلامی از محتوای واقعی خودشان خالی شدند. در صورت هایی باقی ماند؛ ولی محتواها، به محتواهای جاهلی و شیطانی تبدیل شد. آن دستگاهی که می خواست انسان ها را عاقل، متعبد، مؤمن، آزاد دور از آلائش ها، خاضع عندالله و متکبر در مقابل متکبران تربیت کند و بسازد- که بهترینش، همان دستگاه مدیریت اسلامی در زمان پیامبر بود- به دستگاهی تبدیل شد که انسان ها را با تدابیر گوناگون، اهل دنیا و هوی و شهوات و تملق و دوری از معنویات و انسان های بی شخصیت و فاسق و فاسدی می ساخت و رشد می داد. متأسفانه، در تمام دوران خلافت اموی و عباسی، این طور بود. در کتاب های تاریخ، چیزهایی نوشتند که اگر بخواهیم آنها را بگوئیم، خیلی طول می کشد. از زمان خود معاویه هم شروع شد. معاویه را معروفش کردند؛ یعنی مورخان نوشتند که او آدمی حلیم و با ظرفیت بوده و به مخالفانش اجازه می داده که در مقابلش حرف بزنند و هر چه می خواهند، بگویند. البته در برهه ای از زمان و در اوایل کارش، شاید همین طور هم بوده است؛ لیکن در کنار این بُعد، ابعاد دیگر شخصیت او را کمتر نوشته اند. اینکه او چطور اشخاص و رؤسا و وجوه و رجال را وادار می کرد که از عقاید و ایمان خودشان دست بکشند و حتی در راه مقابله با حق، تجهیز بشوند. اینها را خیلی ها ننوشته اند. البته باز هم در تاریخ ثبت است و همین هایی را هم که ما الان می دانیم، باز یک عده نوشته اند. مردمانی که در آن دستگاه ها پرورش پیدا می کردند، عادت داده می شدند که هیچ چیزی را بر خلاف میل و هوای خلیفه، بر زبان نیاورند. این، چه جامعه ای است؟! این، چطور انسانی است؟! این، چطور اراده الهی و اسلامی در انسان هاست که بخواهند مفاسد را اصلاح کنند و از بین ببرند و جامعه را جامعه ای الهی درست کنند؟ آیا چنین چیزی، ممکن است؟! «جاحظ» و یا شاید «ابوالفرج اصفهانی» نقل می کند که معاویه در دوران خلافتش، با اسب به مکه می رفت. یکی از رجال آن روز هم در کنار او بود. معاویه سر گرم صحبت با آن شخص بود. پشت سر اینها هم عده ای می آمدند. معاویه مفاخر اموی و جاهلی خودش را نقل می کرد که در جاهلیت، اینجا این طوری بود، آن طوری بود، پدر من ابو سفیان چنین کرد، چنان کرد. بچه ها هم در مسیر، بازی می کردند و ظاهراً سنگ می انداختند. در این بین سنگی به پیشانی کسی که کنار معاویه اسب می راند و حرکت می کرد، خورد و خون جاری شد. او چیزی نگفت و حرف معاویه را قطع نکرد و تحمل کرد. خون، روی صورت و محاسنش ریخت. معاویه همین طور که سر گرم صحبت بود، ناگهان به طرف این مرد برگشت و دید خون روی صورت اوست. گفت: از پیشانی تو خون می ریزد. آن فرد، در جواب معاویه گفت: خون؟! از صورت؟! کو؟ کجا؟ وانمود کرد که از بس مجذوب معاویه بوده، خوردن این سنگ و مجروح شدن پیشانی و ریختن خون را نفهمیده است! معاویه گفت: عجب، سنگ به پیشانیت خورده، ولی تو نفهمیدی؟! گفت: نه من نفهمیدم. دست زد و گفت: عجب، خون؟! بعد به جان معاویه یا به مقدسات قسم خورد که تا وقتی تو ننگتی، شیرینی کلام تو نگذاشت که بفهمم خون جاری شده است! معاویه پرسید: سهم عطیه ات در بیت المال، چه قدر است؟ مثلاً گفت: فلان قدر، معاویه گفت: به تو ظلم کرده اند، این را باید سه برابر کنند! این، فرهنگ حاکم بر دستگاه حکومت معاویه بود. کسانی که در این دوران، تملق

رؤسا و خلفا را می گفتند، کارها بر اساس صلاحیت و شایستگی شان واگذار نمی شد. اصولاً عرب، به اصل و نسب خیلی اهمیت می دهد. فلان کس، از کدام خانواده است؟ پدرانش، چه کسانی بودند؟ اینها حتی رعایت اصل و نسب را هم نمی کردند.

..... در زمان عبدالملک و بعضی پسرهای او، یک نفر به نام «یوسف بن عمر

**این حادثه عبارت است از  
تبدیل جریان خلافت به سلطنت.  
جمله، خیلی پر مغز و پر بار  
است اگر ما در آن تأمل کنیم.  
خلافت نوعی از حکومت است،  
سلطنت نوعی دیگر**

ثقفی» را مدت های مدید بر عراق گماشتند. او سال ها حاکم و والی عراق بود. این شخص آدم عقده ای بد بختی بود که از عقده ای بودنش، چیزهایی نقل کرده اند. مرد کوچک جثه و کوچک اندامی بود که عقده کوچکی جثه خودش را داشت. وقتی که پارچه ای به خیاط می داد تا بدوزد، از خیاط سؤال می کرد که آیا این پارچه به اندازه تن من است؟ خیاط به این پارچه نگاه می کرد و اگر مثلاً می گفت این پارچه برای اندام شما اندازه است و بلکه زیاد هم می آید، فوراً پارچه را از این خیاط می گرفت و دستور می داد که او را مجازات هم بکنند! خیاط ها این قضیه را فهمیده بودند. به همین خاطر، وقتی پارچه ای را به خیاط عرضه می کرد و می گفت برای من بس است یا نه، خیاط نگاه می کرد و می گفت: نه، این پارچه ظاهراً برای هیکل و جثه شما باید کم بیاید و باید خیلی زحمت بکشیم، تا آن را مناسب تن شما در بیاوریم! او هم با اینکه می دانست خیاط دروغ می گوید، ولی خوشش می آمد؛ این قدر احمق بود!

او همان کسی است که زید بن علی (ع) را در کوفه به شهادت رساند. چنین کسی، سال ها بر جان و مال و عرض مردم مسلط بود. نه یک اصل و نسب درستی، نه یک سواد درستی، نه یک فهم درستی داشت؛ ولی چون به رأس قدرت وابسته بود، به این سمت گماشته شده بود. اینها آفت است. اینها برای یک نظام، بزرگ ترین آفت هاست.

این جریان، همین طور ادامه پیدا کرد. در کنار این، جریان مسلمانی اصیل، جریان اسلام ارزشی، جریان اسلام قرآنی - که هیچ وقت با آن جریان حاکم، امضا ضد ارزش ها کنار نمی آمد. نیز ادامه پیدا کرد که مصداق بارز آن، ائمه هدی (ع) و بسیاری از مسلمانان همراه آنان بودند. به برکت امام حسن مجتبی (ع)، این جریان ارزشی نهضت اسلامی، اسلام را حفظ کرد. اگر امام مجتبی این صلح را انجام نمی داد، آن اسلام ارزشی نهضتی باقی نمی ماند و از بین می رفت؛ چون معاویه بالاخره غلبه پیدا می کرد. وضعیت، وضعیتی نبود که امکان داشته باشد امام حسن مجتبی (ع) غلبه پیدا کند. همه عوامل، در جهت عکس غلبه امام مجتبی (ع) بود. معاویه غلبه پیدا می کرد؛ چون دستگاه تبلیغات در اختیار او بود. چهره او در اسلام، چهره ای نبود که نتوانند موجه کنند و نشان بدهند. اگر امام حسن صلح نمی کرد، تمام ارکان خاندان پیامبر را از بین می بردند و کسی را باقی نمی گذاشتند که حافظ نظام ارزشی اصیل اسلام باشد. همه چیز به کلی از بین می رفت و ذکر اسلام بر می افتاد و نوبت به جریان عاشورا هم نمی رسید. اگر بنا بود امام مجتبی (ع) جنگ

۱. (ع ر ضی) آبرو، ناموس

با معاویه را ادامه بدهد و به شهادت خاندان پیامبر منتهی بشود، امام حسین هم باید در همین ماجرا کشته می شد، اصحاب بر جسته هم باید کشته می شدند، حجر بن عدی ها هم باید کشته می شدند، همه باید از بین می رفتند و کسی که بماند و بتواند از فرصت ها استفاده بکند و اسلام را در شکل ارزشی خودش باز هم حفظ کند، دیگر باقی نمی ماند. این، حق عظیمی است که امام مجتبی (ع) بر بقای اسلام دارد. (۱۳۶۹/۱/۲۲)

البته این صلح، تمحیلی بود؛ اما بالاخره صلحی واقع شد. باید گفت حضرت، دل نداد. همین شرایطی که حضرت قرار داد، در واقع پایه کار معاویه را متزلزل کرد. خود این صلح و شرایط امام حسن (ع) همه اش یک مکر الهی بود. «و مَكْرُو وَ مَكْرَالله»<sup>۱</sup> بود. یعنی اگر امام حسن می جنگید و در این جنگ کشته می شد - که به احتمال قوی به دست اصحاب خودش که جاسوسان معاویه آنها را خریده بودند، کشته می شد - معاویه می گفت من نکشتم، اصحاب خودش کشتند. به عزاداری هم می پرداخت و بعد تمام اصحاب امیرالمؤمنین را تار و مار می کرد. یعنی، دیگر چیزی به نام تشیع باقی نمی ماند تا عده ای در کوفه پیدا شوند و بعد از بیست سال، امام حسین (ع) را دعوت کنند. اصلاً چیزی باقی نمی ماند. امام حسن (ع) شیعه را حفظ کرد، یعنی بنا را حفظ کرد تا بعد از بیست سال، بیست و پنج سال، حکومت به اهل بیت برگردد. (۱۳۷۹/۳/۱۳)

پس از اینکه امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد، نادانان و نا آگاهان با زبان های مختلف حضرت را نکوهش می کردند؛ گاهی او را ذلیل کننده مؤمنین<sup>۲</sup> می دانستند، و می گفتند شما این مؤمنین پر شور پر حماسه ای که در مقابل معاویه قرار داشتند، با صلح خودتان خوار کردید و تسلیم معاویه نمودید، گاهی تعبیرات محترمانه تر و مؤدبانه تری به کار می بردند ولی مضمون یکی بود. امام حسن (ع) در برابر این اعتراض ها و ملامت ها جمله ای را خطاب به آنان می گفتند که شاید در سخنان آن حضرت از همه جملات رسا تر و بهتر باشد و آن جمله این است: «ما تدری لعلّه فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»<sup>۳</sup> چه می دانی و از کجا می دانی، شاید این، یک آزمونی برای شما است ؟ و شاید یک متاع و بهره ای است برای معاویه تا زمانی محدود، و این جمله اقتباس از آیه قرآن است. این، به روشنی نشان می دهد که حضرت در انتظار آینده ای است، و آن آینده چیزی جز این نمی تواند باشد که حکومت غیر قابل قبول از نظر امام حسن (ع) که بر حق نیست باید کنار برود و حکومت مورد نظر سر کار بیاید. لذا به اینها می گوید که شما از فلسفه کار اطلاع ندارید. چه می دانید شاید مصلحتی در این کار وجود دارد؟ در آغاز صلح، دو نفر از سران شیعه - مَسِيبُ بْنُ نَجْبَةَ و سلیمان بن صُرَد - با عده ای از مسلمانان خدمت امام مجتبی مشرف شدند. گفتند ما نیروی زیادی داریم، از خراسان و از عراق و ... و اینها را در اختیار شما می گذاریم و حاضریم معاویه را تا شام تعقیب کنیم. حضرت آنها را در خلوت به حضور خواستند و مقداری با آنان سخن گفتند. پس از اینکه بیرون آمدند آرام شده بودند، و نیرو هایشان را رها کرده و پاسخ روشنگری هم به عده همراهان خودشان ندادند. طه حسین<sup>۴</sup> مدعی است که این دیدار در حقیقت سنگ زیر بنای اصلی مبارزات تشیع را

۱. سورة مبارکه آل عمران آیه ۵۴: «انها اعدیمنان» مکر کردند و خدا هم [در پاسخ آنها] مکر در میان آورد.

۲. تحف العقول / ص ۳۰۸، «یا مُذِلُّ الْمُؤْمِنِینَ»

۳. بحارالانوار ج ۴۴ / ص ۵۶، بر گرفته از آیه ۱۱۱ سوره مبارکه انبیاء: «و نمی دانم، شاید آن برای شما آزمایشی و [مهلت] برخورداری تا زمانی [معین] باشد»

۴. نویسنده و مورخ معاصر مصری

گذاشت، یعنی می خواهد بگوید امام حسن (ع) با اینها نشستند و مشورت کردند، و در همین دیدار تشکیلات عظیم شیعی را به وجود آوردند. بنا بر این در زندگی امام حسن (ع) و در کلمات این بزرگوار، این معنی واضح است، گر چه در آن دوران زمینه چنین قیامی آماده نبود، زیرا رشد مردم کم و تبلیغات و امکانات مالی دشمن خیلی فراوان بود. دشمن از شیوه هایی استفاده می کرد که امام حسن نمی توانست از آن شیوه ها استفاده کند، مثل دادن پول های بی حساب، جمع کردن افراد غیر موّجه و نا صالح که امام از این کارها نمی توانست بکند، چرا که دست او باز بود، و دست امام حسن بسته. (پاسدار

**مسئله اصلی این بود که این نظام و این جامعه با حاکمیت دین اداره بشود و افرادی که در این جامعه هستند، ایمان دینی در دلشان باقی بماند و در دلشان عمق و رسوخ پیدا کند. جریان اول مشخصه اش این بود. جریان دوم برایش اصل این بود که قدرت را به دست بگیرد به هر قیمتی. می خواست حاکم باشد. .... این سیاست حاکم بر جریان دوم بود.**

اسلام، ش ۶) روایتی از حضرت صادق (ع) است که می فرماید: «وَقَتَّ هَذَا الْأَمْرُ فِي السَّبْعِينَ»<sup>۵</sup> در تقدیرات الهی این بوده که فاصله سی سال از شهادت امیرالمؤمنین (س) و ده سال بعد از شهادت امام حسن (ع) امر حکومت به دست اهل بیت برگردد. منتها، نتیجه به این بزرگی، کی حاصل شود؟ وقتی مردم، مقدماتش را با اراده و با تصمیم خودشان فراهم کرده باشند. خدای متعال که با کسی قوم و خویشی ندارد! کاری که به عهده مردم بود، انجام نگرفت. کاری که به عهده امام حسن و امام حسین (ع) بود، آنها انجام دادند؛ اما کاری که به عهده خواص بود - از عبدالله جعفر و عبدالله عباس تا بقیه - انجام نشد. حتی همان هایی که بعد به کربلا آمدند و همراه با امام حسین جنگیدند، در زمان جناب مسلم، کاری که باید می کردند، نکردند. کوتاهی کردند، و الاّ مسلم آن طور نمی شد. باید قضیه را تمام می کردند که نکردند. حُب: این نکردن ها، موجب شد که حادثه کربلا پیش آید. بعد حضرت می فرماید: «فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحَسَنِ صَلَواتُ الله عَلَيْهِ اسْتَدَّ اللهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَجَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةً»<sup>۶</sup> یعنی عقب افتاد ظاهر! به نظرم به سال صد و چهل رسید. یعنی هفتاد سال عقب افتاد. سال هایی است که بنی عباس بر سر قدرت بودند. .... یعنی معلوم می شود که صلح امام حسن (ع) زمینه ای برای یک کار بزرگ شد، و الاّ ائمه، این طور نبود که قضیه را رها کنند. قضیه ولایت و حکومت، مگر کوچک بود؟! اساس و محور دین، این بود. منتها دیگر این وضع پیش آمد. (۱۳۷۹/۳/۱۳)

درباره این صلح حرف های زیادی زده شده، اما آنچه که می خواهم عرض کنم، برخورد با مسئله صلح امام حسن (ع) از یک دیدگاه تازه است. چون این حادثه یک مقطع تاریخی بسیار حساسی است که اهمیت حادثه را بیشتر می کند از یک حادثه سیاسی در طول تاریخ اسلام. پر است تاریخ اسلام از

۵. الکافی ج ۱ / ص ۳۶۸، «همانا خدای متعال، وقت این امر را در سال هفتاد قرار داد»

۶. الکافی ج ۱ / ص ۳۶۸، «چون حسین کشته شد، خشم خدای تعالی بر اهل زمین سخت گشت، آن را تا صد و چهل به تأخیر انداخت.»

حوادث گوناگون حوادث زمان پیغمبر، حوادث زمان امیر المؤمنین، حوادث دوران زندگی ائمه (ع) و خلفای بنی امیه و بنی عباس -تاریخ اسلام یک تاریخی است پُر از حوادث دوران گوناگون لکن کمتر به کل تاریخ اسلام، یعنی شاید مثل این حادثه - حادثه صلح امام حسن- در تعیین کنندگی نسبت به کل تاریخ اسلام، جریان حرکت اسلام و تاریخ اسلام در طول قرن های متمادی، حادثه، بسیار حادثه مهمی است. خلاصه این حادثه عبارت است از تبدیل جریان خلافت به سلطنت. جمله، خیلی پر مغز و پر بار است اگر ما در آن تأمل کنیم. خلافت نوعی از حکومت است، سلطنت نوعی دیگر؛ و اینها با هم تمایزشان در یک خصوصیت و دو خصوصیت و پنج خصوصیت نیست. دو جریان جدا گانه و به کلی متمایز از یکدیگر در اداره و حکمرانی بر مسلمین و بر کشور و بر جامعه اسلامی وجود دارد، یکی جریان سلطنت و یک جریان خلافت. در این حادثه، قطار عظیم تاریخ اسلام و زندگی اسلامی خط عوض کرد؛ مثل خط عوض کردن هایی که شما می بینید یک جاهایی یک قطاری دارد طرف شمال می رود، در یک نقطه خاصی سوزن بان با جا به جا کردن خطوط صد و هشتاد درجه مسیر حرکت قطار را عوض می کند، قطار را روانه می کند به سمت جنوب، البته این صد و هشتاد درجه در همان لحظه عوض شدن خط محسوس نیست، لکن در مآل<sup>۱</sup> وقتی که انسان نگاه می کند، یک چنین چیزی را مشاهده می کند. من حادثه را از این دیدگاه می بینم. ... بعد از صلح امام حسن یک جریان جای خودش را داد به یک جریان دیگر. قدرت از دست یک خط، به تعبیر امروز، افتاد به دست خطی دیگر. ممیزات و مشخصات این دو خط چیست؟ این دو جریانی که جایشان را عوض کردند با هم، خصوصیاتشان چه بود؟ این مطلب اول.

۱. (اول) باز گشت، نگاه به عقب

قدرت و تسلط بر جامعه چه روش هایی بود؟ مسئله سوم، روش های جریان حق که قدرت را از دست داد- یعنی جریان امام حسن- برای مقاومت در مقابل جریان باطل چه بود؟ او از چه روش ها و شیوه هایی استفاده می کرد؟ چهارم، تحلیل شکست. چه شد که جریان حق در این ماجرا شکست خورد؟ این تحلیلش چیست؟ پنجم، رفتار گروه فاتح با گروه مغلوب چه بود؟ که یکی از آن فصل های بسیار آموزنده و عبرت انگیز، همین فصل است. ششم، رفتار گروه مغلوب در مقابل گروه فاتح چگونه بود؟ چه سیاستی، چه استراتژی را اینها انتخاب کردند و سر انجام کار چه شد؟ هفتم سر انجام. این هفت مسئله است. در مورد ممیزات دو جریان خیلی خصوصیات مربوط است به جریان حق و خصوصیات دیگری مربوط است به جریان باطل. که اگر یکی یکی بشمارم یک فهرست طولانی می شود، من جمع بندی کردم؛ که جریان حق یعنی جریان امام حسن اصالت را می دادند به دین. برایشان اصل، دین بود. دین یعنی چه؟ یعنی هم در ایمان مردم و اعتقاد مردم، دین باقی بماند و مردم به دین متعهد و پایبند بمانند در ایمان و عمل؛ و هم دین در اداره جامعه حاکمیت داشته باشد. اصل برای اینها این بود که جامعه با اداره دین و با قدرت دین و حاکمیت دین حرکت کند و نظامی باشد اسلامی. قدرت داشتن، حکومت داشتن، دست خودشان کار بودن مسئله دوم، سوم و چهارم و هکذا بود، مسائل دیگر، فرعی بود. مسئله اصلی این بود که این نظام و این جامعه با حاکمیت دین اداره بشود و افرادی که در این جامعه هستند، ایمان دینی در دلشان باقی بماند و در دلشان عمق و رسوخ پیدا کند. جریان اول مشخصه اش این بود. جریان دوم برایش اصل این بود که قدرت را به دست بگیرد به هر قیمتی. می خواست حاکم باشد. .... این سیاست حاکم بر جریان







دوم بود. مسئله برایش این بود که قدرت را به دست بگیرد، حالا با هر قیمتی، با هر شیوه ای، هر جور بشود قدرت را در دست نگه داشت. کما اینکه این روش سیاسیون معاصر دنیاست. ارزش ها و اصول برایشان اصل نیست. اگر توانستند اصولی در ذهنشان بود حفظ بکنند، حُب حفظ می کنند؛ اگر نتوانستند برایشان اصل این است که این قدرت در دست خودشان بماند. این برایشان مهم است. این بسیار مرز حساس و مهمی است. ممکن است هر دو جریان به ظواهر مذهب هم عمل بکنند، کما اینکه در جنگ بین امیرالمؤمنین و معاویه همین جور بود. یک روز عده ای از سپاهیان امیرالمؤمنین در جنگ صفین - که معاویه و امیرالمؤمنین در مقابل هم می جنگیدند- دچار تردید شدند. یک چند نفری توی اینها از این آدم های شبهه دار که یک فکری می آید به ذهنشان، نمی توانند خودشان حل کنند، به یک آدم حسابی هم مراجعه نمی کنند، همان را بنا می کنند هی اشاعه دادن، یک مجموعه ای و یک دایره نادرستی درست کردند پیرامون خودشان، یک عده از این افراد دچار تردید شدند. گفتند ما چرا با هم می جنگیم؟ آنها هم نماز می خوانند، ما هم نماز می خوانیم؛ آنها هم قرآن می خوانند، ما هم قرآن می خوانیم؛ آنها اسم پیغمبر را می آورند، ما هم اسم پیغمبر را می آوریم؛ دچار تردید شدند. عمار یاسر (که در تاریخ صدر اسلام، من نسبت به عمار یاسر یک تنبّه و توجهی پیدا کردم) این بزرگوار تحلیل گر و روشنگر مسائل بسیار شبهه ناک و دقیقی است که آن روز مورد غفلت و جهالت قرار می گرفته. شأن عمار یاسر این است در تاریخ اسلام. اگر ما مالک اشتر را به شمشیرش و شجاعتش می شناسیم، عمار یاسر را به زبانش و فکرش و بینش صحیحش و روشنگری بسیار کار سازش در تاریخ صدر اسلام باید بشناسیم. من کمتر جایی از آن موارد شبهه را سراغ دارم در دوران امیرالمؤمنین که پای عمار یاسر آنجا نباشد و او حضور نداشته باشد. یک چیز فوق العاده ای است این بزرگوار، اطلاع پیدا کرد که یک عده ای دچار این شبهه شدند، خودش را رساند و حقایقی را برای اینها بیان کرد. برایشان روشن کرد که مسئله، مسئله این ظواهر نیست که او هم نماز می خواند، تو هم نماز می خوانی. گفت به خدا قسم من در یک جنگ دیگری، دیدم همین دو پرچم را در مقابل هم. این پرچمی که امروز امیرالمؤمنین در زیر آن قرار گرفته، درست همین پرچم در مقابل آن پرچمی قرار گرفته بود که امروز معاویه زیر آن قرار گرفته، و او جنگ بدر بود. در جنگ بدر همین دو پرچم - پرچم بنی هاشم و پرچم بنی امیه - در مقابل هم بودند، زیر این پرچم رسول اکرم (ص) بود و زیر آن پرچم همین معاویه و پدرش و زیر این پرچم پیغمبر و همین امیرالمؤمنین حضور داشتند. اینها اختلافشان اختلاف اصولی است. به این ظواهر نگاه نکنید، شبهه را از ذهن اینها بر طرف کرد. پس گاهی همان جریانی که اصل برایش قدرت هست، ظواهر اسلامی را هم ملاحظه می کند. این دلیل نیست؛ باید باطن کار را نگاه کرد و هوشیارانه تشخیص داد که کدام جریان منطبق با کجاست، این مطلب اول.

مشخصه این دو جریان این است؛ قدرت گرایی در یک طرف و اصول گرایی و ارزش های اسلامی را قبول داشتن، برایش تلاش کردن، در راهش مجاهدت کردن در طرف دیگر. در یک طرف بنیاد گرایی است، اصول گرایی است، ارزش های اصیل را حفظ کردن است، در یک جهت نه، قدرت گرایی است، قدرت را می خواهد به دست بگیرد. حالا یک وقت این جور می شود، یک وقت آن جور می شود، هر جور شد می خواهد در اختیارش زمام قدرت را داشته

باشد. این مطلب اول. و اما آن جریان باطل از چه روش هایی استفاده می کند؟ این هم خیلی توجه بر انگیز است. روش های باطل کلاً آمیزه ای است از چند چیز یعنی نقشه معاویه یک نقشه ای است که از چند قسمت در کار حفظ قدرت و تعمیق قدرت تشکیل شده، هر کدام از این بخش ها در یک جا عملکرد و کاربرد دارد. آن چند چیز عبارتند: یکی قدرت نمایی. یک جاهایی به شدت قدرت نمایی می کند، سرکوب می کند. یکی پول، که کارسازترین چیز در اختیار عوامل شر آفرین است. دیگری تبلیغ، چهارمی سیاسی کاری؛ یعنی روش های سیاسی و شُل کن سفت کن های سیاسی، این مجموعه روش های معاویه است. شما یک جا می بینید که معاویه شدت عمل را به جایی می رساند که حجر بن عدی را که از صحابه پیغمبر است و برایش گران هم تمام می شود کشتن او، اما می کشد. رشید هجری را تعقیب می کند، دنبال می کند، بالاخره می کشد. زیاد بن ابیه را که یک فرد ظالم و عقده ای و بی ریشه ای بود و اصلاً هم قدرت طلب و بد اخلاق بود، این را حاکم می کند بر کوفه یعنی مرکز سلطه تفکر شیعی و تفکر ولایتی و به او اجازه و اختیار می دهد که هر کار می خواهی بکن؛ که درباره زیاد ابن ابیه مورخین نوشته اند: «أَخَذَكَ بِالطَّلَنْةِ، وَ قَتَلَكَ أَوْلِيَاءَهُ بِالْثَّهْمَةِ<sup>۱</sup>». هر کسی که مورد کوچک ترین سوء ظنی قرار می گرفت که این گرایش دارد به اهل بیت، این را می گرفتند زندانی می کردند، زیر شکنجه می گذاشتند، هر کسی که متهم می شد به اینکه همکاری کرده با خاندان پیغمبر و با آن جریان مغلوب، او را می کشتند، از بین می بردند. غوغایی بود در کوفه و در عراق که مرکز حاکمیت تشیع و خاندان پیغمبر بود. یک جا این جوری قدرت نمایی می کرد. همین معاویه در یک مورد دیگر شما می بینید که یک پیر زنی مثلاً می آید از فلان قبیله، بنا می کند به معاویه فحش دادن، بد گویی کردن که تو چنین کردی، چنان کردی، فلان کردی، می خندد، نوازشش می کند، محبت بهش می کند، هیچ چیز هم نمی گوید. عدی بن حاتم می آید پیش معاویه در حالی که دو چشمانش نابینا شده بود؛ معاویه می گوید: عدی! علی با تو انصاف نکرد، تو دو پسرت را در جنگ های علی با من از دست دادی، اما علی دو پسر خودش حسن و حسین را نگه داشت. عدی بن حاتم گریه کرد گفت: معاویه، من با علی انصاف نکردم، که علی به شهادت رسید و به لقای خدا پیوست و من هنوز زنده ام. در مجلس معاویه هر وقت یکی از وابستگان به اهل بیت حضور داشت و در آن کمترین اهانتی به امیرالمؤمنین می شد او با شجاعت، با صراحت، با قدرت به معاویه و یارانش حمله می کرد و معاویه هم می خندید، تلطف می کرد، حتی گاهی گریه می کرد، می گفت: بله، راست گفتید. ... شاید برای شما باور نکردنی باشد اما این واقعیتی است، تبلیغات همین است. تبلیغات، مسموم ترین و خطر ناک ترین ابزار هایی بوده که در طول تاریخ، باطل از او استفاده کند. برای خاطر اینکه تبلیغ اگر بخواهد به طور کامل ذهن ها را بپوشاند، احتیاج دارد به بازیگری، احتیاج دارد به دروغ و فریب. جریان حق اهل دروغ و فریب نیست. آن جریان باطل است که برایش هیچ چیز مهم نیست. مهم این است که یک حقیقتی به شکل دیگری در چشم مردم وانمود بشود. از تمام ابزارها استفاده می کنند و کردند. اینی که شما شنیدید از زبان گوناگون که وقتی امیرالمؤمنین در محراب به شهادت رسید، مردم شام تعجب کردند که علی در محراب چه کار می کرده؟ محراب که مال نماز خوان

۱. بحارالانوار/۴۴/ص ۲۱۴. «گروهی را به گمان و شبهه ای دستگیر می کنی و دوستان خدا را به سبب

تهمت به قتل می رسانی!»

۲. الدررجات الرفیعه/ص ۳۶۰

هاست! بعضی باور نمی کنند این راه، این واقعیت دارد. در طول چندین سال حکومت معاویه و قبل از معاویه، برادرش برادر بزرگ ترش، یزید بن ابی سفیان آن چنان تبلیغات را در شام مظلّم کرده بودند و غبار آلوده کرده بودند فضای ذهنی راه، که کسی غیر از این نمی توانست اصلاً چیزی بفهمد، این همین است. تبلیغ به نفع خاندان بنی امیه و معاویه و علیه خاندان پیغمبر. این واقعیتی است که در جهان اسلام تا حدود صد سال، بعد از هجرت یعنی شاید حدود چهل، پنجاه سال بعد از دوران خود امیرالمؤمنین، امیرالمؤمنین را بر روی منبرها لعنت می کردند. اینکه گفتیم لعنت در دنیای اسلام کار معاویه است و کار اخلاق معاویه، این همین است. بعضی ها، متهم کردند شیعه را و ملامت کردند که چرا بعضی از صحابه را مورد طعن و لعن قرار می دهند؛ این کاری است که آنها کردند، این کاری است که معاویه کرد. امیرالمؤمنین راه، علی بن ابی طالب راه، «أَفْضَلُ الْقَوْمِ» و «أَقْدَمُهُمْ إِسْلَاماً» را و نزدیک ترین

**عمار یاسر تحلیل گر و روشنگر مسائل بسیار شبیه ناک و دقیقی است که آن روز مورد غفلت و جهالت قرار می گرفته. شأن عمار یاسر این است در تاریخ اسلام. اگر ما مالک اشتر را به شمشیرش و شجاعتش می شناسیم، عمار یاسر را به زبانش و فکرش و بینش صحیحش و روشنگری بسیار کار سازش در تاریخ صدر اسلام باید بشناسیم. من کمتر جایی از آن موارد شبیه را سراغ دارم در دوران امیرالمؤمنین که پای عمار یاسر آنجا نباشد و او حضور نداشته باشد. یک چیز فوق العاده ای است این بزرگوار.**

اصحاب پیغمبر را اینها سال ها، ده ها سال در منبرها به بدی و زشتی یاد کردند و او را لعنت کردند تا زمان عمر بن عبد العزیز. او وقتی که خلیفه شد ممنوع کرد، گفت کسی دیگر حق ندارد این کار را بکند. بعد از عبدالملک بن مروان دو پسرش ولید و سلیمان پشت سر هم حکومت کردند حدود شاید دوازده سال؛ بعد از آنها عمر بن عبد العزیز به خلافت رسید و بعد از عمر بن عبد العزیز که دو سال و اندی هم او خلافت کرد، حدود دو سال دو پسر دیگر عبدالملک یعنی یزید و هشام به حکومت رسیدند. عمر بن عبد العزیز جلوی شان را گرفت. نگذاشت که دیگر کسی امیرالمؤمنین را لعن کند، تا آن وقت می کردند. یکی از کارها این بود. خُصَب اول البته مردم تعجب می کردند، لکن یواش یواش عادت کردند. در تاریخ خواندم که هیچ قاری و محدث و راوی دین در دنیای اسلام باقی نماند مگر اینکه دستگاه حکومت معاویه و جانشینان معاویه، آنها را وادار کردند که در مذمت اهل بیت و در مدح دشمنان اهل بیت حدیث درست کنند و آیه تفسیر کنند و امثال اینها. همین (سُورَةُ بَنِي جَدْنَب)

معروف که روایت معروف «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» مربوط به اوست یکی از اصحاب پیغمبر است؛ منتها آن صحابی ای است که پیغمبر نسبت به او غضب کردند. به خاطر آن داستان معروفی که یک درختی داشت در زمینی متعلق به یک خانواده ای و می رفت مزاحم اینها می شد، وارد آن خانه می شد سر زده، بدون اینکه خبر بکند، این خانواده نشسته بودند، زن، بچه، بزرگ، یک وقت می دیدند یک مردی وارد این خانه شد، چیه، یک درخت خرما اینجا توی این زمینی که خانه اینهاست، حریم منزل اینهاست ایشان دارد؛ به پیغمبر شکایت کردند. پیغمبر گفت که این درخت خرما را بفروش به این صاحب خانه. گفت که نمی فروشم، درخت خودم است، دلم می خواهد بروم به درختم سر بزنم. فرمودند به من بفروش. قبول نکرد. فرمودند در مقابل فلان مبلغ، قبول نکرد. فرمودند در مقابل یک درخت در بهشت؛ یعنی وعده بهشت در حقیقت به او دادند. گفت نمی خواهم، من همین درخت خودم را می خواهم الا و لا بدّ؟ پیغمبر گفتند خُب حالا که این جور است پس به آن صاحب خانه گفتند برو درختش را از زمین بکن، بیانداز بیرون، درختش را بردارد ببرد. «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَام» ضرر زدن به مردم و اذیت کردن مردم، ما در اسلام نداریم. به بهانه اینکه اینجا ملک من است، مال من است مردم را اذیت کردن، ما چنین چیزی در اسلام نداریم. که این حدیث «لا ضرر» معروف که یکی از اصول و قواعد فقهی ماست مربوط به این آقا است. سمره بن جندب، زنده ماند تا زمان معاویه. خوش عاقبتی را ببینید، معاویه چون دنبال اصحاب بود. اصحاب پیغمبر نام و عنوان داشتند، که اینها را دور خودش جمع کند این آقا را هم آورد دور خودش. به این گفتش که ما یلم این آیه معروف را [به علی بن ابی طالب نسبت بدهی] «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» یعنی بعضی از مردم هستند که وقتی درباره دنیا حرف می زنند در مذمت دنیا، سخن آنها تو را به اعجاب و شگفتی می آورد؛ خدا را هم بر آنچه در دلشان هست شاهد می آورند اما در واقع اینها را می کنند. معاویه چون در مقابل کلمات امیرالمؤمنین قرار داشت، در مذمت دنیا آن خطبه های کوبنده نهج البلاغه که خُب خیلی اثر می گذاشت. شما ببینید کلماتی در نهایت زیبایی، فرض کنید امروز کسی یک شعری یا یک کتابی، یک مقاله ای بنویسد در نهایت فصاحت و زیبایی و هنرمندانه، یک موضوعی در این باشد. طبیعی است که این موضوع جامی افتد، صاحب این اثر هنری هم در چشم مردم شیرین می شود. حالا کلام امیرالمؤمنین را واقعاً مقایسه نمی شود کرد با هیچ کدام از آثار هنری ای که ماها می شناسیم. خیلی بالاتر از این حرف هاست. یک آیتی است از زیبایی، این کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه، و همه هم در بیان ارزش های اسلامی و معارف اسلامی؛ چیزی که برای معاویه اصلاً قابل تحمل و قابل قبول نبود. امیرالمؤمنین را هم در چشم ها شیرین می کرد. می خواست یک علاجی در مقابل این کلمات زهد گرایانه در مذمت دنیا که از امیرالمؤمنین نقل شده بتراشد. به این گفت بیا این آیه را بگو که درباره علی بن ابی طالب نازل شده. یعنی علی بن ابی طالب همان کسی است که درباره دنیا آنچنان حرف می زند که تو به شگفت

۳. من لا يحضره الفقيه/ج ۴/ص ۳۳۴. «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَام» در اسلام نه زیان دیدنی هست نه زیان رساندن.»  
۴. به طور قطعی و لازم  
۵. سوره مبارکه بقره/آیه ۲۰۴. «و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است.»

۱. الکافی/ج ۱۵/ص ۲۰۱. «كَانَ عَلِيُّ أَفْضَلِ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ» علی برترین مردم پس از رسول خدا بود.»  
۲. عوالم العلوم و المعارف/ج ۱/ص ۲۸۳. «... قَدْ رَوَّجَتْكَ أَقْدَمُهُمْ إِسْلَاماً، وَ أَعْظَمُهُمْ جِلْماً، وَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً، وَ أَعْلَمُهُمْ بِاللَّهِ عِلْماً؛ رسول خدا خطاب به فرزندشان حضرت صدیقه کبری می فرمایند: قطعاً تو را به ازدواج کسی در آوردم که با سابقه ترین مردم در اسلام، بردبار ترین آنها، خوش اخلاق ترین آنها و دانا ترینشان نسبت به خداوند است.»



می‌آیی، قسم خدا هم می‌خورد، اما لجوج‌ترین دشمنان، دشمنان اسلام و خدا هم اوست. بگو این آیه درباره‌ی علی است. آیه‌ی دیگری است «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» از جمله‌ی مردم کسانی هستند که جان خودشان را برای طلب رضایت خدا نثار می‌کنند. گفت بگو این آیه هم درباره‌ی ابن ملجم نازل شده. خیلی احتیاج داشت، خیلی برایش بُرد تبلیغاتی داشت این کار. یکی از اصحاب پیغمبر که پیغمبر را دیده در جنگ در کنار پیغمبر بوده چون سمرة بن جندب از بیچگی‌اش سرباز بود، هنوز مکلف نبود که توی جنگ‌ها شرکت می‌کرد، آدم این جورِ ای هم بود و اصحاب پیغمبر هم بوده، این بیاید آیه را نسبت به امیرالمؤمنین این جور تفسیر کند. بگوید درباره‌ی اینها نازل شده. پیشنهاد کرد، سمرة بن جندب آدم بدی بود شقی بود، اما وجدانش حاضر نشد، گفت نه من این کار را نمی‌کنم. به کسانی که واسطه‌ی این کارها بودند توی دستگاهش، گفت بگویند که حق حساب تو خواهد رسید، نگران پول نباش. پنجاه هزار درهم به تو پول می‌دهیم. پنجاه هزار درهم آن زمان ها خیلی پول بوده. پنجاه هزار مثقال نقره. یعنی پنج هزار مثقال طلا؛ به حسب قیمت گذاری‌های آن روز. یک ثروت عظیمی بود. بهش گفتند که پنجاه هزار بهت پول می‌دهد، گفت که نخیر، من قبول نمی‌کنم. حالا بعضی می‌گویند که خود سمرة بن جندب هم بازیگری می‌کرد، هی می‌خواست بازار گرمی کند؛ نه اینکه وجدانش ناراحت بود. می‌دانست که معاویه احتیاج دارد، در حقیقت چک و چونه داشت می‌زد. حالا یا این بود یا وجدانش واقعاً قبول نمی‌کرد دیگر من نمی‌دانم، به گردن نمی‌گیریم ما گناه سمرة بن جندب را. وقتی قبول نکرد، قیمت را بالا بردند. صد هزار درهم، باز قبول نکرد صد و پنجاه هزار، یا دویست هزار، باز قبول نکرد. ظاهراً به سیصد، پانصد درست یادم نیست به یک مبلغ عظیمی مثلاً در حدود سیصد هزار یا پانصد هزار درهم رساندند، یک ثروت فوق العاده‌ای بود. باز هم قبول نکرد. معاویه به آن کسی که واسطه‌ی این کار بود گفت این بی عقل نمی‌داند پانصد هزار چقدر است؟! بگویند پانصد هزار را بیاورند ببیند چقدر است بعد ببینیم قبول می‌کند یا نه؟ معاویه گفت خیلی خُب، دستور داد به آن خزانه دار که پانصد هزار درهم از خزانه بردار بیاور اینجا. خُب آن وقت ها هم پول‌ها، پول‌های نقره‌ای و توی کیسه‌ها و سنگین و حجم زیاد و حَمَل‌ها بنا کردند هی این پانصد هزار درهم است. حاضری یا نه؟ نگاهی کرد به این پول‌ها، دید خیلی ثروت عظیمی است، قبول کرد. و آیه را به همین ترتیب تفسیر کرد و این ماند در کتاب‌ها. اگر چه که در دنیای اسلام این گونه حرف‌های چرند غلط ردالت آمیز غالباً بر چیده شد. غالباً بعدها علما آمدند اینها را انداختند دور؛ اما خُب یک رشحاتی از اینها بالاخره باقی ماند، در ذهن یک عده‌ای هم اثر گذاشت، این کاری بود که معاویه می‌کرد، تبلیغ، مجموعه‌ی این روش‌ها، روش‌های معاویه را تشکیل می‌دهد برای کسب قدرت. خُب از این بگذریم.

روش‌های جریان حق؛ جریان حق هم بیکار که ننشسته بود در مقابل این تهاجم باطل. آنها هم روش‌هایی داشتند که به طور خلاصه عبارت است از اول مقاومت و تحرک قدرتمندانه، بعضی خیال می‌کنند امام حسن مجتبی‌ی ترسید که بجنگد؛ نه. امام حسن مجتبی قاطعانه عازم به جنگ بود و جزو شجاعان عرب است. من نگاه می‌کردم توی کتاب، در شرح دلاوری‌های امام مجتبی در قضایای مختلف، دلاوری‌های آن حضرت در جریان‌ات مختلف خیلی زیاد است. منتها در جنگ‌های امیرالمؤمنین، آنجایی که میدان جنگیدن

بود، خود امیرالمؤمنین مانع شد از جنگیدن امام حسن و امام حسین، نمی‌گذاشت اینها بروند در خطر خودشان را قرار بدهند. بعضی گفتند که چرا شما محمد بن حنیفه را می‌فرستی جلو، آن هم پسر است، امام حسن را نمی‌فرستی و امام حسین را؟ فرمود می‌ترسم که نسل رسول اکرم منقطع بشود. اینها تنها باز ماندگان پیغمبرند و می‌خواهم نسل پیغمبر را حفظ کنم. احساس خطر می‌کرد توی میدان جنگ، می‌خواست اینها را حفظ کند. نه به خاطر علاقه‌ی خودش، خُب به فرزندان دیگرش هم علاقه داشت، و خود امیرالمؤمنین که مرد جنگ و مرد میدان و خطر پذیر و کسی نبود که از خطر واهمه‌ای داشته باشد. منتها اینها فرزندان پیغمبر بودند و امیرالمؤمنین دلش نمی‌خواست که آنها را در خطر بیاندازد. چون در جنگ‌های امیرالمؤمنین اینها حضور که داشتند، میدان داری زیادی نکردند، به خاطر همین جهت است که نام این دو بزرگوار امام حسن و امام حسین جزو شجاعان آن دوره ثبت نشده؛ لکن در جنگ‌های اسلامی با ایران، امام حسن حضور داشته، در دفاع از خانه‌ی عثمان در مقابل مهاجمین، به دستور امیرالمؤمنین، امام حسن حضور داشته و در قضایای بسیار مهم، امام حسن حضور خودش را اثبات کرده. در همان جنگ جمل و صفین هم نقش‌های فوق العاده مهمی بر دوش امام حسن مجتبی (ع) بوده، که من نام امام حسن را در ماجراهای صفین و جمل این دو تا ماجرا به خصوص زیاد دیدم، نام امام حسین را کمتر دیدم. یعنی آن حضرت امام حسن مجتبی در میدان‌ها و در جریان‌ها، بیشتر حتی حضور داشته از امام حسین. نخیر، مرد جنگ، مرد سیاست، مرد تدبیر، مرد زبان‌آوری، قوی. مباحثات و مجادلات امام حسن مجتبی را انسان وقتی که می‌خواند، مو بر بدن انسان راست می‌ایستد، از بس قوی و قدرتمندانه است. در ماجرای صلح و بعد از صلح آن چنان کلمات قاطع و کوبنده‌ای از این بزرگوار نقل شده که از کلمات امیرالمؤمنین (ع) در مواردی کوبنده تر و تیز تر به نظر می‌رسد. من در کلمات امیرالمؤمنین آن جور کوبندگی و قدرت را کمتر دیدم در مقابله با دشمنان؛ شاید به خاطر این بوده که امیرالمؤمنین با آن چنان دشمنانی رو به رو و از نزدیک مواجه نشده بود که این قدر وقیح و خبیث باشند. بنا بر این هیچ گونه کمبودی در کار امام حسن نیست. کمبود در شرایط زمانه است. قدرتمندانه ایستاده برای دفاع، این یکی از روش‌هاست، تا آنجایی که ممکن است. یک جاهایی ایستادگی قدرتمندانه به ضرر تمام می‌شود. تغییر روش و مانور در انتخاب روش‌ها یک کار اساسی و لازم است. دوم، تبلیغ. کار تبلیغ در دستگاه‌های حق اهمیتش بسیار زیاد است. منتها همان طور که گفتیم جریان حق در تبلیغ دستش بسته است. از هر شیوه‌ای، از هر روشی نمی‌تواند استفاده کند. آن چیزی را که حق و واقع هست فقط بیان می‌کند، یک چیزهایی هست توی ذهن مردم، در ذهن مردم مطلوب است، جریان باطل هیچ ابایی ندارد که آنها را به همان شکلی که مردم دوست می‌دارند بیان کند؛ اما جریان حق نخیر، حق را بیان می‌کند و لو تلخ حرف می‌زند که انسان تعجب می‌کند. ما‌ها که با اینکه دوست می‌داریم که روش‌هایمان همان روش‌ها باشد، برای ما هم حتی تعجب انگیز است در مواردی. معاویه هیچ وقت این کار را نمی‌کرد. معاویه تملق مردم را می‌گفت. معاویه سعی می‌کرد به هر قیمتی هست حمایت مردم را جلب کند. علی بن ابی طالب این کار را نمی‌کند. نه اینکه بلد نیست؛ بر خلاف تقوی است، بر خلاف اصول است و خود علی بن ابی طالب فرمود: «لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ أَذْهَى

۱. سورة مبارکه بقره/آیه ۲۰۷



العَرَب<sup>۱</sup> اگر مسئله تقوا نبود ملاحظات ارزش ها نبود، من از معاویه زرنگ تر بودم. توی این کارها، واقعه هم همین است، اصل و ریشه علی و سابقه نزدیکی او با پیغمبر و افتخارات عظیم او و آن ذهن و روح با عظمت او؛ معلوم است که از معاویه واردتر و بلدتر و زرنگ تر است و می تواند خیلی کار ها بکند. منتها حق اجازه نمی دهد. ارزش گرایی؛ و شیوه دیگر اصرار بر حفظ ارزش ها. آن چیزی که در دستگاه حق خیلی مهم است و در شیوه های آنها مورد توجه است این است که اصرار دارند که ارزش ها را به هر قیمتی هست حفظ کنند، و در نهایت عقب نشینی تا حد و مرز حراست از بقای مکتب. این را هم توجه داشته باشید؛ یعنی حق اگر دید که ایستادن او موجب می شود که اصل مکتب به خطر بیفتد عقب نشینی می کند، ننگ و عارش نمی آید از عقب نشینی کردن. امام حسین فرمود: «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ خَيْرٌ مِنْ دُخُولِ النَّارِ»<sup>۲</sup> من اگر قرار باشد ننگ را قبول بکنم، قبول می کنم اما داخل آتش جهنم نمی شوم. یک جاهایی هست که بعضی ها برای اینکه ننگشان می آید یک کاری را انجام بدهند حاضرند عذاب و سَخَط<sup>۳</sup> الهی را به خودشان جلب کنند. ننگ چیست؟ اصل این است که انسان رضای خدا را جلب کند. اصل این است که انسان وظیفه اش را انجام بدهد، ولو برگشتن از یک حرفی باشد، برگشتن از یک خطی باشد، عقب نشینی از یک موضعی باشد. هر چه که خدا می خواهد، هر چه که خدا راضی است؛ ببینید این یک اصل است در زندگی ائمه (ع)؛ در زندگی امام حسن هم همین جور، آن وقتی که امام حسن به خاطر ضرورت ها و فشار واقعیت ها ناچار شد صلح با معاویه را قبول بکند، در حالی که تا آن وقت مرتب لشکر می فرستاد، تحریض<sup>۴</sup> بر جنگ می کرد، و نیروها را جلب می کرد و نامه می نوشت و همه کارهایی که برای یک جنگ تمام عیار لازم است امام حسن انجام می داد، بعد که دید نمی تواند، صلح را قبول کرد. دوستان نزدیکش حتی از او برگشتند. آن وقت بعد از آنی که امام حسن صلح را قبول کرد خیلی ها خوشحال شدند، ته دلشان از جنگ ناراحت بودند؛ اما همان هایی هم که حتی شاید در دلشان خوشحال شده بودند، برگشتند به امام حسن بنا کردند آن حضرت را ملامت کردن، که آقا! شما چرا از حرفت برگشتی؟ نزدیکان حتی، بزرگانی که من نمی خواهم اسم آنها را بیاورم، جزو صحابه دارای چهره های تابناک، آنها آمدند به امام حسن تعبیرات ناشایستی را کردند. اما آن بزرگوار، عقب نشینی کرد برای حفظ مکتب.

مسئله بعدی تحلیل شکست جریان حق است. علت شکست امام حسن عبارت بود از ضعف بینش عمومی (علت اصلی) و آمیخته شدن ایمان به انگیزه های مادی.

در زمینه ضعف بینش عمومی، مردم بسیار بسیار نا آگاه بودند انصافاً، و ایمان مذهبی شان هم آمیخته شده بود به انگیزه های مادی. برایشان مادیت شده بود اصل. متزلزل شدن ارزش ها از ده، بیست سال قبل از آن؛ از حدود ده پانزده سال قبل از ماجرای صلح امام حسن، ارزش ها ذره ذره متزلزل شده بود. یک مقدار تبعیض و یک مقدار این چیز ها به وجود آمده بود و همه اینها موجب شد که امام حسن نتواند مقاومت کند. و اما رفتار گروه فاتح با گروه مغلوب این بود که به جای اینکه بیایند امام حسن و یارانشان را بگیرند در

زندان بیاندازند یا بکشند، وقتی که مسلط شدند نه خیلی هم، علی الظاهر احترامشان را حفظ کردند؛ و با حضرت دیدار کردند خیلی احترام کردند، اما معاویه و گروه فاتح تصمیم گرفت بر محو شخصیت و تضعیف شخصیت. شخص را حفظ کردند تا شخصیت را نابود نکنند. این روش آنها بود که همان طور که گفتم در تبلیغات این را اصل قرار دادند. فضای بسیار فتنه آمیز و غبار آلوده و بسیار خطر ناک و مسموم، یک جریان را پیش ببرند. حالا که نمی توانیم کل جامعه را در پوشش تفکر درست اسلامی قرار بدهیم، پس به جای روی آوردن به یک جریان رقیق و رو به زوال که همان جریان عمومی است یک جریان عمیق و اصیل را در اقلیت و در زیر پوشش ننگ می داریم تا بماند و تضمین کننده حفظ اصالت های اسلام باشد. این کار را امام حسن کرد. یک جریان محدودی را به وجود آورد، یا بهتر بگوییم سازماندهی کرد، که این جریان همان جریان یاران و صحابه اهل بیت است، جریان تشیع. که اینها در طول تاریخ اسلام، در طول دوران های سیاه و خفقان آلود، ماندند و موجب شدند و تضمین کردند بقای اسلام را. اگر اینها نبودند به کلی همه چیز دگرگون می شد، جریان امامت و جریان بینش اهل بیت که تضمین کننده اسلام واقعی بود. و اما فرجام این شد که گروه غالبان و فاتحان و زورمندان شدند محکومان، و مغلوبان و ضعیف شمرده شدند حاکمان و فاتحان در ذهنیت جهان اسلام. امروز شما اگر نگاه کنید آن ذهنیتی که در دنیای اسلام وجود دارد، کما بیش ذهنیتی است که امام حسن مجتبی و امیرالمؤمنین آن را ترویج می کردند، نه ذهنیتی که معاویه و بعد از او یزید و بعد از او عبدالملک و مروان و خلفای بنی امیه ترویج می کردند. آن ذهنیت آنها به کلی شکست خورد و از بین رفت، در تاریخ دیگر نیست. ذهنیت آنها را اگر بخواهیم ما اسمی رویش بگذاریم همان نواصبند. نواصب که یکی از فرق به حساب می آیند که امروز هم در دنیای اسلام بر افتادند، وجود خارجی ندارند ظاهراً. نواصب یعنی کسانی که دشنام می دادند به خاندان پیغمبر و اسلام آنها را قبول نداشتند، که جریان ذهنی آنها آن بود. اگر قرار بود که معاویه فاتح و حاکم بشود امروز بایستی آن جریان بر دنیای اسلام حاکم باشد، در حالی که نخیر، امروز به عکس جریان فکری امیرالمؤمنین و امام حسن در دنیا حاکم است؛ اگر چه در برخی از فروع و پاره ای از عقاید درجه دو و دست دوم عیناً همان ها منتقل نشدند اما مجموع جریان این است. بنا بر این امام حسن (ع) فاتح شد و حاکم شد و بعد از او یزید و معاویه و معاویه ای از ماجرای صلح امام حسن و یارانشان را بگرفتند (۱۳۶۸/۲/۲)



۱. الکافی/ج ۸/ص ۲۴  
۲. بحار الانوار/ج ۷۵/ص ۱۲۸  
۳. (س خ ط) خشم و غضب  
۴. (ح ر ض) بر انگیزتن



«آیت‌الله سید احمد خاتمی» در سال ۱۳۳۹ شمسی در سمنان و در خاندان سادات معروف خاتمی متولد شد. وی بعد از اتمام تحصیل ابتدایی، در حدود یازده سالگی دروس طلبگی را در حوزه علمیّه سمنان شروع کرد و تا سال ۱۳۵۴ شمسی دروس مقدماتی را در آن حوزه از حضرات آقایان شاهچراغی و نصیری آموخت و سپس در سال ۱۳۵۴ شمسی وارد حوزه مقدّس قم شد و دروس سطح را در محضر اساتیدی چون: حضرات آیات ستوده، خزعلی، اشتهازدی، بنی‌فضل، سید علی محقق داماد، دوزدوزانی، شرح منظومه و تجربید را از محضر آیت‌الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد بهشتی، اسفار را از محضر فقیه متألّه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله ابراهیم امینی، اشارات را از محضر عارف معاصر آیت‌الله حسن زاده آملی، تفسیر را از محضر آیت‌الله مشکینی (ره) و آیت‌الله خزعلی، عهدنامه مالک اشتر نهج‌البلاغه را از آیت‌الله نوری همدانی، دروس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، فاضل لنکرانی (ره)، میرزا هاشم آملی (ره)، وحید خراسانی و شبیری زنجانی استفاده کرد.

آقای سید احمد خاتمی هم‌اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، امام جمعه موقت تهران، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) و عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی این مجمع می‌باشد.

مجله گنجینه مجمع به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان و سالروز میلاد با سعادت امام حسن مجتبی (ع) در سال ۱۳۹۰ گفتگویی با این عضو شورای عالی مجمع داشت که اینک به مناسبت برگزاری کنگره بین‌المللی سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع) اقدام به باز نشر آن می‌نماید.

آیت الله سید احمد خاکی  
در مصاحبه با گنجینه مجمع مطرح کرد:

## درس‌هایی برای امروز از حیات سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی علیه السلام

**گنجینه مجمع:** در ایام ولادت با سعادت سبط اکبر امام مجتبی (ع) هستیم. لذا خوب است برای شروع اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم به زندگی مبارک امام حسن مجتبی (ع) و صفاتی مانند صفت معروف کریم اهل بیت (ع) که این بزرگوار به آن متخلق بودند.

بسم الله الرحمن الرحیم. در رابطه با زندگی اهل بیت عصمت و طهارت، به دو گونه می‌توان سخن گفت: **نوع اول**، زندگی شناسنامه‌ای است؛ از جمله تاریخ ولادت، تاریخ وفات، تعداد ازدواج و فرزندان، خلفاء معاصر و مباحث اینگونه. **نوع دوم**، شیوه قرآنی است، این شیوه همانگونه که قرآن کریم فرمود: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آسُوءُ حَسَنَةٍ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسُوءَ حَسَنَةٍ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ

الْيَوْمَ الْآخِرَ» شیوه الگوئی است. به نظر می‌رسد که در زندگی اهل بیت (ع) آنچه قابل تامل است و به راستی معرفت تلقی می‌گردد شناخت شناسنامه‌ای نیست. شاید کسی نداند تاریخ ولادت یا تاریخ شهادت امام حسن (ع) چه زمانی است. آگاهی نداشتن بر این امور دلیلی بر نبود معرفت نیست؛ ولی در روایت است که "من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة" کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد مرگش، مرگ جاهلی است.

بیشتر اهل بیت (ع) در کلیات فضائل یکسانند. در عرصه عبادت، هم به معنای عام و هم به معنای خاصش در خط مقدم‌اند، در حالات بیشتر این بزرگواران است که وقتی وضو می‌گرفتند وضویشان وضویی با نشاط، لقاء الی الله و زیارت الله بوده است. نماز اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، نمازی به راستی قربان کل تقی و معراج بوده است. در حالات حضرت

امیرالمؤمنین (ع) است که در حال نماز تیر از پای حضرت کشیدند ایشان متوجه نشد. راجع به همه امامان این ویژگی وجود دارد، انس و الفت آنها با قرآن و دعا انسی ویژه بوده است. اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وقتی لبیک می‌گفتند خودشان را در محضر خدا می‌دیدند. امام حسن (ع) چندین بار پیاده به سفر حج رفتند درحالی که مرکب‌ها همراه حضرت بود و می‌توانستند استفاده کنند، ایشان به این وسیله می‌خواستند نهایت عشق‌شان را به ذات مقدس ربوبی به نشان بدهند. در عرصه رفتار با مردم، همه اهل بیت (ع) اسوه بودند و شاهد این مدعا این ماجراست که هر کسی که راجع به امام حسن (ع) کتاب نوشته، این داستان را نقل کرده است که مردی شامی شروع به دشنام‌دادن به امام حسن (ع) کرد. فحش و ناسزاهای شامی که تمام شد امام حسن (ع) فرمود: «می‌بینم که از راه رسیدی، جایی برای استراحت داری یا نه؟ اگر جایی نداری ما منزل وسیعی داریم و اگر گرسنه هستی به خانه برویم تا اطعامت کنیم». مرد فحش داد و امام حسن (ع) چنین برخورد کرد، این برخورد آنچنان مرد را دگرگون کرد که به عذرخواهی افتاد و در بعضی از نقل‌ها گفته شده که یک هفته مهمان امام حسن (ع) شد و گفت: «اللَّهُ يَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ».

اگر کسی می‌خواهد تفسیر عبادت، زهد، دگر دوستی، محبت به مردم، صبر و شجاعت را یکجا ببیند باید به سراغ اهل بیت (ع) بیاید.

**گنجینه مجمع:** پس بر خوردهای تک بعدی با ائمه اطهار (ع) صحیح نیست.

– متأسفانه برخی در تصویر سیمای امام حسن (ع)

وجود رهبری صالح برای اطاعت و فتح قله‌های پیروزی، همراهی با بصیرت و تقوا برای رسیدن به اهداف بلند و دشمن شناسی به عنوان یک اصل در پیروزی، درس‌های است که از زندگانی امام حسن مجتبی باید بگیریم





حسن(ع) «کریم» می‌گوییم معنایش این نیست که دیگر امامان کریم نباشند؛ بلکه این نشانه‌ای است برای امام حسن(ع). یا اگر به امام نهم «جواد(ع)» می‌گوییم معنایش این نیست که امامان دیگر جواد ندارند بلکه هرکدام به یک وصفی معروف شدند و منشأ این وصف هم، گاهی عنوانی است که پیامبر(ص) یا ائمه به آنها عطا کردند و گاهی هم خصلتی است که در بین مردم با آن معروف شدند.

**گنجینه مجمع: شاید همین نگاه‌های ناقص و تک‌بعدی باعث شده است که امروز ادیان دیگر مثل مسیحیت و بودیسم به عنوان ادیان محبت و اسلام به عنوان دین خشونت معرفی شوند؟**

– اسلام مکتب اعتدال است و هرگز آنچه را که به حضرت مسیح نسبت داده شده مبنی بر اینکه اگر به گونه راست سلی زدن گونه چپ را هم تقدیم کن قبول ندارد. این مطلب با قرآن سازگار نیست و ذلت قلمداد می‌شود. جالب است که امام راحل عظیم‌الشان می‌گفتند ما معتقدیم این حرف دروغ است و این سخن از پیامبر بزرگی مثل حضرت عیسی مسیح نیست. پس ما آن محبت را خارج از دین می‌دانیم و این را هم نادرست می‌دانیم که کسی از اسلام، فقط خشونت را ببیند.

چون قانون‌گذار اسلام خداوند است پس اسلام مکتب اعتدال است همانگونه که در دعای افتتاح چنین می‌فرماید:

شجاعت آن حضرت را کم می‌بینند، در حالی که همان خونی که در رگ‌های سید الشهدا(ع) جاری بود در رگ‌های امام حسن(ع) نیز جاری بود و همان خون در رگ‌های امیرالمومنین علی(ع) نیز جاری بود. اینان شیرمردان بیشه شجاعتند. برای مثال در جنگ صفین امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) در خط مقدم تن به تن می‌جنگیدند و این گویای آن است که فضیلتی از فضائل نیست که اهل بیت(ع) نداشته باشند. «مرحوم خواجه نصیر» در تجرید الاعتقاد در عرصه کلامی مطرح کرده است که ما معتقدیم اهل بیت عصمت و طهارت(ع) باید در فضائل، افضل باشند و دلیلش این است که «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» آیا کسی که به حق هدایت می‌کند، به پیروی کردن از او سزاوارتر است یا کسی که خود از هدایت بی‌بهره است مگر آن که (توسط دیگری) هدایت شود؛ پس چگونه داوری می‌کنید؟ (آیه ۳۵ سوره یونس). کسی که می‌خواهد امام شود باید در همه فضائل پیشگام باشد.

**گنجینه مجمع: پس برخی القاب مانند «کریم» برای امام مجتبی(ع) یا «عالم» برای امام رضا(ع) به معنای تک‌بعدی بودن نیست؟**

– خیر؛ برخی از این لقب‌ها را پیامبر(ص) به آنها داده و برخی هم بین مردم معروف شده است. اینکه به امام

"و ایقنت انک انت ارحم الراحمین فی موضع العفو و الرحمة و اشد المعاقبین فی موضع النکال و النقمة" یعنی: من یقین دارم خدایا که در جای مهر، ارحم الراحمینی ولی در جای عقوبت، اشد معاقبینی. دعای افتتاح از دعاهاى معتبر ماه رمضان است که در بسیاری از مصادر دعائى آمده و به نایب خاص امام زمان(عج) منسوب است که قاعدتا این دعا را از شخص امام زمان(عج) گرفته‌است.

باید توجه داشت همانگونه که تنها از خشم گفتن و از مهر نگفتن افراطی‌گری است، از مهر گفتن و از خشم نگفتن، آن هم به صورت افراطی درست نیست، این دو را باید باهم گفت. نباید به دامی گرفتار شویم که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، آنها می‌خواهند با ارائه تصویر مهربانانه از ادیان دیگر، مکتب فطرت را کنار بگذارند. به نقل از دوستان امام خمینی، ایشان بارها می‌فرمود: بیشترین ضربه را کسانی به اسلام زدند که اسلام را یکسونگرانه تفسیر کردند، زهد اسلام را دیدند ولی آبادانی دنیا را که اسلام می‌خواهد، ندیدند.

باید به جایی رسید که به راستی همه اسلام را مطرح کنیم. به عنوان نمونه در حادثه عاشورا شجاعت سید الشهدا(ع)، شجاعت حضرت علی اکبر(ع) و حضرت ابوالفضل العباس(ع) را مطرح می‌کنند اما این منطق را دنیای آلوده اومانیسم غربی نمی‌پذیرد که طبق نقل برخی از مقاتل، حضرت علی اکبر(ع) بعد از به هلاکت رساندن صد و بیست نفر به شهادت رسید و حضرت عباس بن علی(ع) هشتاد نفر را به جهنم واصل کرد و بعد شهید شد. ولی ما نباید بگوییم که اگر این واقعیت‌ها را مطرح کنیم، غربی‌ها اسلام را دین خشونت معرفی می‌کنند! آنها که خودشان غرق در خشونتند! اگر کسی واقعاً می‌خواهد لیبرال دموکراسی غرب را ببیند نگاهی به وضعیت امروز آمریکا، همه چیز را روشن می‌کند؛ مانند بوش که در عرصه مسیحی‌گری از مسیحی‌های متعصب بود. دست این جنایت‌کاران در هر آدم‌کشی جمعی در میان است. در یمن آنها بودند که دیکتاتور یمن را نگه داشتند، در لیبی مسامحه‌مدار می‌شوند درحالی که برای این جماعت، کشتن دیکتاتور لیبی کاری آسان است چون در متن خشونت و مروج خشونتند ولی دم از محبت می‌زنند، این یعنی پارادوکس و تناقض، این یعنی دروغ.

بنابراین اگر ما فقط از رحم و محبت حرف بزنیم تنها به این دلیل که آنها می‌خواهند مکتب اسلام را مکتب خشونت معرفی کنند کار نادرستی است. نباید یکسونگرانه اسلام را تفسیر کرد و می‌بایست چهره اهل بیت(ع) را آنگونه که هست به جهان معرفی کرد. وقتی از مهر امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) گفته می‌شود از قاطعیت‌شان هم بگوییم و این یعنی دینی که در جای خودش مهر می‌ورزد و در جای خودش خشم.

**گنجینه مجمع: این یکسونگری در مجالس مذهبی هم وجود دارد. مثلاً به مناسبت ماه مبارک رمضان یا ایام محرم، در مجالس آن قدر که به شفاعت و توسل تکیه می‌شود به معرفت‌شناسی اهمیتی داده نمی‌شود و این نکته بیان نمی‌شود که اگر شما معرفتی به امام نداشته‌باشی، شفاعتی به شما تعلق نمی‌گیرد، به عبارت دیگر مداحان و بعضی از سخنرانان مسئله شفاعت را آن قدر درشت می‌کنند که در ضمیر ناخودآگاه عزاداران به ویژه جوانان این**

## تصویر ذهنی ایجاد می‌شود که می‌توان با عزاداری به بعضی از مسائل اسلام بی‌توجهی کرد. نظر جنابعالی در این باره چیست؟

- شفاعت از مسائلی است که طرح آن ضرورت دارد؛ چون از سوی وهابیت، نابخردانه به آن شبهه وارد می‌شود. ما با تبلیغات ضد قرآنی وهابیت مواجهیم، بنابراین باید از شفاعت و اهمیت توسل گفته‌شود. اما دقت کنید که شیوه‌های این گفتن متفاوت است، گاهی ما بحث شفاعت را به عنوان یک اعتقاد مطرح می‌کنیم؛ به عنوان مثال پیامبر از چه کسانی شفاعت می‌کند و از چه کسانی شفاعت نمی‌کند. ابوبصیر می‌گوید: بعد از شهادت امام صادق(ع) برای عرض تسلیت به خانواده ایشان به منزلشان رفتم، آنها گفتند نبودی که آخرین لحظات امام صادق(ع) را ببینی، همه اقوام را جمع کردند؛ یک جمله فرمودند و از دنیا رفتند: "لاتنال شفاعتنا من استخف بالصلاة" یعنی: به شفاعت ما نرسد هر کس که نماز را سبک بشمارد.

مجالس دینی ما باید معجونی از خردورزی، استدلال و احساسات مقدس و عاطفی باشد و هر سه اینها را در جهت خدمت و ساختن مردم به کار گرفت. بنابراین مشکل، طرح بحث شفاعت و توسل نیست بلکه مشکل در شیوه طرح و ارائه آن است.

دغدغه و نگرانی امروز ما این است که چگونه این مباحث را از حوزه خردورزی و احساسات مقدس به عرصه عملی بیاوریم. راهکار همان است که قرآن و اهل بیت(ع) مطرح کرده‌اند. هرگاه قرآن یک مسئله اعتقادی را مطرح می‌کند بلافاصله نمونه عملی آن را ذکر می‌کند، اگر می‌خواهد مخلص و مخلص را معرفی کند، نمونه‌اش حضرت یوسف و حضرت موسی را مطرح می‌کند یا اگر بخواهد سرنوشت خیره‌سازان را مطرح کند، اقوام، امت‌ها و طاغوت‌های سرکش را مطرح می‌کند.

## گنجینه مجمع: شاید این روش قرآنی، با توجه به اینکه سطح درک و تحصیلات حاضران در مجالس متفاوت باشد، مشکل باشد.

- در سخنرانی‌هایی که عموم مردم حضور دارند باید از طرح مباحث به صورت عقلی و فلسفی خودداری کرد چون مستمع خسته می‌شود، و در نتیجه روز اول و دوم ماه رمضان در مجلس حضور دارد ولی روز دوم و سوم خبری از او نیست. از طرفی اگر دین، فقط به صورت احساسی مطرح شود کسانی که پیگیر مباحث علمی و عقلی دینی هستند بی‌بهره می‌مانند. بنابراین خطابه، جنبه عمومی دارد و باید حتماً نمونه‌ها را ارائه داد. بنده با خودم این چنین تعهد کردم که قبل از هر منبر، ببینم قرار است چه پیامی به مخاطبم القاء کنم، در فلسفه به این هدف نهایی "علت‌غائی" می‌گویند، در حقیقت علت فاعلی نیز وجود دارد، علت غائی، فاعلیت فاعل را تعریف می‌کند به این معنا که، من سخنران بدانم امشب در این خطابه به چه پیامی قرار است برسم؟ برای نمونه می‌خواهم به جوان‌ها بگویم خدا را حاضر و ناظر ببینید، بنابراین باید به گونه‌ای سخنرانی را تنظیم کنم که به این هدف نزدیک شوم. آفت سخنرانی این است که خطیب، بالای منبر تازه به این موضوع فکر کند که امروز چه بگویم؟ این نوع سخنرانی ضربه‌ای به خطابه است، خودش نمی‌داند چه می‌خواهد بگوید و هر چه یادش آمد بیان می‌کند "الکلام یجر الکلام"!

ولی وقتی کسی هدف را مشخص کرد هم از آیات قرآن استفاده می‌کند و



مجله گنجینه مجمع  
باید پلی باشد بین  
ما و مجامع اهل بیت  
در دنیا

هم به تفاسیر مراجعه می‌کند، آیه را معنا می‌کند و روایت را می‌خواند و قبل از اینکه شروع به صحبت کند نمونه‌ها را در ذهنش مرور می‌کند. برای مثال اگر قرار است برای مخاطب جوان خود، از پاکی و عفاف حرف بزنیم؛ آیه عفاف را می‌خوانیم روایتش را هم بیان می‌کنیم و بعد برای نمونه، حضرت یوسف علیه‌السلام را مطرح می‌کنیم که همان نمونه‌ای است که خداوند مطرح کرده‌است، بعد به جوان‌ها می‌گوییم که حاصل زندگی حضرت یوسف علیه‌السلام دو کلمه است که اگر این دو کلمه را شما هم داشته باشید، هرچند یوسف معصوم نمی‌شوید ولی می‌توانید به شخصیت او نزدیک شوید و آن دو کلمه این است یکی تقوا و دیگری صبر "أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ"

### گنجینه مجمع: از همینجا برای بحث اصلی مان استفاده کنیم. آیا همین عدم تقوا و صبر باعث تنها گذاشتن امام مجتبی (ع) در قیامش از سوی مردم نشد؟

– امام حسن (ع) هشت ماه مانند پدر بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین (ع) در جایگاه حکومت بودند. به معاویه هم اخطار کردند که بایستی تسلیم شوی؛ ولی سرانجام وضعیت به گونه‌ای شد که امام حسن (ع) به آرمان بلندشان دست پیدا نکردند. آرمان امام حسن همان آرمان امیرالمؤمنین (ع) بود؛ یعنی اینکه معاویه به عنوان کسی که یاغی بر امام است و خروج بر امام عادل کرده از صحنه برکنار شود. ولی شرایط این کار فراهم نبود؛ شاید بپرسید چطور شرایط این کار فراهم نبود؟ مجموعه‌ای از عوامل که امام حسن را وادار به آن نرمش قهرمانانه کرد چند مورد است. یکی از این عوامل، **سست عنصری و بی‌حالی یاران حضرت** بود که خود، معلول چند علت است:

۱. **ترکیب لشکر امام حسن (ع):** ترکیب لشکر امام (ع) ترکیب ناهمگونی بود چون گزینشی در کار نبود. همان ترکیب ناهمگون لشکر امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) منتقل شد که در میان آنها کسانی بودند که پول می‌گرفتند و حاضر به جنگ می‌شدند و هر کسی به آنها پول می‌داد برایش کار می‌کردند و مزدور در بین آنها زیاد بود. کسانی نیز که ارادتی به امام حسن و اهل بیت (ع) داشتند بسیار اندک بودند که به عدد انگشتان دست نمی‌رسید؛ از جمله چهره‌هایی مثل «حجر بن عدی» و «عمر بن حمق خزاعی». بنابراین این ترکیب ناهمگون، ترکیبی نبود که با آن بتوان به مضاف با معاویه رفت.

۲. **بی‌بصیرتی:** مردم واقعا نمی‌فهمیدند که قصه‌ی امام حسن (ع) و معاویه، قصه‌ی امام معصوم و یک یاغی است. برخی فکر می‌کردند دعوای دو حاکم و دو دولت بر سر ملک است.

۳. **بی‌تقوایی:** کسانی که به ظاهر با امام حسن (ع) بودند به خاطر منافع دنیا به صورت مخفیانه با معاویه در ارتباط بودند. برای مثال «عبیدالله بن عباس» که فامیل و فرمانده اول امام حسن (ع) بود کیسه‌های طلای معاویه فریبش داد او با اینکه معاویه دو فرزند او را کشته بود و از جهت عاطفی هم نباید به معاویه،



پناهنده می‌شد؛ ولی کیسه‌های طلا کار خودش را کرد. تقوا را در همه عرصه‌ها باید دید. متأسفانه برخی تقوا را در عرصه مسائل شخصی مثل نماز و روزه محدود می‌کنند و می‌گویند آدم متقی، اهل نماز و روزه است، ولی تقوا مثل خونی است در پیکره اخلاق اسلامی.

تقوی انواع مختلف دارد از جمله: تقوای خانوادگی، تقوای سیاسی، تقوای تعلیم و تقوای تجارت. این اتقوا الله‌هایی که در قرآن می‌بینید و در هر جایی مصداقش یک چیز است "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً" یا "یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره" در اینجا مصداق تقوا، قولی میان تو و زندگی خانوادگی است. در عرصه سیاسی نیز تقوا، اطاعت از حجت شرعی و امام است، چه بسا کسی اهل نماز شب و زیارت هم باشد ولی از حجت شرعی تبعیت نکند و این بی‌تقوایی است. بنابراین بر اثر بی‌تقوایی بود که مردم، مطیع امام حسن (ع) نبودند و حضرت فرمان جنگ می‌دادند ولی لشکریان سرپیچی می‌کردند.

**۴. شیطنتهای معاویه:** او آدمی بسیار مکار بود که در عرصه مکر دست اول را داشت. نکته جالب اینجاست که با این همه، امام حسن (ع) تقاضای صلح نکرد و تقاضای صلح، از طرف معاویه بود و گفت شما هر شرطی که می‌خواهید قرار بدهید. امام حسن (ع) مانند یک فرمانده هوشیار و زمان‌شناس عمل کرد و در قرارداد صلح آنچه را که باید باشد گنجاند که این قرارداد صلح، زمینه‌ساز قیام سالار شهیدان ابی‌عبدالله الحسین (ع) شد. لذا در کتاب‌های مختلف آمده که قیام سالار شهیدان قبل از آن که قیام حسینی باشد قیام حسنی بود. خوشبختانه در این رابطه بسیار کار شده است و بهترین کتاب درباره صلح امام حسن (ع) کتاب «مرحوم آل‌یاسین» است که مقام معظم رهبری آن را به نام "صلح امام حسن (ع)" ترجمه کرده است.

**گنجینه مجمع: بسیاری از سردرگمی‌های امروز جامعه ما، هم در سطح خواص و هم در سطح عامه امت اسلامی، ناشی از کمرنگ‌شدن نقش کاربردی سیره اهل‌بیت (ع) در ابعاد مختلف زندگی بشری است. از جریاناتی که در زندگی امام حسن (ع) رخ داد چه درس عبرت‌هایی می‌گیریم؟**

– اولین درس عبرت برای ما این است که امت اسلام در صورتی می‌تواند قله‌های پیروزی را فتح کنند که یک

«رهبر صالح» داشته باشد که از او اطاعت کند.

باید توجه داشت که تنها، داشتن رهبر صالح دردی را درمان نمی‌کند؛ امیرالمومنین علی (ع) که یک رهبر صالح بود می‌فرماید: "ولکن لا رأی لمن لایطاع" یعنی: وقتی شما حرف علی را نمی‌شنوید علی چه کار کند؟ ملت‌های در حال قیام از مصر گرفته تا تونس و بحرین و یمن باید توجه‌داشته‌باشند که قیام، فقط سرنگون کردن دیکتاتور نیست بلکه رسیدن به اهداف والا و مهم است.

نکته بعد، مسئله همراهی با بصیرت و تقواست که نقش مهمی در رسیدن به اهداف بلند مدت دارد. به گواهی تاریخ، بی‌حالی و دنیاپرستی اردوگاه امام حسن مجتبی (ع) ضربه مهلکی به اسلام زد. درست است که امام حسن (ع) کارش را انجام داد ولی بر اثر بی‌بصیرتی مردم دوره سیاهی بر شیعه گذشت. معاویه، «خاندان زیاد» را مسلط کرد که شیعه را از مخفی‌گاه‌هایش بیرون‌بکشد و اعدام کند. شب‌های تاری بر امت اسلام گذشت که همه اینها نتیجه دنیاطلبی، بی‌هدفی و سستی‌های موجود در جامعه اسلامی بود و باید از سیره امام حسن (ع) پند و اندرز گرفته شود تا بار دیگر آن حوادث تلخ اتفاق نیفتد.

آخرین نکته این است که بایستی دشمن‌شناسی را به عنوان یک اصل در پیروزی، مورد توجه قرار دهیم و وقتی دشمن و توطئه‌های او شناخته شد راه مقابله را آسان می‌کند.

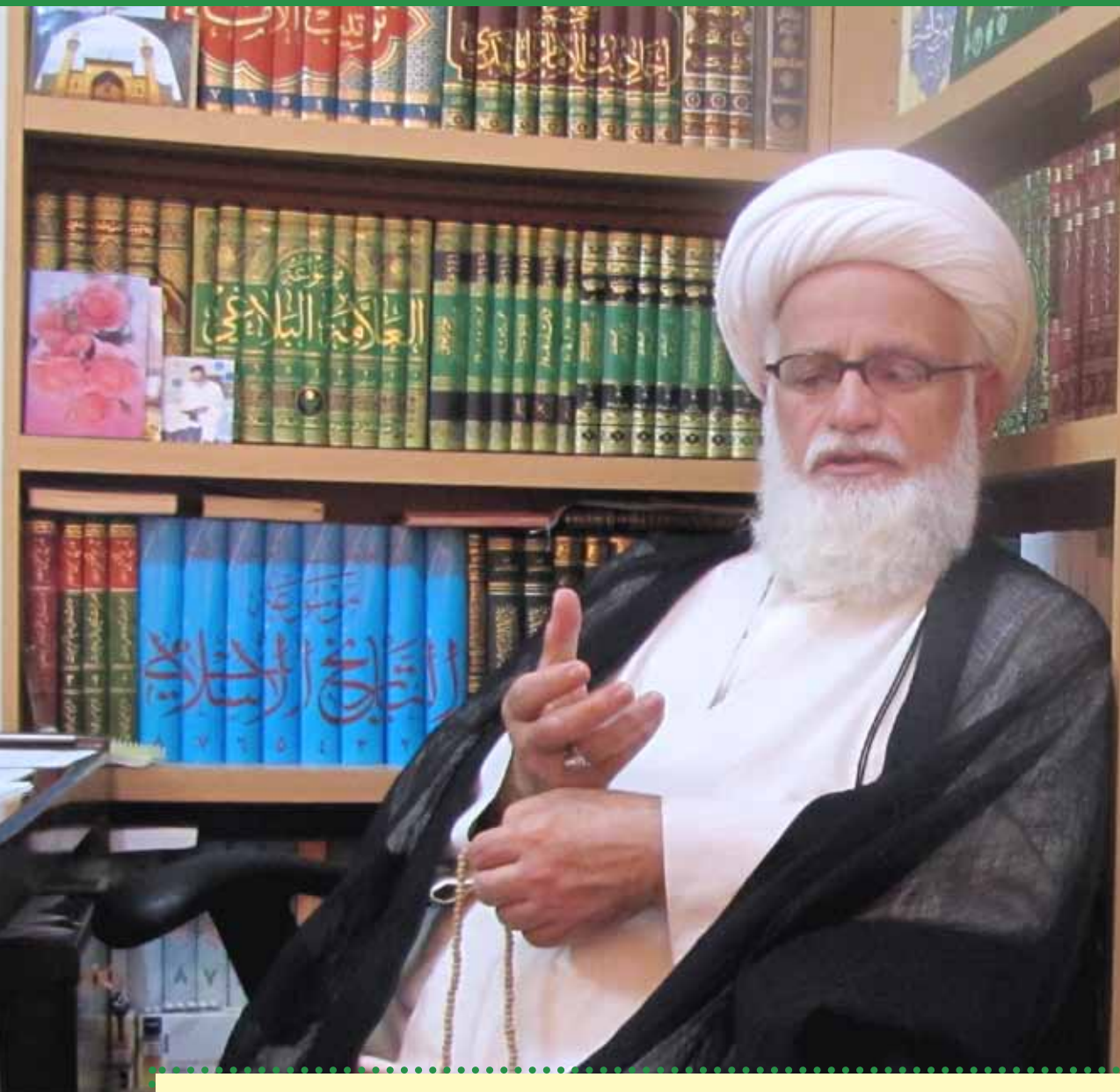
**گنجینه مجمع: در آخر اگر در رابطه با خبرگزاری ابنا و نشریه گنجینه توصیه یا فرمایشی دارید بفرمایید؟**  
– شَكَرَ اللهُ مَسَاعِيكُمْ؛ اخبار «خبرگزاری ابنا» کاملاً تخصصی است؛ یعنی خواننده احساس می‌کند کاملاً در فضای آنچه لازم است، قرار می‌گیرد.

در رابطه با مجله، من کلاً معتقدم مجلاتی الآن در کشور مخاطب دارند که تخصصی باشند. مجله گنجینه باید اولاً ارتباطش را با مخاطبینش برقرار کند؛ در حال حاضر فکر کنم حدود پانصد، ششصد نفر عضو مجمع عمومی هستند اما جای پای اینها را در این مجله نمی‌بینم. یک‌جوری آنها را در موضوعات مناسب باید درگیر کرد و ضروری است که به بخش خارجی مجله بهاء بدهید. در واقع مجله «گنجینه» باید پلی باشد بین ما و مجامع اهل بیت علیهم‌السلام در دنیا و نیز اعضای مجمع عمومی.

**گنجینه مجمع: با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.**

**قیام سالار شهیدان  
قبل از آن که قیام  
حسینی باشد قیام  
حسنی بود.**

**اخبار ابنا تخصصی  
است یعنی خواننده  
احساس می‌کند  
کاملاً در فضای  
آنچه لازم است قرار  
می‌گیرد**



«آیت الله شیخ محمدهادی یوسفی غروی» در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در نجف اشرف متولد شد و در سال ۱۳۴۱ شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی نزد پدرش آیت الله حاج میرزا محمود یوسفی غروی (ره) و حضرات آیات امام خمینی، خونی، سید محمدصادق حسینی روحانی و سید کاظم حسینی حائری تحصیل کرد.

وی در زمینه های ادبیات، منطق، فقه، اصول، تاریخ، تفسیر و علوم قرآن و حدیث به تحقیق، تألیف و تدریس در حوزه و دانشگاه پرداخته است. کتاب ارزشمند موسوعة التاريخ الاسلامی که در چندین جلد منتشر شده است، ارزشمندترین اثر این استاد فرهیخته به شمار می رود. ایشان همچنین با نهادهای علمی و فرهنگی گوناگونی همکاری داشته و دارد؛ از جمله: عضو شورای کتاب مجمع جهانی اهل بیت (ع)، عضو شورای علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، عضو کمیته حوزوی فقه، مبانی حقوق، ادبیات عرب و علوم قرآن و حدیث وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عضو شورای علمی دانشنامه فرهنگ فاطمی، عضو انجمن تاریخ پژوهان کشور، عضو شورای برنامه ریزی رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و عضو مجمع الفکر الاسلامی.

تدریس و اشراف بر پایان نامه ها به عنوان استاد مشاور و راهنما در مدرسه عالی دارالشفاء، مدرسه عالی فقه و معارف، مدرسه امام خمینی (ره)، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و جامعة العلوم الاسلامیه از ۱۳۷۰ تاکنون نیز یکی دیگر از اشتغالات علمی و پژوهشی استاد یوسفی غروی است.

مجله گنجینه مجمع به مناسبت برگزاری کنگره سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع) گفتگویی با این استاد تاریخ شناس درباره شبیهاتی که حول سیره آن امام همام وجود دارد انجام داده است.

# پاسخ به شبهاتی درباره سبط النبی اکبر (ص)

در گفتگو با استاد محمد هادی یوسفی غروی

**گنجینه مجمع:** امام حسن مجتبی (ع) هم اکنون چهره ای محبوب نزد قاطبه مسلمانان - شیعه و سنی - است؛ به شکلی که حتی مسلمانان اندونزی یا صوفیه آفریقا، مدح ایشان را می خوانند. از سوی دیگر آن مصائب را در حیات ایشان داریم. آیا این محبوبیت در صدر اسلام هم وجود داشت؟

- بسم الله الرحمن الرحيم. امام حسن مجتبی (ع) ویژگی های مهمی داشتند؛ از جمله اینکه نوه نبی مکرم (ص) و پسر امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه زهرا (ع) بودند. دیگر اینکه احادیث نبوی متعددی درباره شخصیت ایشان صادر شده بود. لذا مسلمانان به دو جهت اظهار اشتیاق به این نواده پیامبر (ع) می کردند؛ یکی به جهت اینکه یادگار پیغمبر (ص) بودند و یادگار دیگری به جز این نوه ها نمانده بود. چون از پیامبر (ص) فرزند پسری باقی نمانده است و فرزند دختر هم در حدی که بتواند فراغی از شخصیت اجتماعی پیغمبر را پر کند نبوده و لذا حسنین منحصرأ نوادگان و یادگار پیامبر بودند؛ و در جهت دیگر همان تأکیدات پیامبر (ص) درباره آنها و فضائی که حضرت در ضمن سخنرانی در باره آنها فرموده بودند. به این احادیث غالباً از دیدگاه فضائل و مناقب نگریسته می شود، گرچه احیاناً دلالت حتی عقیدتی - کلامی دارد؛ مثلاً «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة» و «إن حسن و حسين سیدا شباب أهل الجنة»؛ که هر دو جور نقل شده است مخصوصاً در جوامع و مجامع حدیثی اهل سنت غالباً و در متون قدیمی بدون الف و لام نقل شده است. مثلاً در کتاب تاریخ دمشق «ابن عساکر» غالباً بدون الف و لام است. البته در متن های تاریخی دیگر مثل تاریخ طبری و تاریخ کامل ابن اثیر هم همینطور است.

بهر حال در حدیث آمده است «ان الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» قویتر و مهمتر از دلالت فضیلتی، دلالت عقیدتی و کلامی آن است. مگر ممکن است کسی سرور و سید سالار جوانان اهل بهشت باشد و برحق نباشد؟ این در واقع به جنبه فضیلتی و شرافتی در دنیا دلالت دارد.

حتی مخصوصاً این نکته دقیق که وقتی که گفته می شود سرور جوانان اهل بهشت، یعنی نه اینکه تا قبل از مرگ برحق باشد؛ بلکه تا آخرین لحظات زندگی اش برحق بوده است و چون تا آخرین لحظات زندگی اش برحق است لذا از طرف پروردگار سید و سالار جوانان بهشت خواهد بود. خواستیم به این جنبه عقیدتی - کلامی حدیث تذکر داده باشیم که غالباً مورد غفلت واقع می شود.

نمونه این جنبه شخصیتی اجتماعی حضرت امام حسن (ع) و نمونه خیلی واضح و روشن آشکار آن، قضیه استمداد امیرالمؤمنین (ع) از اهل عراق به خصوص کوفه است.

**گنجینه مجمع:** جریان این استمداد چه بود؟

بعد از ماجرای قتل خلیفه سوم، «معاویه» طلحه، زبیر و عایشه را به رویارویی با امیرالمؤمنین (ع) برمی انگیزد و آنها را علیه امیرالمؤمنین علی (ع) می شوراند و به آنها وعده هایی می داد. در نتیجه این اقدامات، بالاخره طلحه و زبیر از مکه به مدینه رفتند و در مکه با عایشه همسر پیغمبر (ص) ملاقات کردند و اغراض و مقاصدشان یکسو شد و به طرف بصره حرکت و جنگ معروف به جمل را برپا کردند. امیرالمؤمنین (ع) در مدینه بود و مدینه از نیروهای کارآمد کارزار خالی شده بود؛ زیرا در عصر فتوحات، افرادی

امام حسن (ع) محبوبیت اجتماعی بالایی در بین مسلمانان صدر اسلام داشت و پیش بینی امیرالمؤمنین (ع) برای اعزام او به کوفه، پیش بینی بسیار متین و به جایی بود.

که قابلیت فرماندهی و راهنمایی نظامی و سیاسی و علمی داشتند به عنوان صحابه پیغمبر از مدینه پراکنده شده بودند؛ برخی به عنوان امامت جماعت، برخی به عنوان معلم قرآن، برخی به عنوان سرکرده نظامی، برخی به عنوان امیر سیاسی به مناطق مختلف رفته بودند، خلاصه اکثریت آنان پراکنده شده بودند. نیروهای کارزار همین



عددی است که در تاریخ مانده است که کمتر از ۷۰۰ نفر جنگجوی شمشیر به دست - که عمده آنها از اصحاب و انصار پیغمبر (ص) بودند - در رکاب امیرالمؤمنین (ع) از مدینه به سوی بخش جنوبی عراق یعنی بصره روانه شدند. اما امیرالمؤمنین (ع) با این عدد کم نمی توانست با آن اعداد زیادی که اصحاب جمل توانسته بودند جمع کنند مقابله کند. مخصوصاً «عبدالله بن عامر» خاله زاده خلیفه مقتول، بیت المال بصره را به مکه رساند و در اختیار طلحه، زبیر و عایشه گذاشت و سرمایه تجهیز این لشکر همان بیت المال بصره شد. خوب حالا امیر المؤمنین (ع) که محتاج به یاور است چه کند؟ کجا برود؟ و البته یکی از یاوربایی‌های که حضرت در میان راه انجام داد استمداد از قبیله «بنی طی» یعنی قبیله حاتم طائی بود. حاتم طائی که قبل از اسلام در حال شرک مرده بود پسر او «عدی بن حاتم طائی» که زعیم قبیله بود وقتی لشکریان اسلام به قبیله‌اش در عهد پیغمبر اکرم (ص) رسیدند به حسب ظاهر، به نظرش آمد که توان مقاومت ندارد و لذا به شام فرار کرد. خواهر او «سفانه» دختر حاتم طائی اسیر شد و او را به مدینه بردند پیغمبر (ص) او را به عنوان دختر حاتم طائی اکرام و احترام کرد. حتی در نقل است که پیغمبر ردای خود را درآورد که دختر حاتم طائی روی خاک زمین ننشیند. همین اخلاق کریمه پیغمبر (ص) موجب جلب او به اسلام شد و چون مسلمان شد پیغمبر (ص) او را آزاد کرد. وقتی او به قبیله‌اش برگشت برادرش عدی بن حاتم هم از شام به قبیله برگشت و وقتی خواهر

#### بنی‌العباس انگیزه توهین و تحقیر سادات حسنی را داشتند که متأسفانه می‌خواستند از راه توهین به حضرت امام حسن مجتبی (ع) این را تأمین کنند.

این اخلاق پیامبر (ص) را برای برادر نقل کرد موجب گرایش او به اسلام شد. عدی بن حاتم روانه مدینه شد که به دست خود پیغمبر (ص) مسلمان شود. این بار عدی هم از طرف پیغمبر (ص) اکرام شد، و عدی بن حاتم هم مسلمان شد. عدی در ماجرای جمل وفاداری خودش را به خاندان پیغمبر (ص) نشان داد و وقتی که خبر به او رسید که امیر المؤمنین (ص) در حال روانه شدن به طرف بصره است با آنهایی که توان انتقال از قبیله‌اش را داشتند در رکاب امیرالمؤمنین (ع) حاضر شد.

اما حضرت باز نمی توانست در مقابل آن اعداد و ارقام زیادی که جمع کرده بودند هم از خود بصره و هم از تمام کسانی که از مکه تا بصره توانسته بودند با اموالی که در اختیار داشته بودند به سوی خودشان جذب کنند، مقابله کند. بالاخره امیرالمؤمنین (ص) ناچار شد از مردم کوفه استمداد کند. شاهد ما اینجا بود که هم «مالک اشتر» و هم «عمار یاسر» و هم «عبدالله بن عباس» فرستادگان امیرالمؤمنین (ع) به کوفه بودند؛ اما آن اثری که فرستادن امام حسن مجتبی (ع) ایجاد کرد برای هیچ کدام از آن سه شخصیت نقل نشده است.

**گنجینه مجمع: اهل کوفه چه کسانی بودند؟**

- اهل کوفه یمنی‌ها و بیشتر حمدانیان یمنی بودند که اتفاقاً به دست امیرالمؤمنین (ع) مسلمان شده بودند یعنی در یمن هم نظیر همان وضعیت کوفه که سخنان آن سه شخصیت اثری نکرد رخ داد. قبل از امیرالمؤمنین (ع)، خالد بن ولید و معاذ بن جبل به یمن رفته بودند اما هیچ کدام از آنها آن تأثیر جذب به اسلام یا جاذبه به اسلام که امیرالمؤمنین (ع) ایجاد کرد را تبعاً ایجاد نکرده بودند. امیرالمؤمنین (ع) در ظرف یک نیم روز توانست کل قبیله حمدان بزرگ‌ترین قبایل یمن را به اسلام جذب کند و این اولین فتح بزرگ اسلامی غیر نظامی یا فتح غیر نظامی در یمن بود. اینها از همان روز سنگ اولیه بنای محبت و مودت اهل بیت (ع) و به خصوص شخص امیرالمؤمنین علی (ع) را به صورت پیشینه و سابقه داشتند. وقتی خبر به اهل کوفه رسید که امام حسن مجتبی (ع) رو به آنها آورده است، یعنی یادگار بزرگ‌تر پیغمبر اکرم (ص)، امام حسن (ع) به سوی آنها آمده است، استقبال عجیبی از ایشان کردند. وصف دقیقی که «ابن ابی الحدید» از این واقعه تاریخی کرده است انصافاً دیدنی، شنیدنی و تصورکردنی است که چگونه تقریباً تمام اهل کوفه روانه دروازه کوفه به طرف بصره شدند تا هم از امام حسن مجتبی (ع) استقبال کنند و هم برای اولین بار به لقای این یادگار پیغمبر (ع) مشرف شوند.

پس امام حسن (ع) محبوبیت اجتماعی بالایی داشت. اگر کسی دنبال این سؤال بود که چرا امیرالمؤمنین (ع) آخرش امام حسن مجتبی را فرستاده است؟ الان جوابش را دریافت کرد که معلوم می شود پیش بینی امیرالمؤمنین (ع) پیش بینی بسیار متین و به جایی بوده است.

امام حسن مجتبی (ع) با یک سخنرانی در مسجد جامع کوفه در مقابل سخنرانی متضاد «ابوموسی اشعری»، همه مردم را به نفع حضرت علی (ع) برای جنگ جمل بسیج کرد. حالا شاهد مقصود مطلب اینجاست: کوفه‌ای که حتی ۱۰ نفر از آن بر اثر استمداد شخصیت‌هایی از قبیل عبدالله بن عباس، مالک اشتر و عمار یاسر حرکت نکردند - با اینکه بعضی از این شخصیت‌ها مثل عمار یاسر سابقه حکومت بر کوفه را داشت - خطبه امام حسن (ع) ده هزار نفر را حرکت داد. این یکی از نمونه‌های عینی شاخص و بارز از مکانات اجتماعی امام مجتبی (ع) در میان مسلمانان - نه خصوص اهالی کوفه - است.

**گنجینه مجمع: با وجود این محبوبیت، شبهاتی در میان عوام الناس درباره ایشان وجود دارد؛ مثلاً می‌گویند امام حسن ۳۰۰ زن داشته است؟! لطفاً در این مورد توضیحی بفرمایید.**

- تعدد زوجات امام حسن مجتبی یک شبهه مشهور قدیمی است و به مقدار کافی مطرح شده و پاسخ داده شده است. در فراخوان مقاله همین "کنگره سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع)" که از طرف مجمع جهانی اهل بیت (ع) برگزار شد، یکی از عناوین مقالات همین موضوع شبهات بود و یکی از شبهات یا سرآمد این شبهه‌ها، تعدد زوجات بود. مقالات متعددی هم به دو زبان عربی و فارسی در این زمینه تألیف و فرستاده شد و مورد ارزیابی قرار گرفت و خیلی از آنها پذیرفته شده است و در منشورات کنگره منتشر خواهد شد. مرحوم شهید محراب «آیت الله سید اسدالله مدنی تبریزی» در شب‌های ماه



پاسخ دیگر اینکه خب اگر امام حسن (ع) ۳۰۰ زن داشت پس آثار این ۳۰۰ زن کجاست؟ به تعبیر دیگر روی این حساب بیشترین ائمه (ع) که از نظر تعداد زنان و همسران بشناسیم باید امام حسن مجتبی (ع) باشد. این تهمت نسبت به هیچ کدام از ائمه (ع) دیگر نیامده، حتی نصف و ربع این عدد هم نیامده است. بنابراین اولاد او علی القاعده باید بیشترین اولاد امامی در میان کل امامان باشند. در صورتی که آنچه معروف و مشهور است بیشترین کسی که از نظر نسل سادات اولاد داشته است سادات موسوی هستند که اولاد حضرت امام موسی بن جعفر (ع) هستند. هر جا می رسمیم امام زاده موسوی است از فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) است. حداکثر ۳۰ تا ۴۰ فرزند برای امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده که نصف آنها مذکر و نصف آنها مؤنث بودند.

### گنجینه مجمع: پس تعداد واقعی همسران و فرزندان امام مجتبی (ع) چقدر بود؟

— مورخان برای اولاد امام حسن مجتبی (ع) بدون هیچ اختلاف از ۱۵ نفر تجاوز نکرده‌اند. در ذکر نام زنان حضرت نیز احدی از ۵ نفر تجاوز نکرده است. اگر ۳۰۰ تا زن باشد چرا ۵ تن از آنها شناخته هستند؟ و بقیه هیچ نامی ندارد؟ آیا بقیه «ام ولد»

مبارک رمضان در نجف اشرف و در مسجد شیخ انصاری منبر علمائی می‌رفت. ایشان اینطور طرح ریخته بود که منبرش در هر دو شب، مخصوص یکی از معصومین باشد. ایشان در همان منبرها این تذکر را دادند که اولین کسی که این رقم ۳۰۰ را ذکر کرده است شخصی به نام «ابن عربی» — نه آن محی الدین ابن عربی مشهور — در کتاب النصوص است. آن شخص حدود نیمه قرن چهارم هجری در بغداد می زیسته و حالت عارفانه و صوفیانه ای داشت و شاید هم به همین جهت ازدواج نکرد. وی به عنوان سخنران پیش از خطبه جامع منصور در مسجد مرکزی بغداد صحبت می کرده است و این مطلب بی پایه را وی در آنجا مطرح کرده است. در حالی که هر گزارش که جنبه نقل خبری دارد یکی از این دو راه اعتبار را دارد؛ راه اعتبار اول سند آن است که سخنگو بگوید من این مطلب را از کی و او از کی شنیده است تا به منبع اولیه برسد و این را اصطلاحاً طریق سندی می‌گویند؛ و راه دوم این است که لااقل مصدر را معین کنند و بگویند من سندی ندارم که از شخصی شنیده و من از کسی، تا برسد به اصل صدور روایت، بلکه منبع آن برای من مشخص است که این خبر را من از فلان منبع نقل می‌کنم. اگر یک گزارشی هیچ کدام از این دو تارا نداشت نه سند و نه مصدر، در اینصورت اعتبار ندارد و نقل این آقای ابن عربی بغدادی از ابن قبیل است.

یعنی کنیز بودند؟ کلفت بودند؟ چه بوده اند؟ این قضیه این ابهام بزرگ و این علامت استفهام بزرگ را دارد.

### گنجینه مجمع: چه انگیزه ای برای جعل و نشر اینگونه مطالب دروغ وجود داشت؟

— در حدود نیمه های قرن چهارم هجری یعنی در اوج دولت بنی العباس آنان مبتلا به قیام های متعددی از علویان بودند که عمدتاً از سادات بنی الحسن بودند. لذا بنی العباس انگیزه توهین و تحقیر سادات حسنی را داشتند که متأسفانه از راه توهین به حضرت امام حسن مجتبی(ع) این را می خواستند تأمین کنند. به سادات حسنی می گفتند افتخارتان به جدتان امام حسن مجتبی(ع) است در صورتی که امام حسن مجتبی(ع) چنین و چنان بوده است. بنابراین شما هم انگیزه های شهوانی دارید و شما هم می خواهید به یک پول و امکاناتی برسید!

### گنجینه مجمع: شبهه دیگر این است که چرا حضرت امام حسن(ع) با شخصی به نام جُعه یا جُعه از دواج می کند که در آینده آن حضرت را شهید می کند؟ مگر اصالت خانوادگی برای ازدواج شرط نیست؟ چرا امام علی(ع) از خانواده ای برای پسر خود عروس انتخاب می کند که آن خانواده دشمن پیامبر(ص) بودند؟

— در فارسی بیشتر جُعه شهرت پیدا کرده در صورتی که وقتی به منابع ضبطی مراجعه می کنید آنها جُعه

ضبط کردند. پدر جُعه «اشعث بن قیس کندی» بود (البته اشعث لقب بوده که غالب بر نام شده است. نام او چیز دیگری است و واژه اشعث به معنای کسی است که موهای سر انباشته نامنظمی داشته باشد؛ یعنی شبیه همین وضعیت موی یمنی ها). وی علاوه بر اینکه جنگجو بوده زعیم یا رئیس قبیله هم بود یا بالعکس به علاوه اینکه رئیس قبیله بود جنگجو هم بوده است. غالباً این دو صفت با هم بوده است. یعنی غالباً یعنی زعامت قبیله ای با زعامت جنگی اُلفت می خورد. این شخص اواخر حیات پیغمبر اکرم به مدینه آمد و مسلمان شد و در صد این برآمد که جاپای شخصیتی در اسلام باز کند و لذا هر جوری بود خود را به پیغمبر اکرم(ص) منتسب کرد. این را تاریخ طبری صریحاً می گوید: که اشعث بن قیس خواهر ۳۰ ساله لوچی داشت و این را به عقد پیغمبر(ص) درآورد. از اینجا قسمت عمده جواب به دست می آید که ممکن کسی سؤال کند که سن پیغمبر(ص) در وقت وفات، از شصت گذشته بود، وقتی که رحلت کردند ۶۳ سال داشتند. بنابراین یک مرد ۶۳ ساله چه انگیزه ای دارد زمانی که اشعث ابن قیس خواهر خودش را بر حضرت عرضه کند حضرت بپذیرد؟ جواب این است که این نشانه اخلاق حضرت است که کسی اگر هدیه ای به آن حضرت عرضه می کرد قبول می کردند. حتی در جمله ای منسوب به حضرت (ص) آمده است که «لا یرد الاکرام الا الحمار» کسی هدیه و احترامی را رد نمی کند مگر دراز گوش.

پس پیغمبر اکرم(ص) اینچنین اخلاقی داشتند به ویژه اگر این پیشکش، پیشکش ناموسی باشد. پیغمبر



اکرم(ص) به خصوص عنايات به اين جهت داشت که پيش کش و هديه ناموسي را رد نکند، زيرا برای پيشنهاده دهنده تبعات اجتماعي نامناسب داشت. و من اصرارم از نظر تاريخي بر همين است. ابوبکر بعد از وفات حضرت خديجه دخترش عايشه با اينکه کم سن و سال بود يعني هفت سال داشت با اصرار به پيغمبر اکرم(ص) عرضه کرد و چون او به تعبير خودمان اين نقطه ضعف پيغمبر(ص) را به دست آورده بود به عنوان يک عربي که آشنا با اخلاق پيغمبر بود از اين فرصت استفاده کرد و دخترش را به پيامبر(ص) عرضه کرد. ولي ازدواج پيغمبر(ص) با حفصه در اثر اين بود که شوهر حفصه مسلمان شده بود و در جنگ در رکاب پيامبر(ص) شهيد شد. از آن طرف عمر روی حساب بيت واحدی و يگانگی با ابوبکر بر ابوبکر اصرار داشت که او حفصه را بعد از شهادت شوهرش بگيرد. در حضور پيغمبر(ص) سر و صدا بلند شد. حتی سنی ها نقل کرده اند که شأن نزول آيه « لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی » به همين مناسبت است. وقتی ابوبکر نپذيرفت و رد کرد عمر ناراحت شد که تو با اين رد خود خواسته ای به من توهين کنی! پيغمبر(ص) واسطه صلح اين دو شد و فرمود: «انشاء الله يکی بهتر از ابوبکر او را می گيرد». که اين کنایه ای به خودشان بود.

نظير اين در کوفه برای اميرالمؤمنين(ع) پيش آمد. امام حسن مجتبی(ع) قبل از اينکه به کوفه برود در مدينه «شاه زنان» خواهر «شهربانو» نصيب او شده بود. در اثر اينکه يزرگرد ساسانی از مدائن تيسفون گريخته بود و در شهرهای ايران به طرف راه خراسان رفت چون راه خراسان دورترين راه از فتوحات مسلمانان عرب بود. در ميان راه هم ياور طلبی می کرد. مسلمان ها با او در آنجا در گير شدند و ظاهراً خانوادش هم با وی بود. لشکرش تار و مار شد و خودش هم به ناچار به آسيابانی پناه برد و به عقلش نرسيده بود که جواهرات پادشاهی خود را پنهان کند و مثلاً خيال می کرد اگر با جواهراتش باشد، ايرانيان بيشتر او را می پذيرند و احترام می گذارند. اتفاقاً همين موجب شد آن آسيابان به او بيشتر طمع کرد و ديد که اين همه زحمت می کشد با يک شب اين همه جواهرات را می تواند مالک شود و لذا او را حالا يا سر بريد يا شکم دريد و دخترانش هم به دست مسلمانان اسير شدند و به مدينه فرستاده شدند. گویا اين در انتهای شش سال اول نيمه اول حکومت عثمان بود که مسلمانان هنوز سر به شورش بلند نکرده بود و اوائل نيمسال دوم که سر به شورشی مسلمانان شروع شد گویا به نظر خليفه عثمان رسیده که شايد اين دوتا خواهر را به اين دوتا برادر حسنين (ع) بدهد - اين در حد مظنه تحليل سياسی - موجب حق السکوت بشود تا اينها پناهگاه متمردين عليه خليفه نشده و هم صدا و هم داستان با آنان نشوند. اين در خبر معتبری در عيون اخبار الرضای شيخ صدوق آمده است. عرض اينجاست در همان خبر در ادامه خبر امام رضا (ع) می فرمايد: وقتی که حضرات يعنی اميرالمؤمنين(ع) و حسنين به جنگ جمل رفتند در بصره بودند که خبر رسيد در همان روزی که اتفاقاً اميرالمؤمنين(ع) نيمه ماه جمادی الاولی که بصره را فتح کرد پیک شادی از مدينه سر رسيد البته پیک شادی به يک معنا و پیک غم و اندوه هم می شود گفت به معنای ديگر. پیک، شادی و غم را با هم داشت که خبر داد که وضع حمل هر دو خواهر در زمان متقاربی صورت گرفت و هر دو سر نفاس از دنيا رفتند با اين فرق که همسر امام حسن مجتبی(ع) قبل از زایمان و همسر امام حسين(ع) شهربانو مادر امام زين العابدین(ع) بعد از زایمان امام زين العابدین(ع) از دنيا رفت. لذا يک نکته دقيقی در زندگانی امام

زين العابدین وجود دارد که مراسم اجرای سنت مولود اذان گفتن در گوش راست و اقامه گفتن در گوش چپ اينها نسبت به ساير ائمه نقل شده است و مخصوصاً نسبت به حسنين (ع) که جدشان پيغمبر(ص) انجام داد اما نسبت به امام زين العابدین(ع) و وجه آن اين است که نه اميرالمؤمنين(ع) در مدينه در وقت ولادت بوده نه پدرشان امام حسين (ع) و نه عمويشان امام حسن(ع). شخصيت نامدار نام آوری هم نبوده که ذکر شود.

بهر حال اشعث بن قيس وقتی خواهرانش را به عقد پيغمبر(ص) درآورد و از مدينه به يمن برگشت خبر به او رسيد که پيغمبر(ص) از دنيا رحلت کرده است. يعنی وقتی در حال تجهيز خواهرش بود که او را به مدينه بفرستد خبر رسيد که پيغمبر(ص) از دنيا رحلت کرده است. عجيب اينکه وی پس از اين خبر سر به شورش و تمرد از اسلام برداشت و مرتد شد! در جنگ مسلمانان

**ائمه اطهار(ع) مأمور نبودند که به علم غيب خود عمل کنند؛ بلکه مأمور بودند به حسب ظاهر عمل بکنند. حتی قرآن اشاره ای به اين معنا را دارد که به صورت دستوری به پيغمبر(ص) می فرمود «قُلْ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَا سِتْكُثُرْتُ مِنْ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السَّوْءُ»**

با اشعث، نيروهای وی تار و مار شدند و خود او دستگير و به مدينه برده شد. خليفه اول برای جلب قلوب يمنی های کندی که يکی از قبایل بزرگ يمن بودند نه تنها حد ارتداد را بر اشعث جاری نکرد بلکه او را آزاد کرد و خواهرش را نيز به ازدواج او درآورد. به نسل اشعث در طرف زنانه اهميت داده نشده است؛ اما پسرانش که در کوفه با حضرت مسلم و در کربلا با امام حسين(ع) جنگيدند فرزندان خواهر ابوبکر بودند.

اشعث بن قيس را خليفه سوم به آذربايجان فرستاده بود. اميرالمؤمنين(ع) وقتی برای جنگ صفين آماده می شد در صدد بود قبایل يمن را به طرف خود جذب کند در برابر قبایلی که معاويه به طرف خود جذب کرده بود. لذا اميرالمؤمنين(ع) اشعث بن قيس را خواست. اما او مردد شده بود! حتی در تاريخ بصراحت وجود دارد که اشعث کنفرانسی گرفت که رأی و مشورت کند ببيند رأی اکثر قبيله اش با علی(ع) است يا با معاويه؟ با عراق است يا با شام؟ يک عده ای با سوابق محبت عامی که از اميرالمؤمنين(ع) در يمن پيدا شده بود شديداً در مقابل اشعث ايستادند. لذا او فهميد هوا پس است و نمی تواند علی(ع) و معاويه را يکسان بداند يا معاويه را ترجيح بدهد؛ فلذا ناچار شد به کوفه برود. اما ته دل او نشان می دهد از همين قبيل است که متمایل به ارتداد باشد نه متمایل به پيغمبر(ص) و اميرالمؤمنين(ع).

اشعث در کوفه مترصد جبران بود. کسی که يک خطایی کرده است و از طرف ديگر کمبود شخصيت اجتماعي دارد می خواهد يک جوری در جلوی چشم شخصيت اجتماعي خود را جبران کند. و جبران کردن به اين بود که نسبت به پيغمبر(ص) به دنبال جا پای اجتماعي بود که خواهرش را به عقد پيغمبر(ص) درآورد در عصر خليفه اول بالعکس خواهر خليفه را گرفت. اين



دفعه در کوفه در صدد قدم سوم شخصیت یابی اجتماعی شد. این مطلب به عنوان یک منبع در کتاب تذکرة الخواص سبط ابن الجوزی متوفای ۶۶۵ هجری یعنی نیمه های قرن ۷ هجری آمده است. او هم از کتاب ابن ابی الدنیا مؤرخ قرن اوائل قرن ۴ هجری نقل کرده که امیرالمؤمنین (ص) برای امام حسن (ع) دختر یک شیخ قبیله محترم را خواستگاری کرده بود اما انگار که این بنده خدا خیلی زیرک نبود و مقداری سست بود. بین راه که این داشت به خانه بر می گشت که زنان را خبر کند که امیرالمؤمنین (ع) دختر ما را برای امام حسن (ع) خواستگاری کرده است اشعث از وی احوال پرسى کرد و او هم لو داد یا افتخار کرد که مثلاً امیرالمؤمنین (ع) دختر مرا خواستگاری کرده است. اشعث بن قیس نیمه سخن رها کرد و سریع خود را به امیرالمؤمنین (ع) رساند و زبان گله گشود که حالا ما چه عیبی پیدا کرده ایم که شما برای امام حسن (ع) رفتید سراغ دختر فلانی؟ این در واقع مشمول همان قاعده قبلی شد یعنی دختر خود را به صورت هدیه ناموسی خدمت امیرالمؤمنین (ع) برای امام حسن (ع) پیشنهاد کرد. امیرالمؤمنین (ع) هم به پیروی از اخلاق پیغمبر (ص) رد نکرد تا به او توهین نشود.

**در فراخوان مقاله کنگره**  
**سبط النبی اکبر امام حسن**  
**مجتبی (ع) که از طرف مجمع**  
**جهانی اهل بیت (ع) برگزار**  
**می شود، یکی از عناوین مقالات**  
**همین موضوع شبها بود**

### گنجینه مجمع: سؤال این است که چرا حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) به علم غیب عمل نکردند؟

— ائمه اطهار (ع) مأمور نبودند که به علم غیب خود عمل کنند؛ بلکه مأمور بودند به حسب ظاهر عمل بکنند. حتی قرآن اشاره ای به این معنا دارد و به صورت دستوری به پیغمبر (ص) فرمود «قُلْ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ». آیه به طور ضمنی می خواهد بفهماند اگر بنا بود به علم غیب عمل بکنم حالا قطع از این که محدوده علم غیبشان چه مقدار است؟ آیا آنقدر وسیع است که به تمام جزئیات آینده مطلع اند یا بالاخره یک محدودیتی دارد؟ قطع نظر از آن بحث، فرض می کنیم وسیع باشد فرض می کنیم شامل این موارد باشد اما آیه اشاره می کند که من اگر قرار بود به علم غیبم عمل کنم هرچه خیر بود به طرف خودم جذب می کردم و مثلاً هرچه شر بود از خودم دفع می کردم و به عنوان مثال در جنگ احد ضربه ۷۰ شمشیر را نمی خوردم. بنابراین بنا نبوده است ائمه (ع) به علم غیب خود عمل کنند بلکه بنا بوده به حسب ظاهر عمل کنند.

گذشته از این، تمام سؤالات از این قبیل یک جواب کلی که دارد این است که: غالباً ما امثال اشعث بن قیس را با تمام بدی ها و معایبی که در انتهای عمرش ردیف شده و برای او فهرست بندی گردیده است در نظر می گیریم؛

غافل از اینکه این ارقام در آن وقت ظاهر نشده بود و ظهوری پیدا نکرده بود. جعده از امام حسن مجتبی (ع) بچه دار نشد و امام حسن مجتبی (ع) زوجات دیگر گرفت که از آنها بچه دار شد. فلذا معاویه هم به عنوان یک زیرک شخصیت شناس اجتماعی که سطح درصد ایمان و معرفت اشعث را می شناسد و به قیاس او فرزندان او تربیت شده های او هستند به تطمیع او پرداخت. حتی متهم است به دست داشتن در قتل امیرالمؤمنین (ع). حجر بن عدی کندی در شب ضربت خوردن امیرالمؤمنین (ع) وقتی وارد مسجد شد به عنوان دو زعیم قبیله کننده، یک طرف قبایل کننده اشعث ابن قیس است زعیم منافق، و یک طرف زعیم مؤمن آقای حجر بن عدی کندی. اینکه دشمنان و مخالفان تشیع با حجر خوب نیستند به همین جهت است. می روند قبر حجر را اینطوری نیش قبر می کنند. حجر بن عدی دید و شنید اشعث به ابن ملجم می گوید و تشویق می کند او را که صبح الان در می آید و تو را مفتضح می کند. یعنی تا تاریکی ادامه دارد کارت را بکن. فلذا حجر می گوید: ای شیطان تو شریک قتل علی هستی و می فهمد که اشاره اش به چیست. چون ظاهراً حجر اخبار قلبی را اخبار رویاری امیرالمؤمنین (ع) با عبدالرحمان ابن ملجم را شنیده بود. صحیحش ملجم است نه ملجم. ملجم یعنی لگام بسته. لگام بسته یعنی حیوان اما هیچ عربی اسم پسرش را ملجم به معنی حیوان نمی گذارد. ملجم به معنی اسب سوار که لگام به حیوان می بندد است. چون این نکات ریزی است که غالباً خلاف معروف و مشهور است لذا تذکر می دهم. عرضم این است حجر بن عدی که این اخبار شنیده بود که امیرالمؤمنین (ع) به ابن ملجم گفته که تو مرا می کشی فلذا فهمید وقتی اشعث به او می گوید «زود برس» اشاره اش به چیست.

پس این شخصیت را معاویه به مقدار کافی شناسایی کرده است. اصلاً کسی که فتنه حبله گری، قرآن بر سر نیزه کردن ها را به نتیجه رساند اشعث اگر اشعث نبود این حبله معاویه اصلاً کارگر نمی شد و حنای معاویه رنگ نمی گرفت. و به علاوه از طریق عامل خود در مدینه مروان ابن حکم که خودش هم به مقدار کافی دشمنی اهل بیت (ع) را دل دارد، داماد خلیفه سوم عثمان است و در جنگ جمل شمشیر به روی امیرالمؤمنین (ع) کشیده و امیرالمؤمنین (ع) او را به منت گذاشته و او را رها کرده و بالاخره هیچ زمینه ایمانی و محبتی نسبت به اهل بیت (ع) و امیرالمؤمنین ندارد لذا معاویه به مروان بن حکم دستور می دهد و او جعده را برای این کار به مقدار کافی می پزد، با آن وعده هایی که معاویه داده بود زهر را از این طریق وارد می کنند و امام حسن مجتبی (ع) را شهید می کنند تقریباً شهادت امام حسن مجتبی (ع) به وسیله زهر جعده از طریق مروان و معاویه را احدی از مورخین انکار نکرده است و تقریباً یک امر متسالم علیه است. مگر کسانی مثل «ابن تیمیه» که خیلی متعصب باشند.

**گنجینه مجمع: با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.**

گنجرہ بین المللی



سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبیٰ (ع)

از دیدگاه  
مراجع و اندیشمندان

آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار ستاد کنگره سبط النبی (ص)؛

## باید مقام علم و حلم امام حسن (ع) را شناخته و به جهانیان بشناسانیم



اعضای ستاد کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)  
صبح روز ۱۹ خرداد ۱۳۹۳ با «حضرت آیت الله العظمی  
صافی گلپایگانی» دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدای این دیدار «حجت الإسلام والمسلمین محمدحسن اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، به ارائه گزارشی از برنامه های مجمع و دو برنامه اخیر آن - جایزه بزرگ پیامبر اعظم (ص) و کنگره سبط النبی (ص) - پرداخت.

در ادامه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ضمن تبریک اعیاد ماه شعبان المعظم بخصوص میلاد حضرت بقیه الله (عج) اظهار داشتند: بنده از شما عزیزان تشکر و قدردانی می کنم و انشاء الله همگان از برکات این اعیاد شریفه استفاده نموده و توفیقات بیشتری در خدمت به اسلام و پیشرفت مقاصد دین به دست آوریم.

ایشان با اشاره به اهمیت احیای امر اهل بیت علیهم السلام بیان داشتند: وظیفه ما این است و غیر از این نیست که به اعلاّی کلمه اسلام و احیای امر اهل بیت علیهم السلام اهتمام داشته باشیم. اصلاً هدف وجودی ما این است که عمر خود را وقف احیا و تعظیم امر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کنیم و لحظه ای در این امر کوتاهی نورزیم که سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت مردم در آن است.

این مرجع تقلید شیعیان در قسمت دیگری از بیانات خود با اشاره به اهتمام دیگران نسبت به ترویج عقائد و مکتب های باطل خود افزودند: آنها عقائد باطل خود را با صرف بودجه های کلان مادی تبلیغ و ترویج می کنند اما متأسفانه ما که مکتب حق و دارای معارف غنی دینی هستیم اینگونه اهتمام نداریم و نسبت به این امر کوتاهی می شود.

ایشان خاطرنشان کردند: اگر مقداری از بودجه هایی که برای اموری مانند

ورزش و مراکز که ارزش های اسلامی در آنها رعایت نمی شود و برای مملکت و جامعه هم مفید نیستند - بلکه در بعض اوقات به غفت عمومی جامعه و کرامت انسانی ضربه می زند - صرف می شود، برای ترویج معارف دین هزینه شود، چه اتفاق بزرگی می افتد. متأسفانه کوتاه آمده ایم. ما که ادعایمان این است که جمهوری اسلامی تشکیل داده ایم باید از همه بیشتر به ترویج معارف اسلام توجه کنیم.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی تأکید کردند: همه شیعیان اهل بیت علیهم السلام بخصوص مسئولان باید به این امر اهتمام داشته باشند و نگذارند که ترویج امر اهل بیت علیهم السلام بواسطه کمبود امور مادی، کم رنگ و ضعیف شود. بنده هم در حد توان خودم حاضرم خدمت کنم و در این امر مقدس، حتی حاضرم جان خود را فدا کنم.

ایشان با توجه به بدبینی برخی از مذاهب نسبت به مکتب تشیع درباره کم توجهی به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: متأسفانه این تصوّر باطل پدید آمده است که شیعه به شخصیت آن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجهی ندارد و در ترویج سنت های ایشان کوتاهی می کند. باید تلاش کنیم چنین تصوّر باطلی از بین برود و همگان بدانند که شیعه، شخص پیامبر گرامی اسلام را اول شخصیت اسلام می داند و آثار دانشمندان شیعه که درباره آن حضرت نوشته شده است همه بیانگر این امر است.

مرجع تقلید شیعیان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ابعاد عظیم شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: عنوانی که برای این برنامه بزرگ انتخاب کرده اید باعث افتخار است. شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام، شخصیتی بی نظیر در پیشرفت اسلام و هدایت مردم بود که مقبولیت آن حضرت بین مردم، سبب حفظ امر ولایت و دین شد. لذا باید ابعاد مهم

آیت الله وحید خراسانی در دیدار ستاد کنگره سبط النبی (ص)؛

## دولت موظف است از برنامه های مجمع جهانی اهل بیت (ع) حمایت کند



یکی از مراجع عظام تقلید جهان تشیع از فعالیت های مجمع جهانی اهل بیت (ع) و برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) ابراز خرسندی کردند.

«حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی» در دیدار دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مدیران مجمع با ایشان، با تأکید بر اهمیت وافر پرداختن به ابعاد مختلف شخصیت امام حسن مجتبی (ع)، دو حدیث نبوی که از دو طریق شیعه و اهل سنت درباره عظمت آن حضرت وارد شده است را بیان کردند.

ایشان با این مقدمه که حدیث اول، سندی دارد که «شیخ انصاری» با آن سند بر خلاف اصالة الاحتیاط فتوا می دهد، روایت را قرائت کردند که: "... فلیس من ملک مقرب ولا نبی مرسل إلا وهو یسأل الله تعالی أن یزور الحسین علیه السلام ففوج یهبط وفوج یصعد"، و توضیح دادند: هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه یک حاجت دارد و آن حاجت این است که خداوند به او اذن دهد که برود به زیارت امام حسین (ع). حال، این امام حسین (ع) با این مقام، خود به زیارت قبر امام حسن (ع) می رفت؛ پس ببینید که حضرت امام مجتبی (ع) چه مقامی دارد.

این استاد عالی حوزه علمیه قم سپس روایتی از منابع اهل سنت را قرائت کرده و گفتند: عامه مطلقاً به سند صحیح نقل کردند که پیامبر اکرم (ص) درباره امام مجتبی (ع) فرمودند: "إن ابنی هذا سید". آیت الله وحید خراسانی توضیح دادند: پیغمبر (ص) با این بیان، سیادت مطلقه و مطلق السیادة را به امام حسن داد. این دو روایت از شیعه و سنی، عظمت سبط اکبر نبی (ص) را نشان می دهد. ایشان با تأکید بر اینکه کارهای مجمع از جهت کتبی و نیز از جهت کیفی کارهای خیلی عظیمی است، به مدیران مجمع جهانی اهل بیت (ع) توصیه کردند: خدمات فرهنگی و تبلیغی مجمع به همه اهل بیت (ع) توسعه پیدا کند و تمام معصومین (ع) به جهانیان شناخته شوند؛ زیرا هر چه هست در نزد آنهاست.

آیت الله وحید خراسانی همچنین دولت جمهوری اسلامی را موظف به حمایت از اینگونه برنامه ها دانستند و فرمودند: ببینید که عربستان چگونه برای تبلیغ وهابیت هزینه می کند. آنها باطل هستند اما باید ببینیم در دنیایشان چه می کنند. دولت ما هم وظیفه دارد از کارهای مجمع جهانی اهل بیت (ع) حمایت کند.

شخصیتی و مکارم اخلاقی آن امام بزرگوار بررسی و ویژگی های آن حضرت برای مردم بازگو شود.

ایشان با اشاره به مقبولیت شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام در بین دانشمندان و مورخان اهل سنت فرمودند: آن حضرت در بین اهل سنت از جایگاه ویژه ای برخوردار است و کتاب های زیادی به قلم دانشمندان اهل سنت درباره شخصیت آن امام همام نوشته شده است. همچنین شاعرانی از اهل سنت درباره مقام علمی و اخلاقی آن حضرت اشعار زیادی را سروده اند؛ از جمله در کتاب روضة الصفا، اشعاری را از یکی از شاعران اهل سنت با مضامین بسیار بالا نقل نموده است.

معظم له سپس برخی از ابیات شعر مذکور را برای حاضران قرائت کردند:

اگر عمری بیارایم سخن را  
نشد نظم من نعت حسن را  
سخن گیرم که جز در عدن نیست  
سزای وصف اخلاق حسن نیست  
کمالش گر چه نزد ماست ظاهر  
زبان ما ز وصف اوست قاصر  
دو گیتی را وجودش زیب و زین است  
نظیر او اگر گوئی حسین است

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی افزودند: همانگونه که این شاعر گفته است، نقش امام حسن مجتبی علیه السلام در پیشرفت مقاصد اسلام همطراز نقش حضرت سیدالشهدا علیه السلام است و این را نباید فراموش کرد. حقیر هم در اشعاری که سروده ام به این نکته اشاره کرده ام: «گرچه به تعظیم مقام حسین هر چه بگویند بجا و رواست؛ دین ز فداکاری او زنده است پیشرو و سید اهل عبا است؛ حلم حسن نیز در احیاء دین نقش عظیمش نه کم از کربلا است» باید مقام علم و حلم آن حضرت را شناخته و به جهانیان بشناسانیم.

ایشان در پایان این دیدار ضمن قدردانی از برگزار کنندگان این همایش بزرگ از خداوند متعال برای آنها توفیقات بیشتر و توجهات خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مسألت نمودند.



آیت الله نوری همدانی در دیدار ستاد کنگره سبط النبی(ص)؛

## برگزاری کنگره‌ای در مورد امام حسن(ع) کار بسیار مقدس و تاثیرگذاری است



«آیت الله العظمی نوری همدانی» یکی از مراجع تقلید شیعیان در دیدار با مسئولین برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی(ص) که پیش از ظهر روز سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۳ در دفتر معظم له برگزار شد، اظهار داشتند: برگزاری این کنگره کار بسیار مقدس و تاثیرگذار است.

ایشان فرمودند: دنیای امروز تشنه معنویت است، جریان ها و رخدادها به گونه‌ای است که همه انسان ها را خسته کرده است چون جهان معاصر همه بر محور مادیات است و آنچه که بشر به آن محتاج است معنویت است و معنویت در فرهنگ اهل بیت(ع) وجود دارد.

مرجع تقلید شیعیان خاطر نشان کردند: اگر امروز بتوانیم فرهنگ اهل بیت(ع) را به دنیا نشان دهیم قدم بسیار مهمی در ایجاد شناخت، امنیت و معنویت برداشته‌ایم. برای نمونه اگر بتوانیم صحیفه سجاده را با ابزار و وسائلی که در دنیاست درست به دنیا ارائه کنیم کار بسیار مهمی را انجام داده ایم.

ایشان با بیان اینکه همه انسان ها به خدا توجه دارند ادامه دادند: همه فرقه‌ها و نحله‌ها در اعماق دل و در فطرت خود به آفریننده توجه دارند امام صادق(ع) به ابن ابی العوجاء فرمود: آیا تو مصنوع هستی یا غیر مصنوع؟ ابی ابی العوجاء می گوید: امام صادق(ع) از من سؤالی کرد که نتوانستم جواب دهم.

آیت الله نوری همدانی در بیان عظمت نعمت های خدا گفتند: در بدن انسان ابزاری به کار رفته است که انسان به این شکل درآمده است و روح نیز شگفتی‌های خاص خود را دارد. خود انسان، نمی تواند انسان را خلق کند صانع وجود دارد که انسان را خلق کرده است و آثار علم، قدرت و حکمت در

کل اعضاء و دستگاههای انسان نمایان است. پس انسان نمی تواند در وجدان خود منکر خدا باشد.

ایشان خطاب به مسئولین مجمع جهانی اهل بیت(ع) اظهار داشتند: کار شما بسیار مقدس و مهم است. شما می خواهید فرهنگ اهل بیت(ع) را به دنیا نشان دهید دنیا تشنه فرهنگ اهل بیت(ع) است و باید بتوانید واقعیت‌ها را به مردم دنیا نشان دهید. اجسام را با ابزار دوربین می شود به مخاطب نشان داد ولی شگفتی‌ها، ظرایف و خصوصیات معارف اهل بیت(ع) قابل تجسیم نیست.

این مرجع تقلید شیعیان با اشاره به اهمیت برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی(ص) و پرداختن به شخصیت و زمانه امام حسن(ع) افزودند: امام حسن(ع) مظلوم‌ترین ائمه(ع) است؛ چون در زمانی زعامت را بر عهده گرفتند که مردم از جنگ خسته شده بودند و تحمل مشکلات در راه حق را نداشتند. حضرت علی(ع) مردم کوفه را دائم به جهاد دعوت می کرد ولی آنها پاسخ مثبت نمی دادند.

ایشان افزودند: معاویه از خستگی مردم استفاده کرد و آنها را از اطراف امام حسن(ع) پراکنده ساخت و جنایات زیادی برای محو اسلام انجام داد و وضعیت برای امام حسن(ع) و مومنان واقعی خیلی سخت شد.

آیت الله نوری همدانی تاکید کردند: جنایات آمریکا، اسرائیل و تکفیری‌ها یادآور جنایات معاویه است. امروزه تکفیری‌ها جنازه صحابه را از قبر در می آورند خون کشته‌ها را مکیده و جگرهایشان را می خورند.

ایشان در پایان با اشاره به اینکه به خاطر محدودیت ها، از امام حسن(ع) نسبت به سایر ائمه(ع) کمترین حدیث نقل شده است، در ادامه گفتند: ما نباید فقط در مورد مظلوم سخن بگوییم؛ بلکه باید سراغ ظالم هم برویم و علل و اسباب را بررسی کنیم.

آیت الله علوی گرگانی در دیدار ستاد کنگره سبط النبی(ص)؛

## برگزاری کنگره سبط النبی(ع) حرکت بسیار مفیدی است



«حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی» از مراجع تقلید شیعیان یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۳ در دیدار با مسئولان برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی(ص) در دفتر معظم له اظهار داشتند: برگزاری این همایش حرکت بسیار مفیدی است و ارزش این حرکت از جهاتی شاید از بعضی حرکت‌ها بیشتر باشد.

ایشان فرمودند: در میان ائمه(ع) حضرت امام حسن(ع) خیلی چهره مظلومانه‌ای دارد یعنی شناختی که نسبت به ساحت ایشان داریم کم است و پرده‌ها و حجاب‌ها کنار زده نشده است و ما به واقعیت و کُنه شخصیت آن حضرت نمی‌توانیم برسیم؛ ولی تا حدی که به شناخت این وجود مبارک مربوط باشد باید تلاش کنیم.

این مرجع تقلید شیعیان جنبه علمیت امام حسن(ع) را یکی از ویژگی‌های ایشان معرفی کردند و ادامه دادند: جنبه اعلمیت امام حسن(ع) را باید از پدر و برادر ایشان به دست بیاوریم؛ وقتی می‌بینیم حضرت علی(ع) در جواب مسائل، امام حسن(ع) را پیشقدم می‌کنند، نشاندهنده این است که امام حسن(ع) شخصیت بالایی داشته است که مثل امیرالمؤمنین(ع) با بودن امام حسین(ع) ایشان را مقدم می‌کردند.

ایشان در بیان روایتی در اعلمیت امام حسن(ع) عنوان کردند: در جلسه‌ای که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در محضر حضرت علی(ع) حضور داشتند، امیرالمؤمنین(ع) مسئله‌ای را مطرح فرمودند که چه فاصله‌ای بین ایمان و یقین وجود دارد؟ امام حسن(ع) و امام حسین(ع) جواب ندادند، امام علی(ع) امام حسن(ع) را مورد خطاب قرار داده و سؤال را از ایشان پرسیدند. اینکه امام حسین(ع) جواب ندادند از باب احترام برادر بزرگتر بود و اینکه امام علی(ع)،

امام حسن(ع) را خطاب قرار می‌دهد نشاندهنده اولویت امام حسن(ع) است. و همین طور هم بود در موارد متعدد گاهی افراد از امام حسین(ع) مسئله‌ای را می‌پرسیدند ولی ایشان به امام حسن(ع) ارجاع می‌دادند و می‌گفتند امروز زمام امور دست برادر است.

آیت الله علوی گرگانی افزودند: امام حسن(ع) در جواب حضرت علی(ع) فرمودند ایمان عبارت از این است که گوش بشنود و دل تصدیق کند ولی یقین این است که چشم ببیند و قلب تصدیق کند و در روایتی دیگر آمده است که امام حسن(ع) در مورد یقین فرمودند اگر چشم ببیند و دل تصدیق کند و از آن بتوانی استدلال کنی به چیزی که از وی غائب هستی.

ایشان با بیان اینکه یکی از وظایف امامت هدایت مردم است در ادامه گفتند: امام حسن(ع) در زمان امامت خود با امام حسین(ع) در عرفات بودند. امام حسین(ع) روزه بود ولی امام حسن(ع) روزه نگرفته بود. سال بعد که امام حسین(ع) امام بود در عرفات روزه نگرفت. مردم از امام حسین(ع) پرسیدند که چرا شما سال قبل روزه بودید و امام حسن روزه نبود و امسال شما روزه نگرفته‌اید؟ امام حسین(ع) فرمودند اینکه سال قبل امام حسن(ع) روزه نگرفت به خاطر منصب امامت بود و ایشان می‌خواستند عملاً نشان دهند که مردم نباید تصور کنند در این روز حتماً باید روزه گرفته شود و روزه گرفتن امروز لازم نیست.

مرجع تقلید شیعیان تأکید کردند: امام حسن(ع) و امام حسین(ع) با این عمل با گفتار و کردار خود به دنبال تعلیم و تعلم مردم بودند و به این وسیله می‌خواستند مردم را مؤدب به آداب اسلامی کنند و انتظار ما از همایش‌ها این است که حالات و کیفیت و رفتار ائمه(ع) را بتوانید به مردم نشان دهید تا درس باشد و ما هم زندگی خودمان را بر این منوال قرار دهیم.

ایشان در پایان از دست اندرکاران کنگره سبط النبی(ص) تقدیر و تشکر کردند.

آیت الله یزدی در دیدار ستاد کنگره سبط النبی(ص)؛

## راجع به امام مجتبی(ع) و امامین عسکریین(ع) کار علمی کمی انجام شده است



استاد عالی حوزه علمیه قم با تأکید بر اینکه امام حسن(ع) نیز مانند پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) به دنبال تأسیس حکومت بودند تا اسلام اصیل را حفظ کنند گفت: راجع به امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) هم کم کار شده است و باید کنگره های علمی درباره آنان برگزار شود.

مسئولان برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع) با «آیت الله محمد یزدی» در قم دیدار و گفتگو کردند. ایشان با سپاس از اقدامات مجمع جهانی اهل بیت(ع) در راستای معرفی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به جهانیان، بر تبیین سیره اجتماعی و سیاسی امام حسن مجتبی(ع) تأکید کرد. نایب رییس مجلس خبرگان رهبری اقامه حکومت را یکی از اهداف معصومین دانست و گفت: امام حسن(ع) نیز به دنبال تأسیس حکومت بودند. آیت الله یزدی درباره هدف امام مجتبی(ع) از تأسیس حکومت نیز توضیح داد: ایشان می خواستند با تأسیس حکومت، اسلام اصیل را حفظ کنند. رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ترجمه و انتشار بخش هایی از کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» - از رهبر معظم انقلاب اسلامی - را به مسؤولین مجمع پیشنهاد کرد. کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» که درباره مسیر و مقصد زندگی مجاهدانه ائمه اطهار است یک فراتحلیل تاریخی محسوب می شود و نگاهی کل گرا به زندگی هریک از معصومین دارد؛ که با توجه به بستر تاریخی دوره مربوطه و در راستای مقصود واحدی که همه این بزرگواران دنبال می کردند ارائه شده

است. بنا بر محتوای این اثر ارزشمند، همه معصومان - از پیامبر تا امام حسن عسکری(ع) - در واقع مانند یک انسان بودند که وظیفه رهبری امت را با توجه به شرایط و اقتضائات گوناگون انجام دادند. بخش مهمی از این کتاب مربوط به دوران امام حسن مجتبی(ع) است.

آیت الله یزدی همچنین همکاری مجمع جهانی اهل بیت(ع) با نهادهای تحقیقاتی دیگر را خواستار شد و گفت: یکی از این مراکز، «مؤسسه پیام امام هادی(ع)» است که تحت مدیریت «حجت الاسلام رفیعی پور» تحقیقات خوبی درباره ائمه اطهار(ع) دارد.

ایشان با اشاره به اینکه راجع به امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) هم کم کار شده است، از مجمع خواست تا کنگره های علمی درباره آنان را نیز در دستور کار خود قرار دهد.

رئیس شورای عالی جامعه مدرسین در پایان از دبیر کل و مدیران مجمع جهانی اهل بیت(ع) دعوت کرد تا با حضور در جلسه هیأت رئیسه جامعه مدرسین، گزارش جامعی از فعالیت های گسترده مجمع به علماء و اساتید ارائه دهند.

پیش از سخنان آیت الله یزدی، آقایان «اختری»، «لک زایی» و «حسینی عارف» گزارشی از فعالیت های مجمع - از جمله جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم(ص) و کنگره سبط النبی(ص) - ارائه دادند.

دبیر کل مجمع در این دیدار ضمن اعلام اینکه مجمع در حال ترجمه «انسان ۲۵۰ ساله» به زبانهای مختلف است اعلام آمادگی کرد که نسبت به ترجمه کتاب «محمد فی القرآن والقرآن فی محمد» اثر آیت الله یزدی اقدام نماید.



آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری:

## کنگره سبط النبی باید افراد را به سیره زندگی امام حسن (ع) نزدیک تر کند



**مدیر حوزه‌های علمیه درباره کنگره بین المللی سبط النبی (ص)  
اظهار داشت: برگزاری اینگونه کنگره‌ها علاوه بر معرفی این  
شخصیت ارزشمند الهی در سطح جهانی، فرصتی برای بررسی  
سیره و سبک زندگی و الگو برداری از منش اهل بیت (ع) است.**

خود را به سیره زندگی امام حسن (ع) نزدیک تر کنند.  
آیت الله حسینی بوشهری افزود: در بین مردم جهان امروز یک گمشده اصلی  
وجود دارد و آن هم دین است. زمانی که انسان ها از همه مسائل مادی خسته  
می شوند به مباحث دینی، مذهبی و معرفتی روی آورند تا به آرامش برسند،  
در این مسیر نیز به این موضوع توجه می کنند که تکلیفشان نسبت به  
خداوند متعال چیست؟ بنابراین این کنگره می تواند یک بُعد تبلیغی وسیعی  
داشته باشد که باید از همه ظرفیت های آن استفاده کرد

مدیر حوزه های علمیه کشور ابراز داشت: باید برای کنگره امام حسن (ع)  
برنامه هایی تدوین شود که علاوه بر معرفی، جنبه تربیتی و تأثیر گذاری بالایی  
داشته باشد، همچنین خوب است به مسئله انتظار نیز اشاره ای شود تا همگان  
نسبت به حضرت صاحب الامر (عج) و مسئله ظهور دیدگاه روشنی پیدا کنند.  
وی در ادامه به حدیثی از امام حسن مجتبی (ع) اشاره کرد و گفت: کسانی  
که به دنیا وابسته می شوند، نتیجه طبیعی اش این است که خوف آخرت  
از دل آن ها بیرون می رود و چنان در این عرصه تاخت و تاز می کنند که  
گویی هیچ باوری نسبت به آخرت ندارند و هیچ نشانه ای را در این رابطه  
قبول ندارند.

عضو هیات رئیسه جامعه مدرسین بیان داشت: کسی که اعتقادش را نسبت  
به آخرت از دست بدهد دیگر دلش شکسته نمی شود، به فکر فرو نمی رود و  
کاری برای آخرتش نمی کند و در واقع بنده دنیا می شود.

آیت الله حسینی بوشهری تأکید کرد: کسانی که حرص و آزشان به دنیا زیاد  
شده و لذات شهوات دنیایی برایشان جاذبه پیدا می کند، با آخرت فاصله پیدا  
می کنند و برخلاف میل باطنی شان به مطلوب دنیایی هم نمی رسند.

«آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری» خاطرنشان کرد: یکی از مواردی  
که در زندگی معصومین (ع) مشاهده می شود تغییر رویکرد آن ها در شرایط  
و دوره های مختلف زندگی است، ما نیز باید در همین مسیر حرکت کنیم  
و برای ارائه آموزه های دینی و تبلیغ آن، از روش هایی استفاده کنیم که بر  
اساس شرایط زمان و نیازها جوامع باشد.

آیت الله حسینی بوشهری بیان داشت: کسی می تواند امام حسن (ع) را به  
عنوان الگوی معرفتی، اخلاقی و انسانی معرفی کند که صفات حضرت را در  
خود متجلی کرده و عامل به کلام ایشان باشد، بنابر این برای چنین کار  
بزرگی عوامل این کنگره ابتدا باید اخلاص داشته و در درجه بعد خودشان  
عامل به فرامین حضرت مجتبی (ع) باشند.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این که یکی از بارزترین ویژگی های  
امام حسن مجتبی (ع) کرامت ایشان بود، تصریح کرد: کریم بودن ابعاد  
مختلفی دارد و تنها با بخشش مال و ثروت به دست نمی آید، هر کس به  
روش های مختلف می تواند نسبت به دیگران کرامت داشته باشد، حتی  
همین لبخند، برخورد صحیح، ابتدا سلام کردن، تکریم و ادب به دیگران  
کرامت هستند.

وی عنوان داشت: در این کنگره باید اتفاقی بیافتد که پس از برگزاری آن  
حداقل افرادی که در آن حضور پیدا می کنند علاقه مند شوند و سعی کنند



## با برگزاری این کنگره، کمترین دینمان را نسبت به امام مجتبی (ع) اداء می کنیم



عصر روز جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ و همزمان با شب میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع) و طی جشن باشکوهی، «دیرخانه کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)» رسماً آغاز به کار کرد.

«حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج شیخ حسین انصاریان» سخنران اصلی این مراسم بود که آغاز به کار کنگره و جشنواره سبط النبی (ع) را اقدامی بسیار مهم و شادی آفرین خواند.

وی با اشاره به دغدغه خود درباره تبلیغ معارف امام حسن مجتبی (ع) گفت: «من از نزدیک به ۲۰ سال قبل در فکر بودم که حداقل در ماه مبارک رمضان و ایام ولادت حضرت مجتبی (ع) تا جایی که امکان دارد نام مبارک ایشان را به خانواده هایی که خیلی با مسجد و منبر سر و کار ندارند انتقال بدهم».

شیخ حسین انصاریان سپس به توضیح طرحی که برای دستیابی به منظور بالا اجرا کرد پرداخت و گفت: «خداوند به من توفیق داد کاری را در تهران پایه گذاری کردم که پس از تهران در بعضی از مراکز استانها هم اجرا شد و تبلیغ ارزشمندی بود و آن هم «هداء ننان رایگان در روزهای ۱۴ و ۱۵ ماه مبارک رمضان در نانوایی ها به مردم» بود. در این طرح، افراد نیکوکاری پخت ۲ روز نانوایی را می خردند و هنگامی که مردم برای تهیه نان به نانوایی می آیند از آنها پول گرفته نمی شود بلکه تابلویی وجود دارد که اعلام می کند شما امروز میهمان کریم اهل بیت (ع) هستید. این کار در بسیاری از شهرها انجام شد و در شیراز و روستاهای اطراف آن آنقدر فراگیر شد که حتی پول اضافه آمد. این کار در قزوین تبدیل به خیرات گوشت شد و تعدادی از نیکوکاران کشتار ۲ روز قصابی ها را خریدند و به عنوان امام مجتبی (ع) به مردم دادند. سپس در سالهای بعد جزوهای هم به نام «امام

حسن مجتبی (ع) را بهتر بشناسیم» نوشتم که در ضمن این طرح، به مردم اهداء شد».

این اندیشمند اسلامی در بیان آثار این کار اظهار داشت: «ما آثار مهمی از این کار دیدیم، از جمله اینکه اولاً کسانی که نان می خریدند خود اینها در سالهای بعد بانی این کار شدند و کار را گسترده تر کردند. ثانیاً بعضی از صاحبان مغازه می گفتند خانمهای بد حجاب وقتی تابلو را می دیدند اشکشان جاری می شد و حتی می گفتند ما پاک نیستیم و نباید لقمه امام حسن (ع) را بخوریم. برخی هم حجاب را درست می کردند».

وی سپس به مقایسه اقدام پسندیده مذکور با برگزاری کنگره و جشنواره سبط النبی امام حسن مجتبی (ع) پرداخت و گفت: «اما آن کار با تمام برکات و محاسنش، با برکات کنگره عظیمی که هم اکنون در حال آغاز است قابل مقایسه نیست. آثار این کاری که شما می خواهید انجام دهید قابل مقایسه با آثار دو روز نان و گوشت دادن به مردم نخواهد بود».

رییس مؤسسه دارالمعارف افزود: «اگر خداوند توفیق بدهد و این نهادهایی که می خواهند این کنگره را برگزار کنند در کارشان موفق شوند، ما کمترین دینمان را نسبت به امام مجتبی (ع) اداء کرده ایم. ایشان فقط با یک وصیتش نبوت همه انبیاء و امامت همه امامان را حفظ کرد و نگذاشت چراغ هدایت خاموش شود. اگر وصیت حضرت مجتبی (ع) در دفن بدنش نبود و آن درگیری ایجاد می شد تمام فرزندان اهل بیت را می کشتند و نور هدایت را خاموش می کردند اما وصیت حضرت مجتبی (ع) و پیشگیری وی باعث شد که اسلام به ما برسد».

حجت الاسلام انصاریان سپس روایتی از امام مجتبی (ع) را از کتاب «وسائل الشیعة» قرائت کرد که: «إِن أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقِ الْحَسَنُ؛ زیباترین زیباییها

آیت الله باریک‌بین:

## علاوه بر کنگره علمی باید از هنر هم استفاده کنیم



**نماینده ولی فقیه در استان قزوین گفت:**  
**ما باید از ائمه معصومین الگو بگیریم و آن زمان اعمال و**  
**رفتار ما خود بزرگترین معرف برای شخصیت امامان ما**  
**خواهد شد.**

«آیت الله هادی باریک‌بین» در گفتگو با خبرنگار شبستان در قزوین بیان کرد: باید بدانیم که ما هر چه داریم به برکت همین ائمه معصومین (ع) است و باید سیره و روش زندگی آنها الگوی ما در زندگی قرار گیرد.

نماینده ولی فقیه در استان قزوین با اشاره به برگزاری کنگره بین‌المللی سبط‌النبی امام حسن مجتبی (ع) افزود: کار دست‌اندرکاران این کنگره ارزشمند بسیار بالارش و گرانبها است و کمترین وظیفه ما شیعیان نسبت به اهل بیت (ع) است. برگزاری این قبیل مراسم و برنامه‌ها برای شناساندن شخصیت رفیع حضرات معصومین از جمله امام حسن مجتبی (ع) به جهانیان بسیار مهم است.

وی با تأکید بر لزوم الگوگیری از ائمه اطهار (ع) تصریح کرد: ما باید از آن بزرگواران الگو بگیریم و آن زمان اعمال و رفتار ما خود بزرگترین معرف برای شخصیت امامان ما خواهد شد به طوری که خود آن بزرگواران به ما فرموده اند مردم را به غیر زبانتان دعوت به اسلام کنید؛ یعنی با اعمال و رفتار باید این کار صورت گیرد.

آیت الله باریک‌بین افزود: البته در کنار برگزاری این کنگره‌ها، استفاده از امکانات روز نظیر ساخت فیلم و سریال نیز می‌تواند در این حوزه موثر باشد. وی در پایان یادآور شد: بنده از برگزاری این کنگره و دست‌اندرکاران آن قدردانی کرده و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت و سعادت دارم.

اخلاق حسنه است» و در توضیح آن گفت: «یعنی کسی که در او حسد نباشد، ریا نباشد، بخل نباشد، بدگمانی نباشد، تلخی در چهره او نباشد، شیرین باشد، وقتی از کنار افراد برود دل مردم برای او تنگ شود و ... چنین فردی که دارای این اخلاق حسنه است دارای زیباترین زیبایی هاست. خود امام مجتبی (ع) این اخلاق را به طور کامل و جامع داشتند.»

وی اضافه کرد: «پیامبر اکرم (ص) هم فرمود: «این اقربکم منی مجلساً يوم القيامة احسنکم اخلاقاً؛ نزدیکترین افراد شما در قیامت به من دارندگان اخلاق حسنه هستند» پیامبر فرمود آنهايي که نماز و روزه و عمره بیشتری دارند به من نزدیک‌اند بلکه فرمود آنها که اخلاق خوبی دارند به من نزدیک هستند. در روایت دیگری هم داریم که پیامبر درباره یک صحابی جلیل‌القدر که در منزل بد اخلاق بود فرمود که گرفتار فشار قبر است. بنابراین آدمهای کج خلق اگر هم در آخرت نجات پیدا کنند بعد از همه نجات پیدا می‌کنند. لذا نباید کسی در کنار آدم، دلگیر باشد مگر آنکه پای حقی در میان باشد.»

استاد انصاریان اخلاق خوب را برتر از تمامی فضایل انسانی دانست و شرکت کنندگان در مراسم را به اخلاق نیک در برخورد با خانواده و مردم فرا خواند و در پایان اظهار امیدواری کرد که همه در تبلیغ و عمل به معارف الهی و دستورات دینی موفق باشند.

سخنان «حجت الاسلام والمسلمین اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) و «حجت الاسلام سید محمدباقر علم‌الهدی» دبیر اجرایی کنگره سبط‌النبی‌الاکبر امام حسن مجتبی (ع) از دیگر بخش‌های این مراسم بود که گزارشی از اهداف و برنامه‌های کنگره بین‌المللی و جشنواره سبط‌النبی (ع) ارائه کردند.

اجرای تواشیح به وسیله «گروه لیلۃ‌القدر»، شعر خوانی به وسیله «صابر خراسانی»، مدیحه‌سرایی با نوای «حاج مرتضی طاهری» و قرائت قرآن و اذان با صدای زیبای «حاج کریم منصوری» از دیگر بخش‌های این جشن بزرگ بود.

در پایان مراسم و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء، حاضران بر خوان کرم کریم اهل بیت (ع) میهمان شدند و روزه خود را افطار کردند.

همچنین در این مراسم، صدها نسخه از شصت و چهارمین شماره ماهنامه گنجینه مجمع - که ویژه روز میلاد امام حسن مجتبی (ع) منتشر شد و حاوی اطلاعات اولیه درباره کنگره بین‌المللی سبط‌النبی (ص) نیز بود - بین شرکت کنندگان در این جشن بزرگ توزیع گردید. در حاشیه مراسم نیز بیش از ۴۰ عنوان کتاب که به صورت اختصاصی به موضوعات مرتبط با امام حسن مجتبی (ع) پرداخته‌اند به نمایش گذاشته شد. این کتابها در پایان مراسم به «بخش مطالعاتی امام حسن مجتبی (ع)» در کتابخانه و حوزه علمیه قاسم‌بن‌الحسن (ع) منتقل گردید و به عنوان منبع مطالعاتی در دسترس علاقمندان به شرکت در کنگره قرار گرفت.

استاد ساجدی:

## علت پذیرفتن صلح شرایط دوران امام حسن (ع) است



**عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با تأکید بر لزوم کسب شناخت صحیح از معصومین (ع) گفت: باید شرایط دوران امام حسن (ع) و علت پذیرفتن صلح بیان شود.**

«حجت الاسلام والمسلمین ساجدی» گفت: به نظر می رسد، امروزه معرفی کردن همه جانبه ابعاد شخصیت ائمه معصومین (ع) و به طور خاص امام حسن مجتبی (ع) از جهات متعددی ضرورت دارد. وی ادامه داد: اولین جنبه این نیاز در جهت معرفی الگوی موفق اسلامی به جوانان است و دومین جنبه از جهت پاسخگویی به شبهاتی که در سایه حضور و الگوپذیری از معصومین (ع) مطرح می شود.

**معصومین (ع) فرا انسان نیستند، انسان هایی برتر هستند**

این استاد حوزه تصریح کرد: برخی تلاش می کنند تا معصومین (ع) را چنان بالا ببرند تا آنها را فرا انسانی و در نتیجه غیر قابل الگو برداری برای مردم معرفی کنند و حال آنکه ایشان انسان های برتری هستند که باید در تمام ساحت های زندگی از آنها الگو گرفت.

وی ادامه داد: ما حقیقتاً برای تحقق سبک زندگی اسلامی نیاز داریم که هر یک از معصومین (ع) را متناسب با شرایط زمانی خودشان تعریف کنیم چرا که ایشان در زمان حیات خویش متناسب با مقتضیات زمان تلاش های مفیدی در جهت گسترش فرهنگ اسلام انجام داده اند.

وی گفت: اگر به هر کدام از ائمه در هر زمان (جنگ، صلح و یا خفقان) توجه کنیم، درک می کنیم که ایشان برای اشاعه فرهنگ اسلام با توجه به مقتضیات دوران خود چه تلاش های ارزشمندی انجام داده و چه مرارت ها و

سختی هایی متحمل شده اند.

ساجدی با توجه به نامگذاری سال جدید به نام سال "اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی" خاطرنشان کرد: اگر بخواهیم در سال فرهنگ حرکتی را به سمت فرهنگ اسلامی داشته باشیم باید این فرهنگ را با توجه به ائمه (ع) برجسته سازیم.

وی با تأکید بر لزوم حسن استفاده از موضوع فرهنگ اضافه کرد: نباید این مسئله را صرفاً به لهجه های اقوام مختلف و یا احیاناً به برخی آداب و رسوم محدود کرد بلکه برای دینی سازی فرهنگ به معنای واقعی کلمه باید راهکارهای جامعی جویا شویم چون موضوع تلاش برای درونی سازی فرهنگ می باشد.

**معصومین (ع) دین را تحمیل نمی کنند، راه هدایت را به انسان نشان می دهند**

عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) گفت: امروزه عده ای وظیفه معصومین (ع) را در گسترش فرهنگ اسلامی فراموش کرده اند و آن را به معنای تحمیل دین بر مردم تلقی می کنند.

وی ادامه داد: عده ای چنین تلقی دارند و این در حالی است که ائمه کارشان تحمیل دین نبوده بلکه وظیفه و رسالت ایشان ارائه راه هدایت و جلوگیری از گرفتاری انسان ها در سراشیبی سقوط و حرکت به سوی جهنم است.

این محقق و پژوهشگر حوزوی تصریح کرد: عوامل بیرونی متعددی در دنیای امروز وجود دارد که انسان را به جهنم می برد و ائمه (ع) نیز کارشان این بود که مردم را نسبت به این خطرات آگاه کرده و در مسیر الهی هدایت کنند که باید در دنیای پر مخاطره امروز هم از این روش الگو گرفت.

معصومین (ع) فرا انسان نیستند، انسان هایی برتر هستند. برخی ها تلاش می کنند تا معصومین (ع) را چنان بالا ببرند تا آنها را فرا انسانی و در نتیجه غیر قابل الگو برداری برای مردم معرفی کنند و حال آنکه ایشان انسان های برتری هستند که باید در تمام ساحت های زندگی از آنها الگو گرفت

#### شناخت جوانان از معصومین (ع) تقلیدی است

وی با تاکید بر نیاز فراوان به برجسته سازی شخصیت ائمه اطهار و مخصوصا امام حسن مجتبی (ع) گفت: این موضوع با هدف ارائه شناختی صحیح از این بزرگان باید در جامعه پیاده شود چرا که مخصوصا جوانان ما برداشت صحیحی از ایشان ندارند و اکثرا این مسئله به صورت تقلیدی از والدین کسب می شود.

دکتر ساجدی تصریح کرد: پس این نیاز به برجسته سازی ویژگی ها و ابعاد مختلف شخصیت امامان معصوم (ع) جدی است تا جوانان ما در سایه این تعالیم شناخت صحیحی از ایشان کسب کنند.

وی افزود: این شناخت کم در حالی است که معصومین (ع) و از جمله امام حسن (ع) وجودی جذاب و با ویژگی ها، خلیات و سجایای فراوان و نیک داشتند که درک آنها باعث می شود تا به ایشان از سر عشق و دوستی گرایش پیدا کنیم و سعی کنیم آنها الگوی زندگیمان باشند.

#### اگر اهل بیت (ع) درست معرفی شوند، دنیا شیفته آنها می شود

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: اگر ایشان درست معرفی شوند نه تنها در میان شیعیان بلکه در بین اهل تسنن و حتی پیروان دیگر آیین ها در سراسر دنیا هم محبانی بیش از پیش خواهند یافت که شیفته اخلاق و رفتار معصومین (ع) باشند.

وی با اشاره به راهکارهای پیش رو در این خصوص خاطرنشان کرد: معرفی جذاب و برجسته سازی زیبایی های زندگی و رفتار فردی و اجتماعی از همین راهکارهاست که با توجه به نقش ایشان در فرهنگ سازی دینی اجرای این راهکارها گام های استواری هم در گسترش فرهنگ اسلامی است.

حجت الاسلام ساجدی با تاکید بر لزوم الگوسازی با حسن استفاده از ویژگی های معصومین (ع) برای جوانان گفت: برای رسیدن به این هدف باید به دنبال درونی سازی این فرهنگ در نهادهای مختلف جامعه از جمله

مدارس، ادارات، نهادهای و مراکز مختلف و دانشگاه ها باشیم. وی در ادامه خطاب به برگزار کنندگان کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) افزود: در این کنگره باید بجای تکرار یک سری مطالب که از گذشته تا کنون بیان شده از ابوابی که بیان می شود به طور خاص محورهای مورد بحث قرار گیرد.

وی با اشاره به تعدادی از این باب ها گفت: بیان نقش ائمه (ع) در تبیین فرهنگ اسلامی، نقش ایشان در درونی سازی و گسترش دین اسلام، بیان این موضوع که اصلا منظور از فرهنگ دینی چیست؟، بیان زیبایی ها و جذابیت های رفتار ایشان و ... از جمله این موارد است که بیان آنها نقش بسزایی در گرایش مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان به سمت این شخصیت های برجسته دارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) ادامه داد: مورد دیگر پاسخگویی به شبهاتی است که با هدف فاصله گرفتن از ائمه و مخصوصا امام حسن مجتبی (ع) مطرح می شود و باید در این باب هم گفتگو کرد.

#### شرایط دوران امام حسن (ع) و علت پذیرفتن صلح بررسی شود

وی با اشاره به شرایط دوران امام حسن (ع) تصریح کرد: باید به شرایط خاص آن دوران و اینکه چرا ایشان صلح را پذیرفته و وارد جنگ نشدند را همراه با اشاره به تفاوت های آن دوران با زمان های دیگر و اقتضائات دوران حیات امام حسن (ع) برای افکار عمومی و مخصوصا نسل جوان بیان شود.

حجت الاسلام ساجدی در پایان گفت: پژوهشگران ما باید بررسی کنند و رنج هایی که ائمه (ع) و مخصوصا امام حسن مجتبی (ع) برای ترویج دین متحمل شده و تا آخرین لحظات عمر شریفشان به دنبال تحقق این آرمان ها بوده اند را بازگو کنند تا افکار عمومی به شکل صحیح با این شخصیت های الهی آشنا شوند.



## سیره و سنت امام حسن (ع) در تمام مسائل روز جامعه قابل استفاده است



عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية برگزاری کنگره ای بین المللی با موضوع امام حسن مجتبی (ع) را برای تبیین شخصیت این امام بزرگوار مناسب دانست و گفت: نسل جوان امروز در جامعه کنونی نیاز دارد تا با سیر و سلوک ائمه معصومین (ع) آشنا شده و در مسیر تکامل خود و زندگی از این ستارگان الگو برداری کنند.

«حجت الاسلام والمسلمین محسن غروی‌ان» افزود: با توجه به اینکه نسل جدید جوان روز به روز به پیکره جامعه اضافه می‌شود که قطعاً آشنایی کافی با ائمه و سیره و سنت امامان معصوم ندارند، این وظیفه حوزه و مراکز فرهنگی است تا با برگزاری همایش و کنگره هایی در سطح بین المللی در زمینه های مختلف فرهنگی و دینی مسیر آشنایی ائمه معصومین (ع) را برای جوانان فراهم کنند.

وی با اشاره به لزوم پاسخگویی به سؤالات مطرح در بین جوانان امروز در باب ائمه (ع) گفت: بسیاری از وقایع زمان ما با وقایع زمان ائمه (ع) مشابهت دارد و برگزاری این کنگره و همایشها سبب می‌شود در مسائل روز سیاسی و اجتماعی جوانان به پاسخ سؤالات خود دست پیدا کنند.

وی با تأکید بر اینکه برگزاری این گونه کنگره های بین المللی زمینه را برای موضع گیری درست جوانان در مقابل مناسبات روز جامعه فراهم می‌کند گفت: باید با استفاده از سیره امامان به ویژه امام حسن مجتبی (ع) که کنگره

سبط النبی (ع) با موضوع شخصیت شناسی ایشان برگزار می‌شود زمینه آشنایی بیشتر جوانان با ائمه معصومین (ع) را فراهم سازیم.

این استاد حوزه و دانشگاه یادآور شد: جهان کنونی در حال حاضراز شناخت کافی نسبت به ائمه معصومین (ع) برخوردار نبوده و نیست و می‌تواند دستگاہهای فرهنگی و دینی با ارائه نرم افزارهای جامع، کتاب، لوح فشرده و ترجمه کتب ائمه (ع) به زبانهای زنده و مختلف دنیا این رهبران علوم فکری، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اندیشه های ناب الهی را به جهانیان معرفی کنند.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية ادامه داد: معرفی ائمه معصومین (ع) به جوامع مختلف دنیا سبب آشنایی بیشتر آنها نسبت به فرهنگ ناب تشیع و آئین مکتب اهل بیت (ع) می‌شود. اگر بتوانیم در برگزاری این گونه کنگره و همایش های بین المللی از تاریخ نوپسان، اندیشمندان و نویسندگان فاخر دیگر کشورها نیز دعوت کنیم قطعاً گام مؤثر و خوبی در معرفی ائمه معصومین (ع) در جامعه جهانی برداشته ایم.

حجت الاسلام غروی‌ان در پایان گفت: امام حسن مجتبی (ع) دارای چنان شخصیتی اثر گذار و سیاسی در زمان خود بوده اند که در عصر و جامعه کنونی می‌توان از سیره و سنت ایشان در تمام مسائل روز جامعه بهره لازم را برد و امید است بتوانیم به اهداف سازنده و اثر گذار خود در باب معرفی سیره و سنت ائمه معصومین بویژه امام حسن مجتبی (ع) در این کنگره بین المللی دست پیدا کنیم.

گنجرہ بین المللی



سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبیٰ (ع)

از دیدگاه  
مسئولان و مجریان



نشست خبری کنگره سبط النبی اکبر (ع) برگزار شد؛

## تجلیل از شاعر مسیحی که در مدح امام حسن (ع) سرود

«حجت الاسلام والمسلمین اختری» با اشاره به آیه شریفه مودت - «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» تأکید کرد: به حکم قرآن، مودت و محبت نسبت به ساحت مقدس اهل بیت (ع) بر مردم واجب است. همچنین تمامی روایان حدیث شیعه و اهل سنت - مانند «بخاری»، «مسلم»، «نسائی»، «ترمذی»، «ابن ماجه» و «احمد بن حنبل» - از پیامبر اکرم (ص) روایات متعددی در وجوب دوست داشتن اهل بیت (ع) از جمله امام حسن مجتبی (ع) نقل کرده‌اند.

وی به عنوان نمونه، حدیثی از صحیح بخاری و صحیح مسلم را قرائت کرد که: ابوهیره نقل می‌کند که پیامبر با نشان دادن حسن بن علی (ع) به درگاه خداوند دعا کرد: «اللهم إني أحبه، فأحبه، فأحب من يحبه» یعنی: «خدا یا من حسن را دوست دارم، پس تو هم او را دوست بدار، و کسانی که او را دوست دارند را هم دوست بدار». (صحیح بخاری، جزء ۴، ص ۳۳۹ - صحیح مسلم، جزء ۴، ص ۱۸۸۲)

رئیس کنگره سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع) گفت:

مراسم افتتاحیه این کنگره صبح روز یکشنبه اول تیرماه ۱۳۹۳ و مراسم اختتامیه عصر روز دوشنبه دوم تیرماه در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود.

در آستانه برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع)، نشست خبری این کنگره صبح روز شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۳ در مجمع جهانی اهل بیت (ع) در تهران برگزار شد.

### سخنان رئیس کنگره

در ابتدای این جلسه رئیس کنگره بین المللی سبط النبی (ص)، ایام ولادت امام زمان (عج) را به حاضران تبریک گفت و دلیل برگزاری این کنگره را دو امر اساسی برشمرد: «نشان دادن عشق و ارادت به امام مجتبی (ع)» و «ناشناخته بودن ابعاد مختلف زندگی آن امام».





دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) سپس به حدیث دیگری از منابع اهل سنت اشاره کرد که پیامبر (ص) فرمود: "من أحب الحسن والحسين فقد أحبني ومن أبغضهما فقد أبغضني" یعنی: "هر کس حسن و حسین را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر کس با آن دو دشمنی کند با من دشمنی کرده است." (سنن ابن ماجه).

اختری سپس اضافه کرد: لذا با توجه به اینکه دوست داشتن امام حسن مجتبی (ع) وظیفه دینی و فریضه قرآنی ماست، برای نشان دادن محبت به این خاندان، از دوسال پیش بر آن شدیم با همکاری بعضی از نهادها و مؤسسات، تلاشی برای معرفی امام مجتبی (ع) انجام دهیم؛ چون کسی که می خواهد شخصی را دوست داشته باشد باید اول او را بشناسد.

رئیس کنگره سبط النبی (ص) در بیان دلیل دوم برگزاری این کنگره هم گفت: نسبت به تبیین زندگانی امام مجتبی (ع) تلاش کمتری صورت گرفته است و حتی شیعیان و پیروان آن حضرت نیز شناخت کمتری در مورد ایشان نسبت به برخی از ائمه دیگر دارند. لذا با توجه به ناشناخته بودن ابعاد مختلف زندگی ایشان تلاش داریم که در این کنگره به این ابعاد بپردازیم.

حجت الاسلام والمسلمین اختری درباره علت انتخاب این زمان هم گفت: در دو ماه مبارک رمضان گذشته، جشن های بزرگی را در مناطق مختلف برگزار کردیم؛ اما چون ولادت آن حضرت در نیمه ماه مبارک رمضان است و در آن ایام امکان برگزاری یک کنگره جامع، علمی و بین المللی وجود ندارد تصمیم گرفتیم که آن را در اواخر شعبان امسال برگزار کنیم.

رئیس کنگره بین المللی سبط النبی امام حسن مجتبی (ع) درباره امور محتوایی کنگره هم گفت: در فراخوان علمی این کنگره، از اندیشمندان خواستیم که ابعاد سیاسی - اجتماعی - اخلاقی زندگی آن حضرت را بررسی و ارائه نمایند. اندیشمندانی از کشورهای مختلف به این فراخوان ما لبیک گفتند و ما را همراهی کردند؛ بطوری که بیش از ۱۰۰ مقاله علمی از کشورهای مختلف به دبیرخانه رسید.

اختری اضافه کرد: از این مقالات تاکنون مجموعاً ۶۷ مقاله امتیاز لازم را کسب کرده و پذیرفته شده اند؛ ۴۵ مقاله به زبان فارسی و ۲۲ مقاله به زبان های دیگر.

رئیس ستاد مرکزی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) درباره تاریخ برگزاری این همایش بزرگ هم گفت: مراسم افتتاحیه این کنگره صبح روز یکشنبه اول تیرماه ۱۳۹۳ و مراسم اختتامیه عصر روز دوشنبه دوم تیرماه در سالن اجلاس سران برگزار می شود.

اختری برنامه کمیسیون های تخصصی را هم اعلام کرد و گفت: چهار کمیسیون علمی و یک محفل ادبی در این همایش تشکیل می شود؛ کمیسیون سیره فردی و خانوادگی امام مجتبی (ع)، کمیسیون بررسی و نقد شبهات و دیدگاه مستشرقان، کمیسیون سیره سیاسی، اجتماعی و مدیریتی امام مجتبی (ع)، کمیسیون سبک زندگی امام مجتبی (ع) و میراث علمی و فرهنگی، و محفل شعر.

وی با ذکر اینکه کمیسیون ها در مجتمع آدینه تهران تشکیل جلسه خواهند داد افزود: امیدواریم در این کمیسیون ها بحث و تبادل نظر در عنوانهایی که ذکر شد و زیرمجموعه های آنها صورت بگیرد و بتوانیم شناخت بهتر و دید روشن تری از زندگی امام (ع) برای جامعه و علاقمندان آن حضرت ارائه کنیم.

رئیس کنگره سبط النبی (ع) زیارت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و مرقد امام راحل (ره) و نیز سفر میهمانان خارجی به مشهد مقدس را از برنامه های حاشیه ای این کنگره اعلام کرد.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) با ذکر اینکه برگزاری اینگونه همایش ها مأموریت مجمع و همه نهادهای دینی است ابراز امیدواری کرد که با مشارکت خوب اندیشمندان و عاشقان آن حضرت گام خوبی برداشته شود؛ گرچه اقداماتی که صورت می گیرد نسبت به ابعاد واقعی شخصیت آن حضرت اندک است.

محمدحسن اختری با درخواست از اصحاب رسانه برای پوشش محتوای این کنفرانس تصریح کرد: آنچه از آن حضرت برای ما در تاریخ و احادیث نقل شده تنها گوشه ای از زندگی آن امام است؛ زیرا دشمنان ائمه اطهار و بخصوص معاویه و دودمان معاویه تلاش داشتند که حقایق را پنهان کنند و نگذارند مردم به ائمه پیوندند به حضور آنها بیایند. آنها هزاران نفر از اصحاب و علاقمندان و شیعیان و اصحاب ائمه را به زندان انداختند؛ کشتند؛ و تبعید کردند تا فضایل آن حضرات ترویج نشود. آنان حتی افرادی را خریدند تا روایاتی که درباره فضیلت و عظمت امامان ما وارد شده است را وارونه جلوه دهند و روایاتی شبیه آنها جعل کنند و به خورد مردم دهند که بخشی از شبهات موجود ناشی از همین شبهات است و در این همایش به آنها پرداخته می شود.

وی ادامه داد: امیدوارم همانطور که رسانه ها در جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم (ص) به ما کمک کردند در این همایش هم عشق و مودت خود را به امام مجتبی (ع) نشان دهند و ما را در این امر مقدس علمی و فرهنگی همراهی کنند.

اختری در پایان از همه کسانی که بیش از یک سال است برای بسامان کردن این کنگره تلاش می کنند تشکر و برای آنان آرزوی موفقیت کرد.

#### سخنان رئیس کمیته فرهنگی - ادبی

سپس رئیس کمیته فرهنگی - ادبی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) گزارش کوتاهی از فعالیت این کمیته بیان کرد و گفت: در ماه مبارک رمضان دو سال گذشته جشن های بزرگی برگزار شد که مقدمه این کنگره بود و خوشحالم که امسال توفیق داریم تا این کنگره بزرگ را برگزار کنیم.

«استاد حاج حسین شمسایی» با اعلام اینکه حدود ۱۰۰ قطعه شعر به دبیرخانه ادبی کنگره رسیده است افزود: این اشعار در قالب های مختلف رباعی، غزل، قطعه، قصیده، مسمط، ترجیع بند، شعر نو و ... به دبیرخانه شعر رسیده است و شرط ما برای پذیرش آنها، جدید بودن اشعار بوده است.

وی با ذکر اینکه اشعار خارجی نیز به دبیرخانه واصل شده است گفت: شاعرانی از کشورهای لبنان، عراق، افغانستان، هندوستان، پاکستان، ترکیه، سوریه و تاجیکستان نیز آثار خود را ارسال نموده اند که شاعران برگزیده آنان برنامه شعرخوانی خواهند داشت. همچنین شعری از اهل سنت نیز اشعاری در مدح امام حسن سروده اند که در ایام کنگره قرائت خواهد گردید.

شمسایی درباره ترکیب هیأت داوران این بخش هم گفت: کمیته داوران متشکل از سه تن از شاعران آیینی کشور آقایان محمد علی مجاهدی (پروانه)، سید عبدالله حسینی و علیرضا قزوه هستند که اشعار را داوری می کنند و به ۱۴ نفر از برگزیدگان جوایزی اهدا خواهد شد.

شمسایی اضافه کرد: همچنین ۲ نفر از شعرای ایرانی و غیرایرانی برگزیده، در مراسم افتتاحیه و اختتامیه این کنگره شعر خوانی خواهند نمود.

رئیس کمیته فرهنگی - ادبی کنگره سبط النبی درباره برنامه های بخش شعر در ایام کنگره هم گفت: علاوه بر جلسات تخصصی کمیسیون ها، یک شب شعر نیز از ساعت ۱۸ روز اول تیرماه در مجتمع آدینه برگزار خواهد گردید.





در بیان فضائل اهل بیت(ع) تألیف نموده است. برادرزاده ایشان برای این مراسم به ایران خواهد آمد.

معاون امور بین الملل مجمع با ذکر این نکته که در مقالات علمی این همایش، هم تنوع کشوری و هم تنوع موضوعی زیادی وجود دارد تأکید کرد: این کنگره تبلیغی نیست؛ بلکه همایشی علمی است و تمام هم و غم مجمع و نهادهای همکار این بوده است که بتوانند حق مطلب را ادا کنند و خادمان سیره حسنی نیز برای خدمت علمی به ایشان ترغیب شوند.

#### زحمات رییس کمیته اطلاع رسانی و تبلیغات

در طول برگزاری این کنفرانس خبری، «آقای مرتضی طاهریان» معاون کانونهای فرهنگی هنری مساجد وزارت ارشاد که ریاست کمیته اطلاع رسانی و تبلیغات کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع) را بر عهده دارد و زحمات زیادی در طول بیش از یک سال گذشته برای برگزاری این کنگره متحمل شده است، پاسخگو و راهنمای خبرنگاران حاضر در جلسه بود.

#### نهادهای همکار مجمع

شایان ذکر است دبیرخانه کانونهای فرهنگی هنری مساجد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد نماز جمعه تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، جامعه المصطفی(ص) العالمية، بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه حضرت قاسم بن الحسن(ع)، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، سازمان اطلاعات و تحقیقات اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد و مؤسسه فرهنگی هنری ابناء الرسول(ص) از همکاران مجمع جهانی اهل بیت(ع) در برگزاری کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع) هستند.

وی با اعلام این مطلب که تاکنون مجموعه شعر اختصاصی و فاخر برای امام حسن مجتبی(ع) نداشته ایم ابراز امیدواری کرد که مجموعه اشعار این کنگره - دیوان کرامت - به عنوان اولین دیوان شعر مدح و منقبت آن امام همام منتشر گردد.

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مذهبی حضرت قاسم بن الحسن(ع) در پایان با ذکر اینکه این مؤسسه هم در برگزاری این کنگره به مجمع کمک می کند اعلام کرد: بعد از کنگره نیز تلاش می کنیم جشنواره فرهنگی هنری با همین موضوع برگزار کنیم تا قدم کوچکی در شناساندن سبط اکبر پیامبر(ص) برداشته باشیم.

#### سخنان رییس کمیته بین الملل

سپس رییس کمیته بین الملل کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع) توضیحاتی درباره سخنرانان و میهمانان خارجی این کنگره ارائه داد و گفت: اندیشمندانی از ۳۳ کشور در این کنگره شرکت می کنند.

«حجت الاسلام و المسلمین سالار» با اعلام اینکه حدود ۵۰ مقاله از خارج از کشور به دبیرخانه کنگره ارائه شده است افزود: با بررسی مقالات، میهمانانی از کشورهای آذربایجان، آرژانتین، آمریکا، استرالیا، افغانستان، الجزایر، انگلستان، اوگاندا، بلژیک، بنگلادش، پاکستان، تانزانیا، تایلند، ترکیه، ژاپن، سریلانکا، سنگال، سوریه، سودان، عراق، عربستان، فیلیپین، کامرون، کانادا، کنیا، کویت، لبنان، مراکش، مصر، موریتانی، نروژ، هندوستان و ... برای حضور در این کنگره دعوت شده و حضور خواهند داشت.

وی با ذکر اینکه علاوه بر مسلمانان شیعه و سنی، حتی مسیحیان نیز در مدح اهل بیت(ع) و امام حسن مجتبی(ع) شعر سروده و کتاب تألیف کرده اند اعلام کرد: یکی از برنامه های این کنگره، تجلیل از زحمات «مرحوم سلیمان کتانی» اندیشمند و ادیب مسیحی لبنانی است که چندین کتاب



دبیر اجرایی کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## امام حسن (ع) نقش تعیین کننده‌ای در تاریخ اسلام داشت



دبیر اجرایی کنگره بین المللی سبط النبی (ع) اظهار داشت: به خاطر اینکه دنیای اسلام، دانشمندان و اندیشمندان شناخت بیشتری راجع به حضرت داشته باشند این کنگره تشکیل شد. کنگره سبط النبی (ص) واقعا علمی است و الحمدلله مورد استقبال اندیشمندان، نویسندگان و علما قرار گرفته است.

«حجت الاسلام سید یدالله شیرمردی» در گفتگو با خبرنگار اینا اظهار داشت: حجت الاسلام و المسلمین اختری دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) به این جمع بندی رسیدند که امام حسن (ع) خیلی مظلوم است و یکی از مظلومیت‌های ایشان ناشناخته ماندن سیره، زندگی و ابعاد شخصیتی ایشان است.

وی ادامه داد: امام حسن (ع) ده سال امام بودند. حدود ۲۳ سال در دوران امامت پدرشان زندگی کردند و در جنگ‌های فتح افریقا، فتح ایران و در جنگ صفین و جمل جزء سرداران بودند و نقش تعیین کننده داشتند و پایه پیروزی جنگ جمل بودند. در دوران جد بزرگوارشان حدود یک دهه عمر کردند. از طرف دیگر ایشان با بزرگترین طاغوت عصر یعنی معاویه در گیر بودند و با همه اینها ابعاد ناشناخته‌ای از ایشان وجود دارد.

مسئول ستاد نماز جمعه تهران با بیان اینکه مردم و حتی علما و نخبگان اطلاعات کمی از ایشان دارند افزود: پیامبر (ع) در مورد امام حسن (ع) فرمودند «اگر عقل و خرد به صورت انسانی مجسم می‌گشت آن انسان حسن بن علی بود» به خاطر اینکه دنیای اسلام، دانشمندان و اندیشمندان شناخت بیشتری راجع به حضرت داشته باشند این کنگره تشکیل شد. کنگره سبط النبی (ص) واقعا علمی است و الحمدلله مورد استقبال اندیشمندان، نویسندگان و علما قرار گرفته است.

رئیس ستاد نماز جمعه تهران در مورد زمینه همکاری این ستاد با کنگره گفت: ستاد نماز جمعه تهران به عنوان یکی از دستگاه‌های اصلی به صورت فعال در همه بخش‌ها با کنگره سبط النبی (ص) همکاری می‌کند. ستاد نماز جمعه در گذشته مسابقاتی راجع به امام حسن (ع) برگزار کرد و در نماز جمعه شهرهای مشهد، قم، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها چندین هزار جلد کتاب توزیع کرد.

شیرمردی در پایان خاطر نشان کرد: کار ما با کنگره تمام می‌شود ولی با اهل بیت (ع) تمام نمی‌شود و فعالیت‌ها در مورد معرفی شخصیت امام حسن (ع) ادامه می‌یابد.

قائم مقام ستاد مرکزی کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## معارف امام مجتبی (ع) را باید در دو سطح علمی و عمومی ترویج کنیم



عضو ستاد مرکزی کنگره بین المللی سبط النبی (ع): یکی از دستاوردهای مهم این کنگره این بود که با استفاده از اشعار برگزیده جشنواره، دیوان شعری درباره امام مجتبی (ع) نیز تدوین و به جامعه شاعران و مادحان و عاشقان اهل بیت (ع) اهداء گردید.

قائم مقام کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) ابراز امیدواری کرد که این جشنواره سرآغاز یک جریان بالنده در خصوص امام حسن (ع) باشد و گفت: ما به دنبال این بودیم که توجه به معارف امام مجتبی (ع) در دو سطح علمی و عمومی صورت گیرد و گذشته از محورهای علمی که در ایام کنگره مطرح خواهد گردید، برنامه های هنری، فرهنگی و آموزشی نیز در قالب جشنواره سبط النبی (ع) به اجرا در آید.

«حجت الاسلام سید محمدباقر علم‌الهدی» با اشاره به برگزاری مسابقات شعر و ادب، وبلاگ نویسی و کتابخوانی گفت: همه این نوع برنامه های فرهنگی، از جمله کارهایی بود که می‌خواستیم تحت عنوان "جشنواره فرهنگی هنری سبط النبی (ع)" اجرا کنیم؛ ولی برخی از آنها مانند مسابقه شعر و ادب و نیز کتابخوانی برگزار شد و برخی دیگر باید برای دوره های بعدی پیگیری شود. قائم مقام کنگره سبط النبی (ع) با بیان اینکه تاکنون دیوان شعری به شکل اختصاصی درباره امام حسن مجتبی (ع) منتشر نشده است تصریح کرد: یکی از دستاوردهای مهم این کنگره این بود که با استفاده از اشعار برگزیده جشنواره، دیوان شعری درباره امام مجتبی (ع) نیز تدوین و به جامعه شاعران و مادحان و عاشقان اهل بیت (ع) اهداء گردید.

علم‌الهدی درباره بخش کتابخوانی گفت: مسابقه کتابخوانی از جلد چهارم مجموعه ارزشمند پیشوایان هدایت فراخوان شد. این مجموعه به همت مجمع جهانی اهل بیت (ع) و به زبان فارسی، عربی، انگلیسی، ترکی استانبولی، مالایو و ... منتشر شده است و جلد چهارم آن مخصوص سیره امام حسن مجتبی (ع) است.

رئیس حوزه علمیه قاسم بن الحسن (ع) درباره همکاران کنگره هم گفت: این جشنواره با مشارکت ارزشمند "مجمع جهانی اهل بیت (ع)"، "دبیرخانه کانونهای فرهنگی هنری مساجد وزارت ارشاد"، "ستاد نماز جمعه تهران"، "مؤسسه فرهنگی مذهبی حضرت قاسم بن الحسن (ع)"، "معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران" و تعدادی دیگر از دستگاههای فرهنگی کشور برگزار می‌شود.

رئیس کمیته بین الملل کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## ابعاد اجتماعی و فرهنگی حیات امام مجتبی (ع) ناشناخته مانده است



رئیس کمیته بین الملل کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) در بیان اهداف برپایی این کنگره گفت: در این همایش بزرگ ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حیات امام حسن مجتبی (ع) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

«حجت الاسلام والمسلمین محمد سالار» با اعلام اینکه بیش از یکصد مقاله به کنگره بین المللی سبط النبی (ص) خبر داد و گفت: مقالات برگزیده بخش بین الملل همایش نیز به فارسی ترجمه خواهد شد.

معاون امور بین الملل مجمع جهانی اهل بیت (ع) ضمن بیان این مطلب به خبرگزاری فارس گفت: از مهمترین اهداف برپایی این کنگره بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حیات امام حسن مجتبی (ع) است که متأسفانه ناشناخته مانده است.

وی ادامه داد: برپایی این کنگره عرض ارادتی به پیغمبر اکرم در زمینه معرفی شخصیت امام حسن مجتبی (ع) به جامعه جهانی و تبیین اندیشه‌ها و افکار ایشان است.

سالار درباره مباحث محتوایی کنگره هم گفت: مجموعه محورهایی برای ارائه مقالات و سخنرانی اندیشمندان در این کنگره مشخص شده است تا مباحث تربیتی و الگویی زندگی امام حسن (ع) و نیز اوضاع زمانه ایشان را نشان دهد. رئیس کمیته بین الملل کنگره سبط النبی (ع) اضافه کرد: خود مبحث صلح امام حسن (ع) یکی از مسائل حساسی است که باید روشن شود زیرا از اهداف اصلی امام حسن (ع) برای انعقاد صلح، افشا کردن ماهیت نیرنگ‌های معاویه و حکومت جاهلیش و همین طور تقویت روح ایمان و تقوا در بین مردم بود که البته با انعقاد این صلح نامه تحمیلی، ارکان حکومت معاویه لرزید.

وی درباره مقالات واصله به بخش بین الملل دبیرخانه هم اظهار داشت: مقالات خارجی دریافت شده از کشورهای استرالیا، لبنان، اوگاندا، آرژانتین، ایرلند، عراق، پاکستان، هندوستان، ترکیه و ... به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه، اردو و ... بوده است که در دست بررسی قرار دارد.

حجت الاسلام سالار با تأکید بر اینکه بسیاری از این مقالات قابل ترجمه است، توضیح داد: به مناسبت برگزاری این کنگره، کتابنامه‌ای نیز شامل فهرست کتب و پژوهش‌های مرتبط با امام حسن مجتبی (ع) در داخل و خارج از کشور تهیه و منتشر شده است.

رئیس کمیته اجرایی کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## برای اولین بار در جمهوری اسلامی، کنگره علمی با این حجم برای امام مجتبی (ع) برگزار می شود



رئیس کمیته اجرایی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) گفت: از آنجا که تاکنون کنگره‌ای علمی برای تبیین شخصیت امام حسن مجتبی (ع) برگزار نشده است، مجمع جهانی اهل بیت (ع) با همکاری تعدادی از ارگان‌های دیگر برای برگزاری کنگره سبط النبی (ص) اقدام نمود.

«مهندس محمدرضا نظام دوست» ادامه داد: خوشبختانه پس از مدت‌ها تلاش در این زمینه، موفق شدیم یک همایش بین المللی علمی - پژوهشی در رابطه با ابعاد مختلف زندگی حضرت امام مجتبی (ع) را ساماندهی کنیم و برای اولین بار در جمهوری اسلامی با این بُعد و با این هدف این همایش برگزار خواهد شد.

معاون امور اجرایی مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره شخصیت صاحب این کنگره نیز اظهار داشت: ما اهمیت و جایگاه رفیع و بی مانند حضرت امام حسن مجتبی (ع) را نمی توانیم درک کنیم؛ بلکه معصوم، معصوم را می شناسد و می تواند معرفی کند.

نظام دوست اضافه کرد: حدیث پر معنایی از پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که فرمودند: «اگر عقل و خرد به صورت انسانی مجسم می گشت آن انسان حسن بن علی بود». توجه به این معنای بسیار بلند و رفیع، ما را به تبیین شخصیت آن امام همام می رساند.

وی درباره برنامه‌های کنگره هم گفت: کنگره در "سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی" و "مجمع آدینه" تهران برگزار می شود. صبح روز اول مراسم افتتاحیه و عصر روز دوم مراسم اختتامیه در سالن سران برگزار خواهد شد. کمیسیون‌های چهارگانه علمی و محفل ادبی نیز عصر روز اول و صبح روز دوم در مجتمع آدینه برگزار خواهد گردید.

نظام دوست ادامه داد: میهمانان در طول چند روز اقامت خود در تهران، به زیارت مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و امام راحل (ره) نیز خواهند رفت و حسن ختام کنگره، زیارت حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد مقدس خواهد بود.

معاون امور اجرایی مجمع جهانی اهل بیت (ع) افزود: این کنگره، فرصتی است تا اندیشمندان خارجی با شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی جمهوری اسلامی ایران تبادل نظر داشته باشند و امیدواریم که از سرچشمه فیض برکات امام حسن مجتبی (ع) - که به کریم اهل بیت معروف هستند - استفاده مطلوبی کنند و با تبادل اندیشه ای که می شود، دست پر به کشورشان برگردند.



رئیس کمیته علمی کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## در مورد امام حسن (ع) کارهای علمی کمتری انجام شده است



رئیس کمیته علمی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) گفت: ۱۱۰ مقاله به دبیرخانه کنگره بین المللی سبط النبی (ص) ارسال شده است. ۶۷ مقاله توسط اعضای کمیته علمی مورد تایید قرار گرفت و تعدادی از این مقالات برای ارائه در کنگره به تصویب رسید.

«حجت الاسلام و المسلمین نجف لک زایی» در بیان گزارشی از برگزاری این کنگره گفت: مجمع جهانی اهل بیت (ع) با همکاری برخی از نهادها، دو سال است که برای برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی امام حسن مجتبی (ع) برنامه ریزی می کند.

وی افزود: یکی از بخش های اصلی کنگره، امور علمی آن است که پس از فراخوان مقاله، بیش از ۱۱۰ عنوان به دبیرخانه علمی کنگره واصل شد و از بین این مقالات، ۶۷ مقاله توسط اعضای کمیته علمی مورد تایید قرار گرفت و تعدادی از این مقالات برای ارائه در کنگره به تصویب رسیده است و سه کتاب در رابطه با موضوعات و محورهای این کنگره تدوین شده که در کنگره از آنها رونمایی خواهد شد.

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره اهداف برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ص) اظهار داشت: تا کنون در مورد امام حسن (ع) کارهای علمی کمتری انجام شده است به همین خاطر برگزاری کنگره در مورد امام حسن (ع) را در اولویت قرار دادیم. لک زایی درباره مقالات خارجی هم گفت: از ۱۵ کشور به کنگره بین المللی سبط النبی (ص) آثار علمی رسیده است و از نویسندگان این مقالات در برگزاری این همایش دعوت خواهد شد.

وی ادامه داد: کنگره بین المللی سبط النبی (ص) در روز اول و دوم تیرماه امسال در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار و از ۷ جلد مجموعه آثار این کنگره رونمایی خواهد شد.

حجت الاسلام لک زایی در پایان گفت: این کنگره اولین کنگره درباره امام مجتبی (ع) است که به صورت بین المللی برگزار می شود.

رئیس کمیته فرهنگی - ادبی کنگره بین المللی سبط النبی (ع):

## دیوان کرامت حاوی آثار شعری بزرگ درباره امام مجتبی (ع) منتشر می شود



دیوان کرامت حاوی آثار شعری بزرگ درباره امام مجتبی (ع) منتشر می شود «حسین شمسایی» مدیرعامل موسسه فرهنگی - مذهبی حضرت قاسم بن الحسن (ع) در مورد زمینه همکاری با کنگره بین المللی سبط النبی (ع) اظهار داشت: سه سال پیش با مجمع جهانی اهل بیت (ع) و با همکاری نهادهای مختلف جشنواره میلاد امام حسن مجتبی (ع) را در نیمه رمضان در مسجد جامع حضرت قاسم بن الحسن (ع) و مساجد دیگر برگزار کردیم.

وی افزود: به دنبال برگزاری این جشن ها در داخل کشور بنا شد که یک حرکت بین المللی صورت بگیرد؛ لذا کارهای مقدماتی برگزاری همایش بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) از یک سال پیش انجام شد و اکنون کارها به نتایج خوبی رسیده است و در اول و دوم تیر ماه امسال این همایش با شرکت دانشمندان کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی و دانشمندان و شعراء ایرانی و غیر ایرانی برگزار خواهد شد.

شمسایی خاطر نشان کرد: ۵ کمیسیون خواهیم داشت و اینجانب مسئول کمیسیون شعر و آثار منظوم هستم که اشعاری از داخل و خارج از کشور در ارتباط با امام حسن مجتبی (ع) به ما رسیده است.

وی ادامه داد: علاوه بر جلسه ای که در اول و دوم تیرماه برگزار می شود شب شعر ویژه ای در مورد امام حسن مجتبی (ع) عصر روز اول کنگره در ساعت ۱۸ بعد از ظهر با حضور همه شعراء که اشعارشان از سوی کمیته داوران کنگره پذیرفته شده و اشعار شعراء دیگری که کارهای برجسته ای دارند در مجتمع آدینه تهران برگزار خواهد شد.

وی در مورد آثار رسیده به این کنگره افزود: حدود ۱۵۰ شعر از داخل و خارج به دبیرخانه واصل شده است که بیش از ۷۰ شعر امتیاز گرفته اند، آثار برگزیده کنگره به همراه شعرهای برجسته از شعرهای دیگر تا نیمه ماه مبارک رمضان در مجموعه ای تحت عنوان دیوان کرامت به صورت فاخر به چاپ می رسد.

حسین شمسایی تأکید کرد: مجمع جهانی اهل بیت (ع) همیشه پیش قدم اینگونه حرکت های بزرگ فرهنگی در جهت احیای تشیع راستین و شناخت هر چه بیشتر امامان معصوم است.



## حماسه حسینی را امام حسن مجتبی (ع) پایه گذاری کرد



مدیرکل پژوهش مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره  
برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ص) اظهار داشت:  
اهل بیت (ع) مشعل های نورانی هدایت هستند و تکامل  
بشر جهت رسیدن به کمال آرمانی الهی و ابدی بزرگترین  
هدفی است که اهل بیت (ع) دنبال می کردند.

«حجت الاسلام و المسلمین سید منذر حکیم» در گفتگو با خبرنگار اینا ادامه داد: پر واضح است که شیطان و شیطان صفتان در طول تاریخ از چنین اهدافی به هراس افتادند و سعی و تلاش داشتند که اهل بیت (ع) به حاشیه رانده شوند و یا این الگوهای تمام عیار را خنثی کنند و این به عنوان یک سیاست برای شیطان صفتان بوده و خواهد بود.

وی تاکید کرد: اهل بیت (علیهم السلام) انوار الهی هستند «و یَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ» خداوند نور خود را همیشه در بهترین شکل متجلی می کند و اهل بیت (ع) که به حقیقت نور الهی متصل شده اند. لذا ما باید چهره الهی تابناک آنان را به بشریت نشان بدهیم تا بر انسان ها این نور الهی بتابد.

مدیرکل پژوهش مجمع جهانی اهل بیت (ع) در مورد ضرورت برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ص) گفت: با توجه به اشعه تابناک حضرت اباعبدالله (ع) در طول تاریخ، به طور طبیعی شخصیت نورانی امام حسن علیه السلام کمتر مورد توجه واقع شده است و یک نوع مظلومیت برای امام حسن مجتبی (ع) در طول تاریخ رخ داده که باید اندیشمندان، عالمان و اهل قلم برای برطرف نمودن این مظلومیت اقدام کنند و جایگاه امام حسن مجتبی علیه السلام را به جایگاه منطقی و صحیح در تاریخ برگردانند. به این خاطر مجمع جهانی اهل بیت (ع) با تلاشی وافر، حساب شده و علمی سعی کرد تا کنگره بین المللی در این زمینه برگزار کند. ضمن اینکه این کار جزء اهداف و وظایف ذاتی مجمع جهانی اهل بیت (ع) می باشد.

وی در تشریح برنامه های تخصصی این کنگره یادآور شد: بعد از ظهر اول تیر ماه مقالات در چهار کمیسیون ارائه خواهد شد؛ کمیسیون اول به نام سیره فردی و خانوادگی امام حسن مجتبی (ع) به ریاست «دکتر صادق آئینه وند»، کمیسیون دوم به نام نقد و بررسی شبهات در مورد امام حسن (ع) به ریاست «آیت الله حسینی جلالی»، کمیسیون سوم به نام سیره سیاسی - اجتماعی و مدیریتی امام حسن مجتبی (ع) به ریاست «آیت الله محمد هادی غروی» و کمیسیون چهارم به نام سبک زندگی امام حسن علیه السلام به عهده اینجانب است.

سید منذر حکیم ادامه داد: مقالات متعددی به زبان های مختلف به دبیرخانه کنگره واصل و ارزیابی شدند و مقالاتی که مورد قبول واقع شدند یعنی نصاب لازمی که تصویب شده بود را کسب کردند در عصر روز اول و صبح روز دوم در کمیسیون ها ارائه شده و مورد نقد قرار می گیرند.

وی در مورد کیفیت مقالات ارائه شده نیز اظهار داشت: مقالات از لحاظ کمیت و کیفیت در سطح قابل قبولی هستند و در چهار جلد کتاب چاپ خواهند شد.

مدیرکل پژوهش مجمع جهانی اهل بیت (ع) تاکید کرد: برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ص) نقطه شروعی خوبی برای معرفی امام حسن (ع) است و امیدوارم مؤسسات و مراکز علمی دست به دست هم دهند و آن چهره واقعی امام حسن (ع) که پیامبر (ص) در شأن ایشان فرمودند «الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا» را خوب ارائه کنند.

وی در پایان گفت: انقلاب حسینی را امام حسن مجتبی (ع) پایه گذاری کرد و سهم بسیار بزرگی در موفقیت انقلاب امام حسین (ع) داشت و خیلی ها از این نقش غافل هستند. امیدواریم بتوانیم با برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ص) شخصیت امام حسن (ع) را برای بشریت معرفی کنیم.

## خبرگزاری ابنا بازوی رسانه‌ای توانمندی برای همایش‌های مجمع است



عضو ستاد اجرایی کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) اقدامات رسانه ای درباره این کنگره را مناسب توصیف کرد.

«حجت الاسلام سید علیرضا حسینی عارف» گفت: اطلاع رسانی درباره این کنگره از راه‌های گوناگون انجام شد؛ از جمله سایت اختصاصی کنگره با آدرس [www.sebtonnabi.com](http://www.sebtonnabi.com)، خبرگزاری‌های کشور (بویژه ابنا و شبستان)، جراید، پیامک انبوه، بنرهای شهری و ارسال فراخوان.

وی درباره همکاری صدا و سیما هم گفت: در جلسه مشترک مدیران ارشد سازمان صدا و سیما با اعضای ستاد اجرایی کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) که در حوزه ریاست رسانه ملی برگزار شد، این سازمان برای همکاری گسترده با کنگره اعلام آمادگی کرد.

مدیرکل فناوری اطلاعات مجمع با اشاره به ضعف محتوایی آرشیو سیما درباره امام حسن مجتبی (ع) گفت: در این جلسه که مدیرکل حوزه ریاست سازمان صدا و سیما، جانشین معاونت صدا و مدیران شبکه‌های قرآن و معارف، الکوثر و خبر سیما حضور داشتند آقایان اذعان کردند که این کنگره فرصت بسیار ارزشمندی است تا برنامه‌هایی تولید یا ضبط شود و در مناسبت‌های مربوط به آن امام همام (ع) موجب آشنایی آحاد مردم با اهل بیت عصمت و طهارت (ع) گردد.

مدیرعامل خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - درباره اقدامات این خبرگزاری در رابطه با کنگره هم گفت: اطلاع‌رسانی و تولید خبر خبرگزاری ابنا درباره کنگره بین‌المللی سبط النبی امام حسن مجتبی علیهما السلام از اولین نشست خبری آن در روز دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۱ آغاز شد و از آن روز تا امروز دهها خبر، مصاحبه، ویدئو و عکس در این زمینه تولید و منتشر کرده است. البته خبرگزاری ابنا فقط به نشر الکترونیک بسنده نکرد؛ بلکه دو ویژه نامه مکتوب نیز در قالب ماهنامه گنجینه مجمع منتشر نمود.

حسینی عارف پوشش کامل اخبار همایش‌های مجمع جهانی اهل بیت (ع) را وظیفه ذاتی خبرگزاری متبوع خود برشمرد و تصریح کرد: خبرگزاری ابنا با ۲۰ زبان، بازوی رسانه‌ای توانمندی برای همایش‌های مجمع است. مثلاً در جریان جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم (ص) بیش از ۱۵۰ خبر، گزارش، مصاحبه، گزارش تصویری و ویدئو فقط در زبان فارسی ابنا تولید و منتشر شد.

## واکاوی علمی مباحثی همچون مذاکره و نرمش قهرمانانه، از مزایای این کنگره است



مسؤول دیرخانه اجرایی کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) گفت: با توجه به اینکه این روزها مباحثی همچون مذاکره، نرمش قهرمانانه، قدرت نرم، دیپلماسی و سیاست خارجی در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است، برگزاری این همایش فرصتی برای تحلیل علمی این مسائل است.

«حسین مهدوی منش» با تأکید بر اینکه هر کدام از معصومین که در زمان امام حسن (ع) قرار داشتند، ممکن نبود کاری جز اقدام منطقی ایشان انجام دهند افزود: تنها مقتضای مدیریت آن شرایط بحرانی، صلح بود که بنا بر تعبیر مقام معظم رهبری عنوان پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ را به خود گرفته است.

وی اضافه کرد: آنچه از پژوهشگران و صاحب‌نظران جامعه اسلامی انتظار می‌رود آن است که با توجه به شرایط روز، برای رشد قدرت دین جهانی اسلام و نظام اسلامی در مقابل حرکت‌ها، اقدامات قدرت‌ها و استکبار جهانی به تحلیل تاریخ پرداخته و نقشه راه و دستور العمل‌های عبرت آموز و مبارزه گرایانه در برابر آن‌ها را پیشنهاد کنند؛ بویژه آنکه در این ایام مباحثی همچون مذاکره، نرمش قهرمانانه، قدرت نرم، دیپلماسی و سیاست خارجی از سوی کشورهای جهان اسلام، اهمیت بررسی و واکاوی جوانب و ابعاد موضوع مذاکره، تعامل، توافق و صلح در مقابل قطع روابط و جنگ را دو چندان نموده است.

مهدوی منش با اشاره به مباحث مطرح شده در کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) تصریح کرد: این کنگره به عنوان بستری جهت معرفی عمیق فرهنگ گفتاری و رفتاری آن حضرت و ایده‌پردازی نظریه اسلامی مذاکره و صلح، از کلیه محققان داخل و خارج از کشور برای معرفی امام حسن (ع) و سیره زندگی ایشان به جامعه جهانی دعوت به عمل آورد که با استقبال پژوهشگران و مشارکت جمعی از نهادها روبرو شد.

وی به روند تشکیل ستاد کنگره هم پرداخت و گفت: ستادی متشکل از معاونین مجمع و نمایندگان مؤسسات و نهادهای همکار در سال ۱۳۹۱ تشکیل گردید که از اولین آثار آن، برگزاری جشن بزرگ میلاد در نیمه ماه مبارک رمضان ۱۳۹۱ در مسجد جامع قاسم بن الحسن (ع) و جشنواره‌ای با همین عنوان در نیمه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۲ در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، امامزاده صالح (ع)، مؤسسه فرهنگی هنری قاسم بن الحسن (ع) و ... بود. همان ستاد اکنون کنگره را برگزار می‌کند.

## نمایندگان رسانه‌ها برای معرفی کنگره بین‌المللی سبط النبی (ص) فعال شدند

## معرفی جامع شخصیت امام حسن مجتبی (ع) از اهداف برگزاری کنگره است



رئیس کمیته تبلیغات و اطلاع رسانی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) از فعال شدن کلیه کانونهای استانی و شهرستانی مساجد در زمینه «کنگره و جشنواره بین‌المللی سبط النبی امام حسن مجتبی (ع)» خبر داد.

«مرتضی طاهریان» به همکاری دبیرخانه‌های استانی کانون‌ها در برگزاری کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) در رشته‌های مقاله، شعر، کتابخوانی و وبلاگ‌نویسی اشاره کرد و گفت: در هر استان حداقل یک کانون با نام سبط النبی (ع) ایجاد شد و همکاری جدی دبیرخانه‌های استانی در برگزاری کنگره سبط النبی (ع) از طریق توزیع فراخوان و اطلاع‌رسانی شایسته در بین اعضای کانون‌ها و ائمه محترم جماعات سراسر کشور صورت گرفت.

معاون فرهنگی و هنری ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد وزارت ارشاد افزود: فعال‌سازی نشریات تجربی برای تولید محتوا و انتشار مطالب مرتبط با سیره امام حسن (ع) یکی از فعالیت‌های این کانون‌ها بود.

رئیس کمیته تبلیغات و اطلاع‌رسانی کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) با اشاره به برگزاری جلسات متعدد با حضور نمایندگان رسانه‌ها برای تبلیغ و معرفی این کنگره گفت: کنگره بین‌المللی سبط النبی (ص) اخبار و جدیدترین تحولات خود را در قالب ستاد خبری و نیز بارگذاری مطالب روی سایت رسمی کنگره به سمع و نظر مخاطبان رساند. همچنین پوسترهای کنگره به سه زبان برای آشنایی مردم با کنگره بین‌المللی سبط النبی منتشر شد.

طاهریان با اشاره به ارسال نشریه دیواری «بحر کرم» و برگزاری مسابقه از محتوای آن که به همت دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان قم و به صورت کشوری صورت گرفته است ادامه داد: از زمان اعلام وجود کنگره و تأسیس دبیرخانه، بیش از ۱۰۰۰ مسابقه به شکل خودجوش از طرف خود مساجد و کانون‌ها در عید مبارک نیمه رمضان برگزار شد.

وی همچنین طی پیشنهادی خواستار بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت مساجد کشور پس از کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) شد و افزود: امیدواریم پس از برگزاری کنگره سبط النبی نیز در ایام جشن ولادت امام حسن مجتبی (ع) برنامه‌های گسترده‌ای در مساجد سراسر کشور برگزار کنیم؛ زیرا بیش از ۱۳۰۰۰ کانون در کل کشور فعال هستند و پیش‌بینی می‌شود که در شب و روز ولادت امام حسن مجتبی (ع) ۸۰۰۰ مراسم در سطح کانون‌ها برگزار شود.

دبیر کمیته علمی کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) درباره برگزاری این کنگره گفت: هدف از برگزاری کنگره بین‌المللی سبط النبی (ع) معرفی اهل بیت (ع) و سیره و مبانی مکتب آن بزرگواران به جهانیان است.

«حجت الاسلام عباس جعفری فراهانی» افزود: بسترسازی مناسب برای هویت‌شناسی دینی بر اساس نگرش اهل بیت (ع)، معرفی جامع شخصیت امام حسن مجتبی (ع) و تبیین نظریه صلح و مدیریت بحران در اندیشه امام حسن مجتبی (ع) از اهداف دیگر برگزاری این کنگره است.

وی که با خبرنگار اینا گفتگو می‌کرد در مورد تاریخچه شکل‌گیری این کنگره اظهار داشت: چند سال قبل، مجمع جهانی اهل بیت (ع) با همکاری مؤسسه حضرت قاسم بن الحسن و حوزه علمیه قاسم بن الحسن در تهران، جشنواره‌ای به عنوان جشنواره امام حسن مجتبی (ع) برگزار کرد. بعد از آن، به دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع) پیشنهاد شد که همایشی بین‌المللی به نام امام حسن مجتبی (ع) برگزار شود که مجمع هم‌پذیرفت و مسئولیت اصلی برگزاری همایش بر عهده مجمع جهانی اهل بیت (ع) قرار گرفت. البته نهادهای فرهنگی دیگری هم مشارکت می‌کنند.

جعفری فراهانی در مورد نحوه اطلاع‌رسانی فراخوان کنگره عنوان کرد: برای این کنگره سایتی در نظر گرفته شد و فراخوان مقالات به صورت ایمیل، از طریق سایت‌های دیگر و با ارسال نامه به مراکز علمی و فرهنگی داخل و خارج کشور اعلام شد. این فراخوان به نمایندگان مجمع و در سراسر دنیا نیز اطلاع‌رسانی شد.

وی با بیان اینکه کمیته علمی کنگره از اساتید حوزه و دانشگاه که مسلط به تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ تشیع و اهل بیت (ع) تشکیل شده است به برگزاری نمایشگاهی از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و نرم‌افزارهایی که در مورد امام حسن (ع) منتشر شده است اشاره کرد و افزود: علاوه بر تدوین و چاپ مجموعه مقالات فارسی و عربی در چهار جلد، سه کتاب با عناوین «بلاغه الامام الحسن (ع)»، «عصر الامام الحسن (ع)؛ اجتماعاً و سياسياً» و «صلح الحسن (ع) و ثورة الحسين (ع)» با اصلاحات، تکمیل و ویرایش نیز تجدید چاپ خواهند شد.



## مدیریت راهبردی امام حسن (ع) اسلام را نجات داد

## برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی (ع) از سوی مجمع، کار بسیار ارزشمندی است



عضو ستاد مرکزی کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) گفت: امام حسن (ع) شخصیت بزرگی در تاریخ اسلام است و مدیریت راهبردی ایشان در جریان صلح بود که با الهام الهی، باعث احیاء و زنده شدن اسلام گردید. «دکتر عبدالرضا راشد» افزود: با وجود نقش عظیمی که امام حسن (ع) ایفا نمود، ایشان نسبت به سایر ائمه (ع) مقداری غریب است و کارهای علمی و بزرگداشت‌هایی که در مورد سایر ائمه (ع) صورت گرفته بود درباره ایشان انجام نشده است.

وی با اشاره به اینکه برگزاری همایش‌های علمی - فرهنگی - هنری در مورد ائمه (ع) از وظایف ذاتی مجمع جهانی اهل بیت (ع) است گفت: بنابراین از دو سال پیش، برگزاری کنگره‌ای در مورد امام حسن (ع) را مد نظر قرار دادیم. در سال‌های گذشته برنامه‌هایی مقدماتی - مانند جشن‌های نیمه رمضان و ایجاد نمایشگاه کتاب - را با همکاری مؤسسه فرهنگی مذهبی حضرت قاسم بن الحسن (ع) را برگزار کردیم و کم کم زمینه برای برگزاری یک کنگره بزرگ درباره امام حسن (ع) آماده شد.

راشد درباره دستاوردهای دیگر این کنگره نیز تصریح کرد: در جلسه‌ای که در رسانه ملی داشتیم برادران صدا و سیما اقرار می کردند که در مورد امام حسن مجتبی (ع) محتوای زیادی ندارند؛ لذا با آنها هماهنگی کاملی صورت گرفت تا مجموعه برنامه‌های کنفرانس را ضبط و در طول سال پخش کنند. امیدواریم با این کنگره محتوای خوبی جمع شود تا مورد استفاده عموم بینندگان صدا و سیما - چه شبکه‌های برون مرزی و چه شبکه‌های داخلی - قرار بگیرد. مدیرکل اروپا و آمریکای مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره مشارکت خارجی در کنگره هم گفت: بیش از ۵۰ نفر از اندیشمندان جهان اسلام را از ۳۳ کشور دعوت کرده ایم که در این کنگره به طرح مباحث علمی خواهد پرداخت. ضمن اینکه معاونت امور بین الملل مجمع در نظر دارد در کشورهای دیگر نیز در مورد شخصیت امام حسن مجتبی (ع) و پرداختن به شخصیت ایشان برنامه‌هایی برگزار کند.

وی در پایان گفت: این کنگره به لحاظ علمی سطح بالایی خواهد داشت و با حضور شخصیت‌های تأثیرگذار داخلی و خارجی در حوزه فرهنگ و دین، امیدوارم برنامه‌ای در شأن حضرت امام حسن مجتبی (ع) تنظیم و ارائه شود، و نیز جریان فکری جدیدی برای معرفی شخصیت آن امام همام (ع) در جهان اسلام ایجاد شود و استمرار یابد.



مدیر مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اسلامی اظهار داشت: این مؤسسه محتوای علمی مقالات انگلیسی را ارزیابی می کند و مدعوینی که از آمریکای شمالی، کانادا و اروپا تشریف می آورند را برای ارائه مقالات معرفی کنیم تا در کنفرانس نقش مؤثری داشته باشند.

«دکتر سید مصطفی صفوی همای» در گفتگو با خبرنگار اینا در مورد همکاری مؤسسه متبوعش با کنگره بین المللی سبط النبی (ع) اظهار داشت: ما محتوای علمی مقالات به زبان انگلیسی را ارزیابی می کنیم و مهمانان و مدعوینی که از آمریکای شمالی، کانادا و اروپا تشریف می آورند را برای ارائه مقالات معرفی کنیم تا در کنفرانس نقش مؤثری داشته باشند.

وی با بیان اینکه مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اسلامی یک سازمان غیر دولتی (NGO) مذهبی است و در وزارت ارشاد اسلامی به ثبت رسیده است افزود: هدف این مؤسسه اطلاع رسانی و انجام تحقیقاتی با تمرکز بر اسلام و غرب است.

این استاد دانشگاه در تشریح سطح آثار رسیده به دبیرخانه همایش سبط النبی (ص) گفت: مقالات انگلیسی در دو نوع تقسیم بندی می شوند؛ یک نوع کارهای تحقیقاتی دسته اول است که از ارزش علمی بالایی برخوردارند و نوع دوم مقالات، گردآوری مطالب است و در درجه دوم هستند. در انتخاب مقالات سعی شده است که به دسته اول ارزش و بهای بیشتری داده شود و مقالاتی که برای اولین بار به این کنفرانس ارائه شده باشد از امتیاز ویژه برخوردار شوند.

وی ادامه داد: به خاطر اینکه زندگی و زمانه امام حسن مجتبی (ع) موضوع بسیار بکر و تازه‌ای است و کار زیادی درباره آن انجام نشده مقالات درجه اول از جذابیت و محتوای خوبی برخوردار هستند و سعی شده در دآوری مقالات، مقالات درجه دوم کمتر معرفی شوند و بیشتر کارهای اصلی و جدید باشد.



## دبیرخانه کنگره سبط النبی (ص) به صورت دائمی فعال باشد

## از نظر معرفتی آشنایی چندانی با ابعاد شخصیتی امام حسن (ع) نداریم



نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه در ستاد کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر (ع) در مورد زمینه همکاری این نهاد با کنگره اظهار داشت: ابعاد مختلف زندگی امام حسن (ع) همه نهادها را موظف می کند که هر کاری که از دست آنها بر می آید در ارائه مقاله یا پشتیبانی فکری، فرهنگی و مالی به این کنگره انجام دهند.

«حجت الاسلام و المسلمین جواد خلی» با بیان اینکه سازمان اوقاف، پشتیبانی مالی کنگره را بر عهده دارد در ارائه پیشنهادی گفت: با توجه به اینکه این اولین کنگره‌ای است که برای امام حسن (ع) برگزار می شود شایسته است که در طول سال دبیرخانه این کنگره به صورت دائمی فعال باشد. نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه خاطر نشان کرد: مجمع جهانی اهل بیت (ع) برای شناساندن ابعاد مختلف زندگی معصومین فعالیت می کند. ما هم باید با زندگی معصومین (ع) زندگی کنیم و از روی رونوشت زندگی معصومین حیات خود را تنظیم کنیم. ما سرمشق و الگو داریم از روی همان بیاییم اعمالمان را انجام دهیم. البته این نیاز به کار و مجاهدت دارد. وی افزود: شناساندن ائمه (ع) به زبان امروز آن هم در جامعه‌ای که سرگرم مشغله‌های فکری، مادی و کارهای مختلف هستند وظیفه نهادهای فرهنگی - دینی است. لذا این کنگره باید بتواند در اعمال دینی مردم تأثیر داشته باشد. حجت الاسلام خلی تأکید کرد: اینکه مقالات علمی نوشته شود خوب است ولی مهم این است که کاربردی باشد. به نظر من باید کمیته و گروهی از علما باشند تا مقالات یا کتاب برتر این کنگره را به زبان جامعه امروزی بیان کرده و به زبان‌های مختلف ترجمه کنند.

نماینده شهرداری تهران در کنگره بین المللی سبط النبی (ع)، در مورد همکاری این نهاد با کنگره اظهار داشت: انتظاراتی که کنگره سبط النبی (ع) از شهرداری دارد و تامین بخشی از هزینه‌ها از دلایل همیاری و مشارکت شهرداری تهران با این کنگره است.

«حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله حسینی» در گفتگو با خبرنگار ابنا در مورد همکاری این نهاد با کنگره بین المللی سبط النبی (ع) اظهار داشت: انتظاراتی که کنگره سبط النبی (ع) از شهرداری دارد و تامین بخشی از هزینه‌ها از دلایل همیاری و مشارکت شهرداری تهران با این کنگره است.

این فعال فرهنگی درباره ستاد برگزاری کنگره هم گفت: این جمع، جمع بسیار مناسب و شایسته ایست که این موضوع را دنبال می کنند. و برای اولین بار است که این کنگره در جمهوری اسلامی ایران برگزار می شود و ما این افتخار را داریم در جمعی باشیم که برای برگزاری بزرگداشت آن حضرت قدمی بر می داریم.

وی با بیان اینکه کمیته فرهنگی ادبی کنگره سبط النبی (ع) نیز همکاری دارد خاطر نشان کرد: جایگاه امام حسن (ع) به اندازه جایگاه امام حسین (ع) است؛ در حالی که ما از زندگی، زمانه و قیام امام حسین (ع) اطلاع کافی داریم ولی در مورد امام حسن (ع) اطلاعات چندانی نداریم. حسینی در پایان گفت: امیدوارم که بعد از برگزاری این کنگره، شناخت ما نسبت به وجود مقدس امام حسن (ع) بیشتر باشد.

گنجره بین المللی



سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبی (ع)

دستاورد های علمی

# فهرست کامل مقالات رسیده به کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)

در پی فراخوان مقاله کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع) بیش از ۱۱۵ مقاله به زبان های مختلف به دبیرخانه کمیته علمی واصل گردید. آنچه در پی می آید فهرست مقالات رسیده تا تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۹۳ است. مقالات تأیید شده که فرصت طرح در کنگره را می یابند و یا در کتاب مجموعه مقالات همایش منتشر می شوند، در جدول زیر با زمینه سبز رنگ مشخص شده اند.

## مقالات فارسی

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	تحصیلات
۱	زندگی و احوال امام حسن (ع) از تولد تا شهادت	رمضان محمدی	عضو هیات علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲	واکاوی جریان های فکری عصر امام حسن مجتبی (ع)	سید محمد حسینی	کارشناس ارشد تاریخ اسلام
۳	حیات سیاسی اجتماعی فرزندان امام حسن مجتبی (ع)	محمد نجف فیاض	
۴	امام حسن مجتبی (ع) و تفسیر قرآن	محمد فاکر میبدی	عضو هیات علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية، دانشیار گروه قرآن و حدیث
۵	امام حسن (ع) و ایرانیان	سید محمود سامانی	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۶	نقش حسنیان در گسترش فرهنگ شیعی در اندلس	حمیدرضا مطهری	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۷	راهبردهای امام حسن (ع) در مواجهه با ناهنجاری های سیاسی - اجتماعی زمان	سید علی رضا واسعی	دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۸	پاسخ به شبهه مطلق بودن امام حسن (ع)	سید تقی واردی	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۹	نقش و اهمیت عبدالعظیم حسنی در عصر امام هادی (ع)	مریم ابراهیم زاده	دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء (س)

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	تحصیلات
۱۰	چهارده رهنمود از امام حسن (ع) برای برقراری ارتباطات انسانی مطلوب با دیگران	بهرام جبارلو شبستری - نازیلا نوزاد دیزجی	کارشناس ارشد علوم ارتباطات - کارشناس زبان و ادبیات فارسی
۱۱	زندگی و احوال امام حسن (ع) از تولد تا شهادت	امیر علی حسنلو	
۱۲	مبانی و اصول همگرایی تربیتی دین و اخلاق از دیدگاه امام حسن مجتبی (ع)	محسن موحدی	کارشناس ارشد علوم تربیتی شهید بهشتی
۱۳	بهره برداری بهینه از شیوه سبک زندگی امام حسن (ع) در جامعه	جعفر کریمی	
۱۴	امام حسن (ع) از دیدگاه اهل سنت	قاسم خانجانی	استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۵	رابطه انفاق و روزی در سیره امام حسن مجتبی (ع)	فرزانه علی اصغری	کارشناس ارشد
۱۶	شرح حال امام حسن مجتبی (ع)	رقیه شهبازی	
۱۷	سبک زندگی از منظر امام حسن مجتبی (ع)	زهرا محقیان - محسن صمدیان	دانشجوی دکتری علوم و حدیث دانشگاه اصفهان - استادیار گروه علوم و حدیث دانشگاه اصفهان
۱۸	گونه شناسی روایات امام حسن (ع)	زهرا محقیان - سعیده اقارب پرست	دانشجوی دکتری علوم و حدیث دانشگاه اصفهان - استادیار گروه علوم و حدیث اصفهان
۱۹	سبک زندگی فرهنگی امام حسن مجتبی (ع)	سیده زهرا موسوی	
۲۰	اهداف، اصول و روش های تربیت اخلاقی در سیره امام حسن مجتبی (ع)	اسماعیل خارستانی	دانشجوی دکتری فلسفه و تعلیم و تربیت
۲۱	سیره اخلاقی امام حسن (ع)	سمیه سادات موسوی	کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی
۲۲	فضایل اخلاقی امام حسن (ع)	مجتبی محمدی مزرعه شاهی - مهدی شاه ولی اناری	عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - دانشجوی دوره کارشناسی رشته تربیت معلم قرآن مجید
۲۳	فضایل و مناقب امام حسن مجتبی (ع) از دیدگاه اهل سنت	فاطمه سیفی	کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی
۲۴	گذاری بر اخلاق اجتماعی در آموزه های امام حسن (ع)	مرضیه محمص	دکتری علوم قرآن و حدیث
۲۵	نرمش قهرمانانه؛ استراتژی پیروز امام حسن (ع)	فاطمه سلطان محمدی	



ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	تحصیلات
۲۶	نقش بنی امیه در انحراف امت اسلامی	محمد اسماعیل زاده	کارشناس ارشد و محقق
۲۷	حیات امام حسن(ع)	سخیداد خلیلی کندوزی	
۲۸	امام حسن (ع) در طبقات الکبری	نعمت‌الله صفری فروشانی - سیده معصومه اخلاقی	عضو هیات علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه
۲۹	امام حسن(ع) در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید	نعمت‌الله صفری فروشانی - سیده معصومه اخلاقی	عضو هیات علمی جامعه المصطفی(ص)
۳۰	دست‌آورد صلح امام حسن(ع)	محمد اسماعیل زاده	
۳۱	روش‌های تربیت در سیره امام حسن(ع)	محمد احسانی	معاون علمی تحصیلات عالمیه اهل بیت(ع) کابل افغانستان
۳۲	امام حسن(ع)؛ مدنیت و بدویت	حسن کاناغاتلی	رییس اتحادیه علمای اهل بیت(ع) ترکیه - اهلادر
۳۳	ابعاد شخصیت امام حسن(ع)	میرحامد محراب اف	
۳۴	امام حسن (ع) در آئینه اخلاق	سید حبیب‌الله طاهری	رییس مؤسسه تحصیلات عالیه اهل بیت(ع) افغانستان
۳۵	شرح حال امام حسن(ع) از تولد تا شهادت	رقیه شهبازی النجق - سید محمد رضوی النجق	
۳۶	تبیین سیره اخلاقی امام حسن(ع) با رویکرد به سیره عبادی و رفتار شناسی	منیره اسداللهی	
۳۷	زندگی و شرح حال امام حسن(ع) از تولد تا شهادت	زهرا حکمت - اکرم رضائی فرد	
۳۸	زندگی و شرح حال امام حسن مجتبی(ع)	رحمت‌الله فرقانی کوه بیرونی	محقق حوزه علمیه گرایش فقه و اصول
۳۹	شهادت امام حسن(ع) از دیدگاه مورخان و مستشرقان	اعظم ملک پوریان	
۴۰	شرح حال امام حسن(ع) از تولد تا شهادت از دیدگاه مستشرقان	رقیه شهبازی النجق	
۴۱	چگونگی گرایش مردم مدینه به تشیع در دوره امام حسن(ع)	مهدی نورمحمدی	دانشجوی تاریخ تشیع دانشگاه ادیان
۴۲	تربیت در سیره و سخن امام حسن(ع)	محمدحسین نوحه خوان	
۴۳	مفهوم جنگ و صلح در اسلام در زندگی امام حسن(ع)	فرح جعفری	
۴۴	واکاوی در تطبیق صلح حدیبیه و صلح امام حسن مجتبی(ع)	حسین مرادی نسب	

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	تحصیلات
۴۵	بررسی شبهات وهابیت و سلفی‌ها در باره امام حسن (ع)	زهره حکمت	
۴۶	درآمدی بر سیره سیاسی امام حسن (ع) در روایات	سیف الله صرامی	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ
۴۷	سیره اخلاقی و اجتماعی امام حسن (ع) از منظر مستشرقان	محمد رضا احمدی ندوشن	محقق و پژوهشگر تاریخ اسلامی، دارای مدرک سطح ۴ و استادیار دانشگاه گیلان
۴۸	خاورشناسان و جایگاه اجتماعی امام حسن (ع)	سید قاسم موسوی رزاقی	استادیار گروه تاریخ تشیع پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۴۹	اوضاع امت اسلامی در عصر امام حسن (ع)	کماله رضا آوا	
۵۰	سبک زندگی اقتصادی امام حسن (ع)	نعمت الله صفری فروشانی - سیده معصومه اخلاقی	
۵۱	عقیده حسن و رویه مسالمة	حسین شیر بندی	
۵۲	نقش جریان عثمانی در تدوین سیره امام حسن (ع)	روح الله توحیدی نیا	کارشناس ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۵۳	مکتب و میراث علمی امام حسن مجتبی (ع)	سید منذر حکیم	اجتهاد
۵۴	منبع شناسی امام حسن مجتبی (ع)	رمضان محمدی	
۵۵	بررسی خبر تیرباران شدن بدن مطهر امام حسن (ع)	ابراهیم گودرزی	
۵۶	بررسی تطبیقی دوران امامت امام مجتبی و امام حسین (علیهما السلام)	نسرین وهاب زاده	کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی مدرس دانشگاه شاهین شهر اصفهان
۵۷	بررسی گفتارهای قرآنی امام حسن علیه السلام در برخورد با اندیشه‌های غیر اسلامی (مرجئه)	مریم قوجائی خامنه	
۵۸	مرجعیت علمی و اجتماعی و سیاسی امام حسن مجتبی (ع)	سید منذر حکیم	اجتهاد
۵۹	تجلی قدرت، صلابت و شهامت امام مجتبی (ع) در مناظره	محمد باقر شریعتی سبزواری	
۶۰	تعالیم اخلاقی امام حسن مجتبی (ع) در سبک زندگی اسلامی در ارتباط با مردم	شهرزاد کتابی	
۶۱	بررسی و تبیین اندیشه و سیره عملی امام حسن مجتبی (ع) در باب تربیت	مریم کتابی - میلاد شهابی	
۶۲	سخنان و دیدگاه‌های دانشمندان دینی و علمی پیرامون امام حسن مجتبی (ع)	پرنдіس سلحشوری - مهدی سلحشوری	

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	تحصیلات
۶۳	شیوه و برخورد امام حسن مجتبی(ع) با دشمنان عصر خویش	فاطمه سادات قاری	
۶۴	ترویج فرهنگ انفاق در سیره امام حسن مجتبی(ع)	زهرایشخوند	
۶۵	قیام‌های حسنیان در عصر امام کاظم(ع)	خدیجه کیهانی	دانش آموخته جامعه الزهراء(س)
۶۶	بررسی صلح حدیبیه و صلح نامه مسکن ساباط	حسین مرادی نسب	
۶۷	نقش امام حسن(ع) در دوره حکومت معاویه در حفظ و بسط معارف اهل بیت (علیهم السلام)	سمیه یونس	دانش آموخته جامعه الزهراء(س)
۶۸	رد اتهامات ازدواج ها و طلاق‌های مکرر نسبت داده شده به امام حسن (ع)	سوسن فخرائی - فاطمه جلودار زاده - زهرا سادات حسینی سمنانی	

## ■ مقالات عربی ■

ردیف	عنوان المقال	الكاتب	البلد
۶۹	ومضات من عهد إمامة الحسن المجتبی(ع)	محمد هادی یوسفی غروی	ایران
۷۰	مع الإمام الحسن(ع) فی يوم شهادته	السید سعید کاظم العذاری	عراق
۷۱	الفرق بین صلح حدیبیة و صلح الإمام الحسن(ع)	السید محمد الجیلانی	مصر
۷۲	مسيرة الإمام الحسن(ع)؛ الجهادية فی دینامياتها و تحولاتها...	زینب محمد عیسی	لبنان
۷۳	النسب لسیدنا الإمام الحسن(ع)	مدیحة ابراهیم ابوالمعاطی	مصر
۷۴	الإمام الحسن(ع) الخلیفة الراشدی الخامس	طراد حمادة	لبنان
۷۵	الإمام الحسن(ع) الكلمة الطیبة ...	علی رمضان الأوسی	لندن
۷۶	حياة الإمام حسن بن علی السبط(ع)	منال ابراهیم المعاطی	مصر
۷۷	خصائص شخصية للإمام الحسن(ع)	علی هاشم السراج	سودان
۷۸	مبادئ المعرفة لسيرة وفکر الإمام الحسن(ع)	طاهر کولی بالی	بورکینافاسو
۷۹	الإمام الحسن (ع) و أجوبة السائلین	سید عبدالله فضل الله	لبنان

ردیف	عنوان المقال	الكاتب	البلد
٨٠	ذَرءُ الشبهة فيما نُسب الى الإمام الحسن (ع) من التهمة	جويدة غانم	الجزائر
٨١	الأوضاع الدينية و الثقافية و ... في عصر الإمام الحسن (ع)	محمد كاظم ياسين	لبنان
٨٢	الإمام الحسن (ع) ؛ ظلمه أعداؤه	حسين الديراي	استراليا
٨٣	حياة الإمام الحسن (ع) و ما جرى فيها من وقائع و أحداث	نزيهة علي صالح	لبنان
٨٤	حياة الإمام الحسن (ع)	محمد هارون الرشيد ملا	بنغلادش
٨٥	مظلومية الرسول و الأهل (ع)	احمد اسماعيل	لبنان
٨٦	في ذكرى ولادة كريم اهل البيت (ع) الإمام الحسن المجتبي (ع)	السيد سعيد كاظم العذاري	عراق
٨٧	السادة الحسينيون ودورهم في مناهضة الظلم	أحمد راسم النفيس	مصر
٨٨	انوار من حياة الإمام الحسن المجتبي (ع)	زينب حكيم	لبنان
٨٩	اضواء على سيرة الإمام الحسن (ع) في عهد الدولة العلوية	السيد منذر الحكيم	ايران
٩٠	الدور الحضاري للأشراف الحسينيين بالمغرب	عصام احميدان الحسني	مغرب
٩١	حياة الإمام حسن بن علي (ع)	مولوى عبد الحلیم	سريلانكا
٩٢	البعد الإستراتيجي لصلح الإمام الحسن (ع)	محمد بوگرطة	الجزائر
٩٣	الحسن السبط (ع) / قصيدة	نبيل الحلباوي	سوريه
٩٤	خلافة الإمام الحسن (ع) و ظروفها: (المتخذ من كتاب ائمه اهل البيت (ع))	مقتبس من تراث الشهيد سيد محمد باقر الصدر (ره)	عراق
٩٥	خصائص الإمام الحسن (ع) او الخصائص الحسينية	سيد راضي الحسيني	عراق
٩٦	صلح الإمام الحسن (ع)؛ قراءة جديدة	السيد سامي البدری	عراق
٩٧	اضحت ديار الماردين ظلولا	سيد محمود محمد الموسوي	عراق
٩٨	الحياة الفردية و الاجتماعية للإمام الحسن (ع)	مريم رقيه مرهل	آرژانتين
٩٩	المنافرة الكبرى في العصر الاموي	سيد محمود محمد الموسوي	عراق



## ■ مقالات زبان‌های دیگر ■

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	کشور
۱۰۰	زندگی فردی و اجتماعی امام حسن (ع)؛ اردو؛ امام حسن کی اجتماعی و انفرادی زندگی	منهال رضا خیرآبادی	هند
۱۰۱	IMAM HASAN (A.S.) AS A ROLE MODEL	خانم نازنین کریم	کنیا
۱۰۲	OBJECTIVES OF IMAM HASAN (a.s.)	سکینه مهدی رضا راجانی	هند
۱۰۳	Social and PERSONAL Life of Imam Hasan (a.s.)	خانم فاطمه علی عثمان	تانزانیا
۱۰۴	THE HASANI SADAT: AN OVERVIEW OF THEIR ROLE IN THE EARLY ISLAMIC UPRISINGS AND THEIR ROLE IN SPREADING THE LOVE OF AHLUL BAYT IN AFRICA	حبیب سلمان و مریم یوسف	کنیا
۱۰۵	Imam Hasan Al-Mujtaba (A.S.): His Life and Contributions as the Second Holy Imam	خانم زهرا ابینال	فیلیپین
۱۰۶	PEACE BUILDING, RECONCILIATION AND TRANSITIONAL JUSTICE AS REFLECTED IN THE PEACE TREATY OF IMAM HASSAN	لافیر مدنی	سریلانکا
۱۰۷	THE MASKAN AND HUDAIBIYA TREATIES	آدام سیبالا	اوگاندا
۱۰۸	Imam Hasan Al-Mujtaba and the Tragedy of Karbala	غلام تقی بنگاش	پاکستان
۱۰۹	ائمنا (ترجمه تائی) / تایی	ایوب یام یای	تایلند
۱۱۰	فلسفه صلح امام حسن (ع) / ترکی	موسی ایاز تکین	ترکیه
۱۱۱	حیات و سیره امام حسن (ع) / انگلیسی	زهرا مانگورسی	فیلیپین
۱۱۲	شرائط سیاسی، فرهنگی و مذهبی در عصر امام حسن (ع) / انگلیسی		آرژانتین
۱۱۳	امام حسن (ع) کی زندگی اور واقعات / اردو	خانم حنا حیدر عابدی	پاکستان
۱۱۴	اسپانیولی - Las Virtudes Morales del Imam Al-Hasan	نبیل احمد علی	آرژانتین
۱۱۵	Peace Treaty of imam Hassan(a.s): Peace the need of time	سجاد حکیم حسین	

گنجره بین المللی



سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبی (ع)

دستاورد های ادبی

# ارادتی ادبی به حضرت سبط النبی(ص)

تعدادی از اشعار برگزیده کنگره سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع)

در پی فراخوان ادبی کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی(ع)، حدود ۱۵۰ قطعه شعر - در قالب های مختلف رباعی، غزل، قطعه، قصیده، مصمت، ترجیع بند، شعر سپید، شعر نو و ... - به دبیرخانه ادبی کنگره واصل شد.  
آنچه در پی می آید تعدادی از آثار برگزیده کنگره - و نه همه آنها - است؛ عرض ارادتی ادبی به حضرت سبط النبی(ص):

## دل آسمان هوایی شد

احمد حسین پور علویه  
قم

ای غریبی که غربت چشمت، غزل ناب آشنایی شد  
حس و حالت به شعر جان بخشید، حسن تو آیتی خدایی شد

چهل و هفت گردش کامل، سهم دنیاست از تو اما دل  
آنقدر حول محور ت چرخید، که دل آسمان هوایی شد

صلح تو جنگ نابرابر بود، قلم عهد نامه خنجر شد  
شاهد این مثال آوردم، پسر ت را که کربلایی شد

ای نگاهت به سبزی قرآن، منبع چشمه های "المیزان"  
هر که از جام تو عسل نوشید، چشم هایش "طباطبایی" شد \*

جاده هایی که منتهی به تو اند، از حدود مدینه می گذرند  
تا به یاد زمین بیندازند، که چرا ماه مجتبیایی شد

دو برادر نگو دو نیمه ی سیب، هر دو بودید کم سپاه و غریب  
پس چرا آستان تو خاکبست، او چرا گنبدش طلایی شد؟!

کربلا و مدینه و کوفه، با زیارات غیر معروفه  
همه را گشتم و نفهمیدم، این غزل عاقبت کجایی شد؟

\* سادات طباطبایی از نسل امام حسن مجتبی(ع) بوده و به داشتن چشم و ابروهای زیبا مشهورند.

## عرش بی نام بلند تو فرو می ریزد

سجاد سعید نژاد  
دهدشت - کهگیلویه و بویراحمد

دست های تو هدایتگر گمراهان است  
ای که در هر نفست معجزه های پنهان است

آسمانی و زمین در طلبت غرق دعا  
آسمانی و زمین در طلب باران است

دست اعجاز شما منجی هر جامعه ایست  
گرچه این قوم به دستان تو نافرمان است

هتک حرمت شد اگر، زمزمه ی آیات  
همچو آرامش دریای پس از طوفان است

عذر کوتاهی ما را بپذیر ای خورشید  
مَثَل ما مَثَل کشتی سرگردان است

بگذارید غزل راه شما را برود  
گرچه این راه پراز وسوسه ی شیطان است

راه مؤمن شدن از راه شما می گذرد  
آیه های تو به حق آینده ی ایمان است

عرش، بی نام بلند تو فرو می ریزد  
ذکر نام تو شب و روز بلاگردان است

ابری از رحمت خود بر سر شعرم بنشان  
ای که در هر نفست زمزمه ی باران است

ارادت

## حسن سهم پیمبر شد

احمد حسین پور علویه  
قم

همیشه آسمان بارانی چشم ترش بوده  
کسی که داغ و غربت ارث زهرا مادرش بوده

حسن سهم پیمبر شد، حسین اما علی را داشت  
حسن بیش از حسین آیینی پیغمبرش بوده

چه دردی بیش از این که می‌زده از پشت خنجر را  
کسی که سالها پایین پای منبرش بوده!

خدا ما را کفایت می‌کند "العزة الله"  
چه نقشی بر نگین آبی انگشترش بوده

سپاهی داشته اما سپاه رو سپاهی که  
فقط در گیر و دار کیسه‌ی سیم و زرش بوده

خدا را شکر، در شب‌های تلخ خون دل خوردن  
اگر مادر نبوده در کنارش، خواهرش بوده

به یاد کوچه‌ای باریک می‌افتد در آن خانه  
که روزی روزگاری مادری پشت درش بوده

جمال قاسم و شیرین زبانی‌های عبدالله  
چه عهدی بین او با لاله‌های پرپرش بوده؟

پس از طشت مسی، طشت طلا هم ماجرای داشت  
در آن شب که برادر میهمان دخترش بوده

دم آخر برادرهای خود را در چه حالی دید؟!  
کسی که از شروع ماجرا تا آخرش بوده

## روز تشییع تنش تیر و کمان برداشتند

حسین عباس پور  
قم

بارها از سفره‌اش با اینکه نان برداشتند  
روز تشییع تنش تیر و کمان برداشتند

مردم این شهر در ظاهر مسلمان عاقبت  
با صدای سکه دست از دینشان برداشتند

بر سر همسایگانش سایه‌ای پر مهر داشت  
از سرش هر چند روزی سایه بان برداشتند

بذر ننگین جسارت بر تنی معصوم را  
این جماعت کاشتند و دیگران برداشتند

دست‌هایی که بر آن تابوت تیر انداختند  
چند سال بعد چوب خیزران برداشتند

## که عشق افزون کند...

زهرا شعبانی  
هندیجان - خوزستان

به سویی می‌کشاند یک نه، ده نه، بلکه صدها را  
که عشق افزون کند هر لحظه در عالم عددها را

به مسند می‌نشانند با کرامت مستمندان را  
به مقصد می‌رساند با شفاعت نابلدها را

یکی زنبیل‌های سیب را پر کرده از رویش  
یکی پر کرده از خرما لب‌هایش سبدها را

معاذالله اگر دستی جدا از دامنش افتد  
معاذالله اگر رد کرده غیر از دست ردها را

نگاه از آفتاب روی او برداشتن سخت است  
مگر در سایه‌اش عمری بیندازی نمدها را ...



## این بغض سنگین مگر می گذارد؟

حسین عباس پور  
قم

صبوری به پای تو سر می گذارد  
غمّت داغها بر جگر می گذارد

کمی خواستم از غریبی بگویم  
نه! این بغض سنگین مگر می گذارد؟

و من نیستم بدتر از مرد شامی  
نگاه تو در من اثر می گذارد

کریمی که از کودکی می شناسم  
قدم روی چشمان تر می گذارد

دلّم باز با یاد غم هایت آقا  
غریبانه سر روی در می گذارد

چه بد با تو تا کرد دنیای پستی  
که بر شاخه گل تبر می گذارد

وهر کس که کمتر شکایت کند او  
به دوشش غم بیشتر می گذارد

نمک ریخت یک شهر بر زخم مردی  
که دندان به روی جگر می گذارد

## یک شب به اوج باور خورشید می رسم

محمد زارعی  
دلیجان

یک شب میان دسته‌ای از یا کریم‌ها  
پر می کشم به شوق حرم تا کریم‌ها

پر می کشم که درک کنم اوج عشق را  
در آسمان کوچک خود با کریم‌ها

یا ذا الحیة اسئلک الوصل فی الممات  
لطفی کن ای گدای تو حتی کریم‌ها!

من قانعم عزیز! به یک ذره خاکتان  
گفتید کم مخواهید از ما کریم‌ها

خورشیدی و جهان همه سایه نشین توست  
بخشنده‌اند با همه تنها کریم‌ها

چندان غریب نیست شود معدن طلا  
یک لحظه پا نهند به هر جا کریم‌ها

چندان غریب نیست کریمی کند به خلق  
تا پر کنند کیل کسی را کریم‌ها

پیش تو می شوند حقیران بزرگ‌ها  
پیش تو می شوند گداهای کریم‌ها

یک شب به اوج باور خورشید می رسم  
یک شب میان دسته‌ای از یا کریم‌ها

## تقدیم به سبط النبی امام حسن مجتبی (ع)

مریم کرباسی نجف آبادی  
نجف آباد - اصفهان

در کوفه، صلح کردند آرامشی ست که  
با آن تمام رگ رگ تاریخ، جان گرفت

نام تواز میان کریمان اهل بیت (ع)  
جا در دل شکسته‌ی ما شیعیان گرفت

نامت نکو و چهره‌ی نام آورت نکو!  
«حسنّت به اتفاق ملاحظت، جهان گرفت»

لرزید شانه‌های عظیم پدر بزرگ  
لرزید و خانه، یکسره بوی اذان گرفت

عطری وزید و کوچه به کوچه، مدینه را  
بوی بهار و آینه و شمعدان گرفت

«سبط نبی»، نشانی خوبی برای توست  
بی دردسر، سراغ تو را می توان گرفت

وقتی که عشق، در دل زهرا (س) امان گرفت  
خورشید، شانه‌های علی را نشان گرفت

آری! درست نیمه‌ی ماه خدا ...، علی (ع)  
یک قرص ماه از دل هفت آسمان گرفت

صبحی دمید و خانه، صفای مضاعفی  
با اولین چراغ پر از نورشان گرفت

## تقدیم به کسی که صلحش حماسه بود ...

محسن کاویانی

قم

تیری که سمتش رفت هم حتی، مثل کمان قدش کمانی بود  
از دست آدمها! رها می شد، شرمنده از این ناتوانی بود

تابوت گل را بوسه زد افتاد، از شدت شرمندگی جان داد  
در پای مردی آسمان پیشه، مردی که صلحش جان فشانی بود!

مردی که تنها رفت تا میقات، دلخسته از تفریط و از افراط  
بر قلب پاکش صد هزاران زخم، از مؤمنان نهروانی بود

هی برد دندان بر جگر آخر، صبرش به لب آمد ولی پرپر!  
آن روز تشت خانه چون دشت، گل های سرخ و ارغوانی بود

دلخسته بود از همنشینی ها، با قاتلین مادرش زهرا  
زهری که نوشید آخرش، تنها، شیرینیش در زندگانی بود...

## مدینه نقطه ی پیوند تیر و تن باشد

حسین زحمتکش

تهران

"حدیث حسن" تو چون گفته ام "حسن" باشد  
وگرنه شاعر تو کی کسی چو من باشد؟

غریبی تو عجیب است یا حسن (ع)، که تویی  
کسی که در وطن خویش بی وطن باشد

کسی نبود که "مرد" جدال با تو شود  
عجیب نیست اگر قاتل تو "زن" باشد

به حرمت کفن پاره پاره ات آقا  
برادر تو نباید که بی کفن باشد؟

هزار حرمه تشییع کرده است تو را  
مدینه نقطه ی پیوند تیر و تن باشد

تو را به گونه ی دیگر می آورم به قلم  
اگر نوشتن تاریخ دست من باشد

## آه ای کریم بن کریم!

علی سلیمانی

همدان

کسی که از تمام خلق، حکمت بیشتر دارد  
به محرومان و مظلومان محبت بیشتر دارد

کسی که مجمع فضل است، دریای جوانمردی ست  
کسی که با تهی دستان رفاقت بیشتر دارد

کسی که از همه اهل مدینه بعد هر سجده  
به آغوش رسول الله دعوت بیشتر دارد

کسی که میوه پیوند، زهرا با یدالله است  
از این رو با نبی بی شک شباهت بیشتر دارد

کسی که با حسین بن علی تنها برادر نیست  
که بی شک از برادر انس و الفت بیشتر دارد

کسی که موقع تقسیم بیت المال حساس است  
یقین از هر ترازویی عدالت بیشتر دارد

تویی ... آه ای کریم بن کریم، ای مرد  
تویی که از همه دست کرامت بیشتر دارد

تو آن مردی که از مردان مسلمان تر به اسلام است  
تو آن شاهی که از شاهان نجابت بیشتر دارد

امیر ما تویی، آن مصلحت اندیش اهل صلح  
که از هر حاکمی بی شک سیاست بیشتر دارد

یقین کار دعای توسل، کار ربنای توسل  
شبی که آسمان باران رحمت بیشتر دارد

کسی که در دعا مشتاق ذکر "یا حسن" باشد  
یقین دارم امید استجابت بیشتر دارد

اگر چه در مزارت مرقد و گنبد نمی بیند  
ولیکن زائرت حس زيارت بیشتر دارد

که می سازند روزی آستان را همین مردم  
اگر چه خانه ات امروز غربت بیشتر دارد

ولی حتی اگر خاکی بماند زائران شادند  
چرا که این حرم هر گوشه تربت بیشتر دارد

## نفسی عشق را مهیا کن...

سید مهدی نژاد هاشمی

بجنورد

دل شاعر گرفته از اینکه، خبر از بی نشانی‌ات باشد  
نفست عشق را رقم زده است، محفل شعر خوانی‌ات باشد

از کرامت چگونه بنویسد روبروی کریم آل عبا(ع)  
کاش این شعر قطره بارانی، از دل آسمانی‌ات باشد

مثل یک شمعدانی تنها عاشق رد پای باران است  
در مسیر بهار می‌خواهد قاصد مهربانی‌ات باشد

باد کنعان بهانه می‌آرد تا بیاید به مشرق چشم  
سینه سرخی دلش هوس کرده ورد بی همزبانی‌ات باشد

آه ... تنهاترین ستاره‌ی صبح، دل کوچه سیاه پوشیده  
تا مگر بگذرد شهابی و ... پرتو کهکشانی‌ات باشد

مثل تسبیح پاره می‌ریزد اشک بر روی دامن شعرش  
هق هقی بی صدا که می‌خواهد، هیجان نهانی‌ات باشد

عطر نایاب جانم‌زات را هر سحر از بقیع می‌بوید  
آسمان که دلش نظر دارد گنبد زندگانی‌ات باشد

چرخ گردون همیشه می‌چرخد در مدار بهار احساسات  
فصل اردیبهشت می‌خواهد پایه پای جوانی‌ات باشد

نفسی عشق را مهیا کن، عاشقی بی‌قرار می‌خواهد  
مثل پس کوچه‌های فروردین، شاعر بی‌خزانی‌ات باشد

شورو شوقی گرفته قلبش را، عشق خود را به هیچ کس ندهد  
دل به اردیبهشت تو داده شیعه‌ی آنچنانی‌ات باشد

آتشی در دلش به پا کن تا گرم خود سوزی خودش بشود  
زیر باران، لبش غزلخوان عشق آتشفشانی‌ات باشد

## بی کسی ...

علی سلیمانی

همدان

این جا کجاست، اول بازار بی کسی  
یا آخرین مزار گرفتار بی کسی

بال کبوتران به سپیدی نمی‌زند  
وقتی که می‌شوند عزادار بی کسی!

شمعی به دست! آمده‌ام عاشقی کنم  
حلاج باشم و غزلم دار بی کسی

شرمندم که وصف قشنگی نمی‌شود  
این درد واژه‌هاست همه کار بی کسی

یک شاخه یاس پشت نگاهت شکفته است  
آتش رسیده تا در و دیوار بی کسی

خاکی‌تر از مزار تو چشمان من شده است  
این که تو با منی شده انکار بی کسی

شاعر شدم، ببین، صلام گوشه چشم توست  
گنجی عظیم مانده به دربار بی کسی

مولا، چه خوب می‌شود این بیت حس کنم  
برشانه‌ام گذاشته ای بار بی کسی

بنویس نام شعر مرا بین لشکرت  
سربازهای عاشق سردار بی کسی

## به کریم اهل بیت (ع) و مظلومیت او

علیرضا رجبعلی زاده کاشانی  
کاشان

غریب نیست که تنهایی ات سپاه تو باشد  
اگر بناست که این خانه قتلگاه تو باشد

نیام صبر و سکوتی ست تیغ حیدری ات را  
که زیر خیمه آه تو تکیه گاه تو باشد

چگونه گریه نجوشاندم به سرخی صلحت  
که کربلای تو در چشمه نگاه تو باشد

گشوده زهر چه سی پاره‌ای به دامن امشب  
که تشت؛ لب به لب از آیه‌های آه تو باشد؟

گرفته‌اند به باران تیر راه حرم را  
اگر چه زائر؛ تابوت بی پناه تو باشد!

★★

مگر دو چشم کریم "بقیع" مثل یتیمی  
به گریه در دل این کوچه‌ها به راه تو باشد

## سوره‌ی تسکین

سودابه مهیجی  
تهران

در صلح نام تو کبوترها به آرامی  
پر می‌کشند از شوق سوی هر در و بامی

حتی همای مهر و خوش بختی به نام تو  
می‌افکند سایه به هر تنهای ناکامی

آرامش یاد تو را انسان در تشویش  
در نذرهای خویش می‌خواند به هر نامی

ای سوره‌ی تسکین و دلداری به رغم خصم  
تو بهترین پیغام هر صلح پهنگامی

پشت سر تاریخ نامت مردمان عمریست  
از آشتی گفتند و عشق نیک فرجامی

که دودمان عاشق تو راوی‌اش بودند  
هر لحظه‌ی تاریخ با هر لحن و پیغامی

ای پاکی نامت سپید پرچم هر صلح!  
روزی تو به آرامش دنیا می‌انجامی ...

## غزلی تقدیم به کریم اهل بیت (ع)

سید مهدی نژاد هاشمی  
بجنورد

چشم در چشم آینه اما، یوسفی در خودم نمی‌بینم  
سایه‌ی گرگ در من افتاده، بر شب تیره معبری بفرست

کفر آلوده‌ام به شک اما، مرزهای دلم ترک دارد  
پیرو حزب باد اگر هستم، لطف کن کوه باوری بفرست

آه آقا! کریم آل عبا (ع) خسته‌ام از دل غبار آلود  
ظلمتی که نشسته بردوشم ...! شمع آینه گستری بفرست

لب باران نخورده‌ای دارم، آتشی در ضمیر من برپاست  
شاعر دردهای خود بودم، نقطه‌ی عطف دیگری بفرست

دل به ذکر دما دمت دادم، بال امن جیب می‌خواهم  
آه آقا! امام خوبی‌ها، در دل من کبوتری بفرست

چون خط دلم کم آورده، زندگی حال بهتری بفرست  
مرحمت کن به عشق آل عبا، بال‌های سبک پری بفرست

خسته از خانه می‌زنم بیرون، روبه راهی که عشق می‌خواند  
شب مولودی کریم آل الله (ع) در سرای دلم سری بفرست

سال‌ها می‌شود که اینطورم، حال و روزم کمی مساعد نیست  
یا امام حسن (ع) کرامت کن روبه تنهایی‌ام دری بفرست

کوچه دارد بهانه می‌گیرد، عطر پیراهنت که می‌پیچد  
زخم‌های نشسته بر میدان، از شفاخانه عنبری بفرست

ظاهر و باطنم مقابل هم، چهره‌ام روشن و دلم تاریک  
گوشه‌ایم پر است انگاری، گوشه‌ی گرم منبری بفرست



## از کربلا برای سپر حرف می‌زنی

علی فردوسی

اصفهان

با پاره پاره‌های جگر حرف می‌زنی  
وقتی که از خیال سفر حرف می‌زنی

دنیا سؤال کودکی‌ات را جواب داد  
- با چاه خانه از چه پدر حرف می‌زنی؟

بغض علی و فاطمه هم در صدای توست  
داری به جای چند نفر حرف می‌زنی

این حرف‌ها که هیچ به گوشش نمی‌رود  
از عشق اگر برای تبر حرف می‌زنی

با این سپاه اندک و نیرنگ بی‌شمار  
از صلح چاره نیست اگر حرف می‌زنی

شمشیر خاک خورده‌ی غیرت دلیل توست  
وقتی که از لزوم سپر حرف می‌زنی

تا سفره‌های نان و رطب پهن می‌شود  
از چشم‌های مانده به در حرف می‌زنی

از بغض در صدای تو پیداست اینکه باز  
از کربلا برای پسر حرف می‌زنی

درد تو را زمانه نفهمید، لاجرم  
با پاره پاره‌های جگر حرف می‌زنی

## برای غریب مدینه

محمد زارعی

دلیجان

شانه‌های تو ترازوی به هم ریخته است  
حال تو حالت گیسوی به هم ریخته است

اخم با دشمن و لبخند به یار تو یکی است  
هر دو منظورت از ابروی به هم ریخته است

زهر نوشیدی و القصه و الغصه ولی  
تشت زر حاوی کندوی به هم ریخته است

رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر ضمیر  
چه درونی که در این روی به هم ریخته است

تأثیر چه شرابی است که رفتار نگاه  
مثل رفتار دو آهوی به هم ریخته است

گرچه، در ایل کسی که نفسش طوفان است  
پیرهن، چادر اردوی به هم ریخته است

عصر غمگین تو را فرشچیان هم باشد  
درد؛ طراحی الگوی به هم ریخته است

خم پشت تو به زانوی به هم ریخته نیست  
خم پشت تو به پهلوی به هم ریخته است

## داغ سقیفه، داغ فدک، داغ بی‌کسی

سودابه مهیجی

تهران

بالا بیار درد دل ناشنیده را  
تف کن به روی اهل زمینی که بی‌خبر...

دیگر مگر به خواب ببینند روز خوش  
وقتی که صلح، جام شهادت کشیده سر

افسوس! لقمه‌های محبت حرام شد  
دیگر به سفره خانه‌ی این شهر بی‌پدر...

پهلوی درد مادر و تنهایی پدر  
عمری زده کبوتر این زخم بال و پر

آن دردهای مزمن و تلخ تو خوب شد  
کرده ست شوکران ستم بر دلت اثر

بالا بیار هر چه درین سال‌های سخت  
هی دیدی و شنیدی و افکندی از نظر

بالا بیار حادثه را کوه خون جگر!  
آتشفشان شو از تب غم‌های کهنه‌تر

بالا بیار خون دلت را به روی خاک  
این داغ‌های یکسره را تا فلک نبر

داغ سقیفه، داغ فدک، داغ بی‌کسی ست  
این زخم بر ملا شده، این خون شعله ور

## شاهی که تنها ماند در شهر گدایان

علی احدی

باید که عمری مثل بابا ... نان بیارد  
نجوا کند، خرما به نخلستان بیارد

شاهی که تنها ماند در شهر گدایان  
بهتر که جای حکم راندن، نان بیارد

فرزند پیغمبر چه تدبیری کند با ...؟  
دینی که فرزند ابوسفیان بیارد ...!

هر چند هم در گوششان یاسین بخواند  
صدبار اگر مصداق از قرآن بیارد

جایی که پای سکه‌ی زر در میان است  
سخت است حتی یک نفر ایمان بیارد ...!

حتی نشد یکبار از بین دو انگشت  
اندازه‌ی انگشت‌ها انسان بیارد

....

آرام ... می‌سازد به صلح و سازش اما  
آرامشی که ... در پی‌اش طوفان بیارد ...

## سکوتی پر از عطر فریاد

عالیه مهرابی

یزد

به فنجانی سکوت و صبر هر شب روزه وا کردی  
چو بذر گل نشستنی تا که قمصرها به پا کردی

گل سرخی که در خاموشی‌ات فریادی از عطر است  
گل سرخی که دنیا را پر از عطر صدا کردی!

خدا در دومین پیمانه‌ی آیات نازل کرد  
نگاهی را که مضمون بلند "هل آتی" کردی

تو با صلحت به جنگ تازه‌ی نیرنگ‌ها رفتی  
تو با خورشید راز سایه‌ها را برملا کردی!!

همین که ریخت باران حدیث در رگ این خاک  
به شهدی داغ و شیرین، نخل‌ها را مبتلا کردی

قنوت ابرهای آسمان بودند وقتی که  
برای شهر یک اوقات بارانی دعا کردی

تلاطم کرد نیل فتنه‌ها در پیش چشمانت  
و تو موسی‌تر از هر روز صبرت را عصا کردی

لبت در زهر حل می‌شد ... شکر در زهر می‌جوشید ...  
و تو راه گلویت را مسیر کربلا کردی!!

## ... با تو کرم آفریده شد

حسین صیامی

تهران

باید که شکل پرز دنت فرق هم کند  
پس لاجرم پیاله‌ی سم آفریده شد

پای کتاب زندگی پربلایتان  
اشک خدا چکیده و غم آفریده شد

روز جمل تو حیدر ثانی شدی حسن  
پای شجاعت تو جنم آفریده شد

از مردم عرب که تو خیری ندیده‌ای  
پس بهر یاری تو عجم آفریده شد

تا شکل بی‌قراری شب‌های تو شوم  
این اشک‌های چشم‌ترم آفریده شد

وقتی حسن به معنی صبر است، غصه نیست  
گر صد هزار رنج و الم آفریده شد

تو یک نفس کشیدی و دم آفریده شد  
با راه رفتن تو قدم آفریده شد

خالق نشست به مدح تو را کند  
اینجا گمان کنم که قلم آفریده شد

یا پیش‌تر ز جود و کرم بوده‌ای حسن  
یا هم زمان با تو کرم آفریده شد

ای لال باد آن که تو را بی‌حرم شمرد  
از ناز شصت توست حرم آفریده شد

## مبارکباد میلاد حسن مجتبی (ع)

احمد رضا قدیریان

یزد

موسیقی شعر من به وجد آمد، امشب شب دیگری است می دانم  
در خانه وحی و زادگاه عشق، هنگامه محشری است می دانم

امشب همه ستاره ها مشتاق، بر بام مدینه النبی جمعند  
دیوار تمام کوچه های شهر، بی تاب کبوتری است می دانم

او شأن نزول آیه تطهیر، تفسیر زلال باغ اعطیناست  
یعنی که شبیه حضرت مولا، قرآن مکرری است می دانم

این چشمه جاری نخستینی، از کوثر خاتم النبیین است  
مانند امیر مؤمنان او نیز، نخل ثمرآوری است می دانم

وقت است که قلب خانه بشکافد، از شوق بشارتی که در راه است  
دامان حریر کعبه سرشار از، عطر خوش قمصری است می دانم

آغوش رسول غنچه و لبخند، گل می دهد از تبسمی شیرین  
شب های حجاز بعد از این میلاد، شب های معطری است می دانم

امشب غزلم چقدر بی تاب است، در من هیجان دیگری جاری است  
موسیقی شعرم از نفس افتاد، امشب شب دیگری است می دانم

## امیر بی لشکر

عبدالرضا کوهمال جهرمی

جهرم

آفتاب قبیله ی نوری! قبله ی هر چه گل که در دنیا است  
یا آخو العشق و یابن زیبایی! پدرت نور و مادرت دریا است

نیمی از سیب باغ رضوانی! لیلۃ القدر روح قرآنی  
پای تا سر به عشق می مانی! دلت آیینۃ خانه ی طاهاست

محشری در سپاه شیر خدا! یا علی گوی جنگ صفینی!  
اشبه الناس بالنبی الله! رویت آیینۃ و دلت دریا است

با دل شیر مرد میدانی! تو خودت ذوالفقار برآنی  
در دل دشمن از رجزهایت، نهروان و جمل چه واویلاست

تو امیر حماسه ی صبری! در سکوت سخن به دستش تیغ  
ریشه ی رویش حماسه تویی! صلحت آغاز سربلندی هاست

آن غربی که در محل خودش، توی کوچه زره به تن دارد  
دشنه های تمسخر و طعنه، در دلش شعله های پابرجاست

آیه در آیه نور می خوانی، صبرت اما همیشه دلگیر است  
تو امیری! امیر بی لشکر، چه کسی چون تو اینقدر تنهاست

داغ این داستان در این بیت است که زن خانه محرم دل نیست  
زهر در کوزه ی کسی کرده که غریبانه و حسن سیماست

بوسه ی تیرها به تابوت، پیش چشمان غیرت عباس (ع)  
یعنی آغاز کربلای حسین (ع)، این همان ابتدای عاشورا است

★★

آدم در بقیع داغ شما، بی حرم، بی چراغ و بی گنبد  
گرچه یک داغ بی نشان در اوست، چه هوالظاهری در آن پیداست

کعبه ی عشق اولیاست بقیع، معبر اهل آسمان ... وقتی  
مرقد تو در آن بنا شده و خیمه ی اشک و ناله ی زهر (س) ست

رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا ... عشق، ازدحام ملائکه بر خاک  
السلام علیک یابن امیر! غربت تو ز مرقدت پیداست

## فریاد در سکوت

سید علی محمد نقیب

قم

در لشکر تو قحطی ایمان شده بود  
دین دادن و زر گرفتن آسان شده بود

هر چند سکوت کرده بودی اما  
فریاد تو در سکوت پنهان شده بود

سید محمد رضا شرافت  
قم

## غمگین ترین روایت دنیا است اشک تو

در پیشگاه آینه مرد مقربی  
تو بضعة الرسولی و ریحانة النبی  
ای نور روشنای دل و خانه نبی  
ای جایگاه عرشی تو شانه نبی  
روح تو آسمان نه که هفت آسمان کم است  
نور تو ابتدای جهان روح عالم است  
از قلب تو ندیده ام آقا رحیم تر  
از بخشش و کرامت دستت کریم تر  
حاتم به دست بخشش تو بوسه ها زده است  
نزد فقیر بر لب تو نه نیامده است

مضمون بی بدیل غزل ها تبسمت  
می آورد به وجد غزل را تبسمت  
غمگین ترین روایت دنیا است اشک تو  
شیرین ترین حکایت دنیا تبسمت  
در هر نگاه تو چقدر غم نشسته است  
غم می چکد ز چشم تو اما تبسمت ...  
یک شهر پیش روی تو دشنام هم دهد  
پاسخ نمی دهی تو مگر با تبسمت  
شیرین تر است نزد فقیران کدامیک  
خرمای دست بخشش تو یا تبسمت؟

سنگ صبور مأمن غم ها و دردها  
ای خانه ات پناه همه کوچه گردها  
صلحت حماسه ای ست که با روضه توأم است  
صلحت چقدر آینه دار محرم است

باید شناخت صبر و شکیبایی تو را  
باید گریست یک دهه تنهایی تو را

در لحظه لحظه زندگی تو غم است آه  
غربت همیشه با دل تو توأم است آه

هر لحظه ای تو بوده نشان از غریبیت  
وای از غم دل تو امان از غریبیت

عمری غریب بوده ولی صبر کرده ای  
مانند لحظه های علی صبر کرده ای

مست از غم توام، غم تو فرق می کند  
محو توام که عالم تو فرق می کند  
با یک نگاه می کشی و زنده می کنی  
مثل مسیح، نه دم تو فرق می کند

یک دم نگاه کن که مرا زیر و رو کنی  
باید عوض شد آدم تو فرق می کند  
تنها کمی به من نظر لطف کنی؟  
آقای مهربان! کم تو فرق می کند  
زخمی است بر دلم که عاجی نداشته است  
جز مرهمت که مرهم تو فرق می کند  
اشک غمت برای من احلی من العسل  
گفتم برای من غم تو فرق می کند  
صلح تو روضه است حماسه است غربت است  
ماهی تو و محرم تو فرق می کند  
باید خیال کرد تجسم نمود؛ نه؟  
نه گنبد تو پرچم تو فرق می کند  
لختی بخند قافیه ها را بهم بریز  
آقای من! تبسم تو فرق می کند

با نیت نگاه تو آغاز می کنم  
احساس خویش را به تو ابراز می کنم

شوقی درون سینه من جا گرفته است  
حسی غریب در دل من پا گرفته است  
حسی میان غربت و شادی و شوق و غم  
حسی که گاه می چکد از چشم در حرم

ماه مبارک رمضان روی ماه توست  
باید سرود شعر که مضمون نگاه توست

من زائر نگاه توام از دیار دور  
آن ذره ام که آمده تا پیشگاه نور  
در نام تو چه حس غریبی نهفته است  
در نام تو چه خاطره ها می شود مرور  
آقا غریب هستی و وقت سرودنت  
حسی غریب در دل من می کند ظهور  
من هم غریب مثل تو یا ایها الغریب  
من کی صبور مثل تو یا ایها الصبور  
با تو چقدر ماهیتم فرق می کند  
مانند ایستادن شب در حضور نور



## ذکر جمیل حسن...

مهدی رستکاری  
بندر عباس

دید او در کودکی پهلوی مادر چون شکست  
با هجوم اشقیا بر حرمت بیت الحزن

دید او شیر خدا را بی محابا می‌برند  
دست بسته می‌کشند او را ز گردن با رسن

داد بوسه با حسین(ع) او بر دو پای مادرش  
آن زمان که مرغ روحش رفت پُرآن از بدن

بود در تشییع پنهانی مادر حاضر او  
حیرتا زین ابتلای زودرس در آن محن

کودکی بگذارد در دوران غصب و مرد شد  
گشت در صبر علی مرتضی(ع) او ممتحن

نیکمردی شد کریم و نیک سیما چون نبی(ص)  
جمله هستی گرد آن شمع فروزان انجمن

مرتضی صولت به صفین و جمل پیکار جوی  
شهسواری شیر پیکر بود آن لشکر شکن

علم او بی‌منتها و حد به اطراف وجود  
حلم او بی‌حصر و فرساینده جمله فتن

حق مجسم در وجودش بود و تنها می‌نمود  
جهدها کرده است بر این دستگاه اهرمن

دوستان بی‌بصیرت بیشتر از دشمنان  
رنجه کردند آن ولی را از جفای خویشان

بر امام عالم اما خانه هم ناامن بود  
رخنه‌ی هرزان و بی‌رحمان ببین در این چمن

طشت شد از لاله پر خون جگر؛ آه ای امام!  
لعن دائم باد بر آن خائن فتنه زن

از ورای قرن‌ها نام عزیز مجتبی  
هست بر ارکان طاغوت زمان لرزه فکن

تیرهای بغض و جهل او را نشانه رفته‌اند  
تیربارد همچنان بر جان آن گلگون کفن

صبحدم بود و نشیمن جسته بودم در چمن  
مست بودم از شمیم لاله و یاس و سمن

آهوان در دشت سرمست از گل و سودای عشق  
موج می‌زد در دل بی‌تابشان مشک ختن

غرق بودم در غم سبز شهید کربلا  
غوطه می‌خوردم به ذکر آن شه ظلمت‌شکن

ناگهان نالید بلبل از سرشاخی بلند  
واله و شیدا و مفتون کرد ساز این سخن

گفت خاک کربلا دارد سلام و بوسه‌ها  
از ارادت بر غبار خاک مولایم حسن(ع)

سبط اکبر روح مولایم امیرالمؤمنین(ع)  
زینت دوش محمد(ص) آن نبی مؤتمن

پور زهرا(س) صاحب حوض محمد در بهشت  
رابع آل عبا است آن کریم ذوالمنن

آن که نور پاک او می‌گفت تسبیح خدا  
قبل خلقت پیش‌تر از صنع اعصار و زمن

چون که او زیر عبا پیوست با آن چهار یار  
حضرت باری(جل جلاله) زعرش خود ندا فرمود: «من

آسمان‌ها و زمین و ماه و خورشید و فلک  
بحر و برّ و آنچه هست از آشکار و مستکن

این همه اسباب را هرگز نیاوردم به خلق  
جز به اسناد محبت‌ورزی این پنج تن»

آری آن نور هدایت شد کریم اهل بیت(ع)  
مجتبای عهد گشت و نام شیرینش حسن(ع)

شیر خورد او از زبان و دست احمد(صلی الله علیه و آله) تا گرفت  
پرورش زان نور عالی در روان و در بدن

بعدها دید او که دشمن چون به سیلی دست برد  
آن زمانی که به کوچه شد به زهرا(س) راهزن

## سبط اکبر

محمد جواد الهی پور

قم

بارگاه بی نظیرت گرچه یک پرچم ندارد  
هیچ شاهی یک چنین ملکی در این عالم ندارد

گنبدش خورشید و صحنش آسمان و خادمش نور  
اینکه خاکی می نماید ظاهرش، ماتم ندارد

سبط اکبر، جان مادر، پور حیدر روز محشر  
عاشقت در نزد داور، با تو دیگر غم ندارد

آنچنان محو خداوندی که نقش نور خالق  
در دل آیینه‌ات یک نقطه‌ی مبهم ندارد

فاتحانه صلح کردی تا حماسه جان بگیرد  
صلح تو از جنگ‌های سرخ چیزی کم ندارد

غصه‌ها در سینه‌ات سنگین شد اما دست دنیا  
نوشدارویی برای خون دل جز سم ندارد

\* \* \*

مردی از نسل تو با تیغ دو دم می‌آید از راه  
چشم عالم حاجتی جز دیدن آن دم ندارد

هیچ پروا نیست آنان را ز ربّ و اهل بیت(ع)  
زین عداوت گشته عالم غرقه در ظلم و غبن

قبر او مهجور و ویران مانده در کنج بقیع  
شیعه آل علی(ع) بر خود قبا کن پیرهن!

جمله در کارند تا جان‌ها از او غافل شود  
آه شیعه زین مصیبت روی خود را لطمه زن!

موج طعن و فتنه و تهدید و تخریب و دروغ  
گرچه اول می‌نماید چیره و بنیادکن

لیکن عزّت بهره جاوید اهل البیت(ع) شد  
چند روزی صبر باید کرد در حال حزن

یا رب از رحمت به من منت گذار و بذل کن  
جان بی‌مقدار من را در ره آقا حسن(ع)

عفو کن کوه گناهم تا کنم او را صدا  
شرم آلوده به وقت رفتن جان از بدن

رستگاری کن نصیب دوستان اهل بیت(ع)  
یک نظر هم التفاتی کن به حال زار من

نعمت درک فرج را بر من ارزانی بدار  
نصرت قائم(عج) بفرما بر جهان سایه فکن

«مهدی» اکنون در هوای آن کریم اهل بیت(ع)  
بی‌خود افتاد از شمیم لاله و یاس و سمن



## ای پسر آفتاب

محمد صارمی شهاب  
همدان

ای پسر آفتاب  
که سیرت پیامبر را  
نام متبرکت  
تداعی می کند و  
آیین نیکاش را  
برافراشتن  
دستان دستگیرت

تو  
که کمینه‌ی دستان  
آفتاب بود و  
کمینه‌ی چشمانت، باران

تو را منصب پادشاهی  
دیگر گونه باید  
هر چند سال‌های خانه نشینی‌ات را  
به درازا بکشاند  
منصبی  
هم از آن دست  
که گفته‌اند:  
"خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای ..."

هم از آن گونه  
که صلح قهرمانانه‌ات  
خود  
خلافتی بود  
فریادی  
در طنین کتاب‌های آسمانی  
که معجزه‌ی حضورت را وعده داده بودند

بگو  
به خورشید تفتیده‌ی نیم شب حجاز  
در خلوتگاه طواف مقام ابراهیم؛  
که این بار  
بر ستر شانه‌هایی طلوع خواهی کرد  
که ستون‌های آسمان  
به نامش نماز می‌برند

بگو بتابد از ستیغ چشمانی  
که برق نگاهش  
همان می کند  
که شمشیرهای آخته  
با گلوگاه کفر

چه فرق می کند  
گاه با بازوانی افراشته از خشم  
برگرده‌ی اسب‌های از نفس افتاده‌ی عرب  
گاه با انگشتانی ایمن  
که بر پای عهدنامه مهر تدبیر می‌نشانند

چه مردی که از گرمای دستان پینه بسته‌اش  
نخلستان‌ها به بار می‌نشینند و  
استواری گام‌هایش  
جز بر قدمگاه پیامبران  
راهی بر نمی‌گزینند

هر چه دستانش سترگ تر  
سینه‌اش رئوف‌تر

هر چه سربلندتر  
سر به زیرتر

مردی که چشمانش  
سال‌های پر باران شبه جزیره بود  
وشمایل پر شکوهش  
یادآور شمایل پر شکوه عشق بود\*  
وقتی در پسکوچه‌های مدینه  
محمودار قدم می‌زند و از عشق می‌گفت  
از مهربانی

مردی که تویی  
تو

\* در روایت است که امام حسن مجتبی (ع) شبیه‌ترین فرد در صورت و سیرت به پیامبر (ص) بودند.  
\*\* خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای  
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی  
(حافظ)

## شکبیا مردا

حسین خلیلی  
یاسوج

پرچمی سبز  
در دستِ راست  
پرچمی سپید  
در دستِ چپ  
و پایم رانده ماندن  
در متنی سرخ  
که آبروی تاریخ است

شکبیا مردا  
آن هنگام که می توانستی بفشاری  
گلوی فریادهای بی معرفتانه را  
فتحی بزرگ را می نگریستی و  
گریه های شوقانه و فرود جانانه ی دست ها بر سینه ها  
اما  
ما از تو نیاموخته ایم  
و مدام  
از نمی دانم هایمان عذاب می کشیم  
سرمایان را به گریبان می سپاریم و گریبانگیران و  
گیریم حق با تو نباشد - که هست -  
زمین چقدر فاجعه بار باید باشد و  
زمان چه قدر شرمنده

پس  
به نام صبر تو آغاز می کنیم  
که به نام اوست  
و پای انتظار را  
به میدان بلا می کشیم و  
بر صفحه ی متورم نامه های نرسیده و  
زخم های نچیده ی فصل برداشت  
کاش  
همتی چنین سترگ را  
در زانویمان احساس کنیم  
و فرصتی چنان را  
در کف دست هایمان  
حالا که امتداد تو  
و برادر آئینه دارت  
در بالبلندای همنام پدر  
آغازیده است  
دست روی دست نباید گذاشت  
جهان به اهتزاز پرچم های نیازمند است  
و تمام فرشتگان سوگند می خورند  
که مفهوم صلح  
همین است!

## ... و تا صبح

حسین خلیلی  
یاسوج

به یاد آوریم  
از پستوی ساعت ها  
شرمساری تاریخی ثانیه شمارهایی که  
درنگ بزرگ را نفهمیدند  
آری ای عفریکان  
رستگاری در شماریدن و به شمار آمدن نیست  
و چشمان ما  
شفاف نیست  
آن قدر که از خجالت آینه بدست های او در بیایند

پس  
بباید همین منظره را تفسیر کنیم  
و تا صبح  
درباره ی همین پنجره حرف بزنیم  
و تحملی که تحمل کردنی نبود  
لبخندهایی که ممکن نبود  
نبودهایی که بود شد  
و شاهرگهایی  
که خون تاریخ را  
انتقال دادند

تا  
بفهمیم  
که مسیر انتظار  
از جنگ پدر  
صلح پسر  
و قیام برادر می گذرد  
با تأملی جانکاه در هر سه  
و تصویری جانمایه  
از آسمانی که اینان به آن نگریسته اند

و اما  
تو  
که دومین پلک را زده ای  
در فرق پدرت با شمشیر زهر آلود  
وسلحشوری برادرت  
به دقیقه ها  
دقیقا  
یادآور شده ای  
معنای پیوستار قدم هایت و  
درنگ بزرگ را!



## تو غریب تمام دورانی

محمد جواد الهی پور

قم

من و تو وارثان این دردییم  
زخمی از غصه‌ی فدک داریم  
کوچه ...  
دیوار ...  
زخم بستر ...  
خون  
بی‌عدد درد مشترک داریم

روزهای غریبی‌ات اما  
بعد من هم ادامه خواهد داشت  
دل خود را دوباره دریا کن  
غم عالم ادامه خواهد داشت

من غریب زمانه ام اما  
تو غریب تمام دورانی  
با همین چشمهام می‌بینم  
تو ...  
مدینه ...  
بقیع ...  
ویرانی ...

ریشه‌ی رنج‌های فردایت  
روی‌های سیاه دیروز است  
خانه‌ات هم محل امنی نیست  
قصه‌ی غربت جگر سوز است

یاد آن شب که شادی دنیا  
همه مهمان قلب من شده بود  
یاد آن شب که فاطمه مادر  
و علی هم ابوالحسن شده بود

مادرت را - خدا بیامزد -  
تو مرا یاد او می‌اندازی  
همه جا دست تو به دستش بود  
تو برایش همیشه هم رازی

با حضور تو گرم‌تر هم شد  
خانه‌ی بی‌ریا و ساده ما  
بعد کم کم به حرف افتادی  
پسرم ...  
دلبرم ...  
: بگو بابا

هر چه ما پیرتر شدیم انگار  
بیشتر ... بیشتر بزرگ شدی  
خواهرانت به مادرت رفتند  
توشبیه پدر بزرگ شدی

مادرت رفت و با خودم گفتم  
پشتگرمی خانه‌ام حسن است  
گرچه من هم قبول دارم که  
غصه‌ی مادرت کمر شکن است

## ای سکوت شروع عاشورا

سید علی محمد نقیب

قم

ای سکوت شروع عاشورا  
می‌توان از سکوت تو فهمید  
گاه باید سکوت کرد و سکوت  
گاه باید برای دین جنگید

در سپاه خودت غریبی تو  
دشمن اینقدر در وطن داری  
خنجر از پشت می‌زنند که تو  
در نمازت زره به تن داری

یادشان رفته که تو تنهایی  
چشم بر مال و سکه دوخته‌اند  
کار این قوم قدر شناسی ست  
زر گرفتند و دین فروخته‌اند

از سر سفره‌ات نمک خوردند  
دوستانی که دشمنت شده‌اند  
کیسه هاشان پر از طلا شده و  
سخت بی‌تاب کشتنت شده‌اند

هیچ کس فکر یاری از حق نیست  
همه زخم زبانشان کاری  
در سپاهی که بی‌شمار شده  
کافری در لباس دین داری

## ما را ببخش

سجاد سعید نژاد

کهگیلویه و بویراحمد

آقا سلام بغض غریبی گرفته‌ام  
انگارِ غربتت کمرم را شکسته است  
اصلاً چهار پاره شدم من برایتان  
من؛ زائری که دل به ضریح تو بسته است

درگیر و دار هجمه‌ی این نانجیب‌ها  
دل پسته‌ام به هیبت قرآن و سیره‌ات  
اصلاً عجیب نیست که هی نعره می‌زنند  
این‌ها کمر به قتل شما و عشیره‌ات ...

این‌ها که قلب دین خدا را شکسته‌اند  
غرقند در «ضلال مبینی» که دوزخ است  
آسوده در توهمشان راه می‌روند  
بر روی خاک‌های زمینی که دوزخ است

ما را ببخش اگر دلتان را شکسته‌اند  
آماده‌ایم پای شما سر بیاوریم  
ما مردمان غافل این قصه‌ایم؛ پس  
فرصت بده که از دلتان در بیاوریم

ما زائران حلقه به گوش توایم که  
از دوری‌ات به هر در و دیوار می‌زنیم  
دل‌های ما دوباره هوای مدینه کرد  
تا زنده‌ایم دست به این کار می‌زنیم

در رود پاک معرفت پا گذاشتند  
آن‌ها که مسجد النبی‌ات را گریستند  
و قتش شده زمین و بیابان و آسمان  
در پیش چشم گنبد خضرا بایستند

از بس که جای خالی‌ات احساس می‌شود  
از غربت تو، غار حرا گریه می‌کند  
شاعر رسیده است به بالای گنبدت  
قرآن بغل گرفته، تو را گریه می‌کند

دارد هوای شعر پر از گریه می‌شود  
اینجا کسی دلش به هوای تو تنگ نیست  
دشمن که بی‌حیاست ولی در مرام ما  
«بی‌حرمتی به ساحت خوبان قشنگ نیست»

## رسول باران

فریبا قیومی زاده

ابرکوه

در دهان گس غزل‌ها ریخت  
طرح شیرینی نگاهت را  
بعد در جان برکه‌ها انداخت  
روشنی‌های روی ماهت را

پانزده پله رفته از رمضان  
نردبانی که خشک و عطشان است  
چشمه‌ای سر زد از میان سحر  
چشمه‌ای که رسول باران است

روی لب‌های شعر جاری شد  
السلام علیک سبط نبی  
السلام علیک یابن بتول  
السلام علیک یابن علی

استکانهای تشنه لب آرام  
ذکر نام تو را طلب کردند  
بچه گنجشک‌ها کنار تن  
روز خود را قشنگ شب کردند

در کلاس کریمی دستت  
مشق‌های غلط قلم می‌خورد  
کیسه‌ها روی شانه‌ی دفتر  
توی تقدیر شب رقم می‌خورد

در تن برکه‌های خواب آلود  
جا برای پرنده‌ها کم بود  
در دل تو هزار قوی یتیم  
نان و خرمایشان فراهم بود

روشنی بر غزل تعارف کرد  
سفره‌های کرامتت هر جا  
شعر روشن شد از کلام تو بعد  
از تو جاری شدند دیوانها

آه اندازه‌ات نبوده جهان  
بی‌وفا بود و طاقتش کم بود  
ته تصویر رفتنت آنروز  
بارش تیرها دمداد بود

## زخم بقیعی که نمک چشیده ...

شبنم فرضی زاده

اردبیل

از لمرخم شده‌ی مادر و  
لرزش حق به سر شانه‌اش  
آتش شرمنده‌ی بی اختیار  
شعله درمانده در خانه‌اش  
قصه شبهای یتیمان واو  
شاه ... و دنیای فقیرانه‌اش<sup>۴</sup>  
مثل خدا بغض فرو برده بود  
فاطمه بود و غم مردانه‌اش<sup>۵</sup> ..

نقش و نشان جرسی هست این  
خاک قدم‌های کسی هست این<sup>۶</sup>

هر نفسش آیه‌ی تدبیر داشت  
سوره حرفش همه تفسیر داشت  
معجزه، شق القمر دیگری  
خواب خدا بود که تعبیر داشت  
جنگ جمل شاهد خوبی نبود؟<sup>۷</sup>  
مثل برادر جگر شیر داشت<sup>۷</sup>  
گاه درونش همه عباس بود  
گاه نگاهش همه شمشیر داشت  
چشم همه عالم و دستان او  
ابن علی حب فراگیر داشت

حک شده بر دل غم تنهای او  
داغ حسین و غم زهرای او

راه به بستان و چمن ندارد  
غنچه‌ی پژمرده کفن ندارد  
سطر غریبی که پر از سکوت است  
صفحه تازی که سخن ندارد  
زخم بقیعی که نمک چشیده  
درد حجازی که وطن ندارد  
جام قراری که شکسته کوفه<sup>۱</sup>  
کاسه صبری که حسن ندارد  
جنگ: حجابی که به سر کشیده  
صلح: ردایی که به تن ندارد  
وای بر این دیده‌ی دل بریده  
وای بر آن سینه‌ی زن .. ندارد<sup>۲</sup>

منتظر نورنگاهی که نیست  
کوفه به کوفه به پناهی که نیست

حوصله عشق که سر می‌رود  
با چمدانی به سفر می‌رود  
کوه به کوه از دل صحرا و دشت  
جاده به جاده به خطر می‌رود  
باک ندارد چه به دل می‌رسد  
بیم ندارد چه به سر می‌رود  
عشق همیشه چمدانش پر است  
بال، عطش، حادثه، پُر، می‌رود  
ما که نداریم خبر از دلش  
ما که نداریم خبر می‌رود  
وارث اجداد خودش می‌شود  
مثل پسر که به پدر می‌رود<sup>۳</sup>

آینه‌ی حیدر کرار بود  
شان نزول، آیه تکرار بود

آه به احوال غریبانه‌اش  
غربت سوز و غم مردانه‌اش  
داد و فغان از دل بیتاب او  
داد و فغان از دل دیوانه‌اش

۱. پیروان امام حسن که اکثر اهل کوفه بودند گفتند: البقیة البقیة یعنی: «ما جنگ نمی‌کنیم» و امام(ع) را مجبور به صلح کردند.  
۲. همسر امام حسن(ع) به دستور معاویه باعث شهادت امام شد.  
۳. اشاره به اینکه می‌گفتند حسن(ع) شجاعت ندارد و مثال علی(ع) نیست.  
۴. امام حسن مجتبی(ع) درست مثل علی یار و غمخوار یتیمان بود.  
۵. حضرت فاطمه زهرا(س) دست حسن را گرفتند و نگذاشتند برخورد کند با دشمن.  
۶. به روایت ابونعیم اصفهانی امام حسن(ع) در فتوحات ایران شرکت کرده است.  
۷. امام حسن(ع) در جنگ جمل، حضور پر تلاش داشت و از رزمندگان قهرمان سپاه علی(ع) بود.

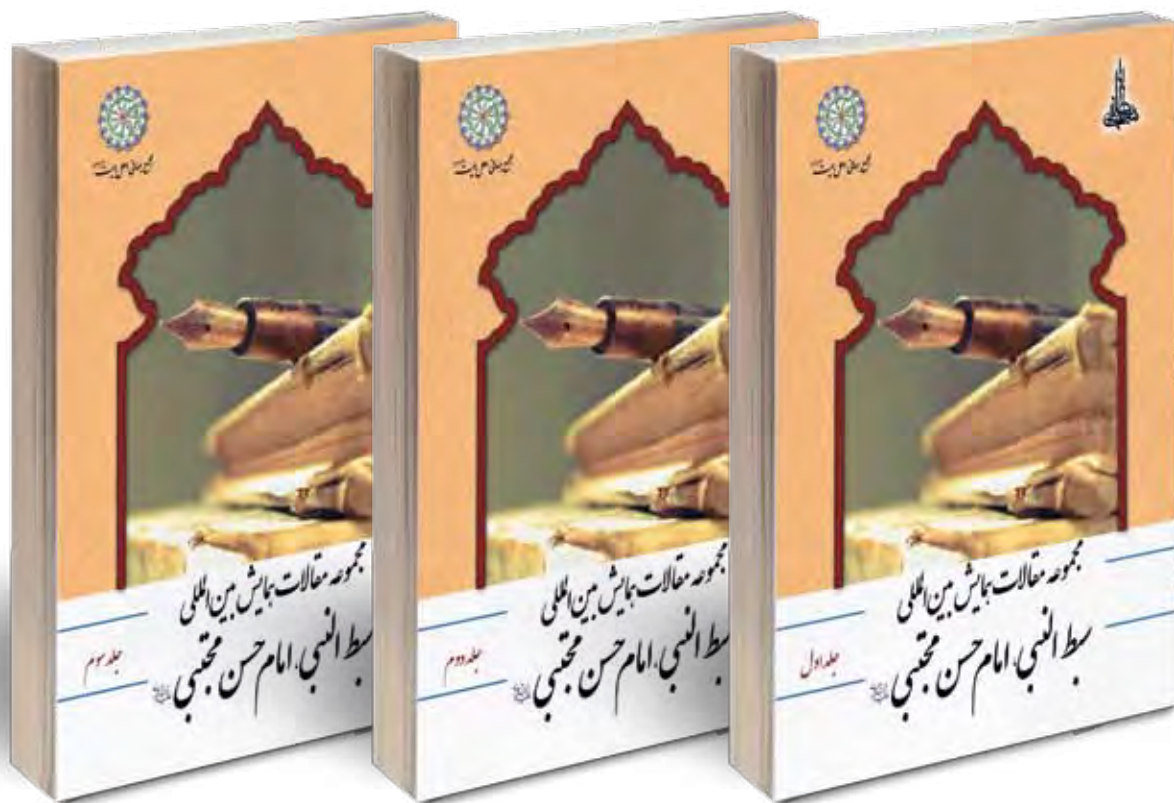
گنگره بین المللی



سبط النبی الاکبر  
امام حسن مجتبیٰ (ع)

منشورات کنگره





نام: **مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی**  
**سبط النبى امام حسن مجتبى (ع) - جلد اول تا سوم**  
 تألیف: **شرکت کنندگان در کنگره**

تعداد صفحات: **جلد اول ۴۲۴ / جلد دوم ۵۰۶ / جلد سوم ۴۸۷**

کتاب مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی سبط النبى حضرت امام حسن مجتبى (ع) در سه جلد منتشر شد.

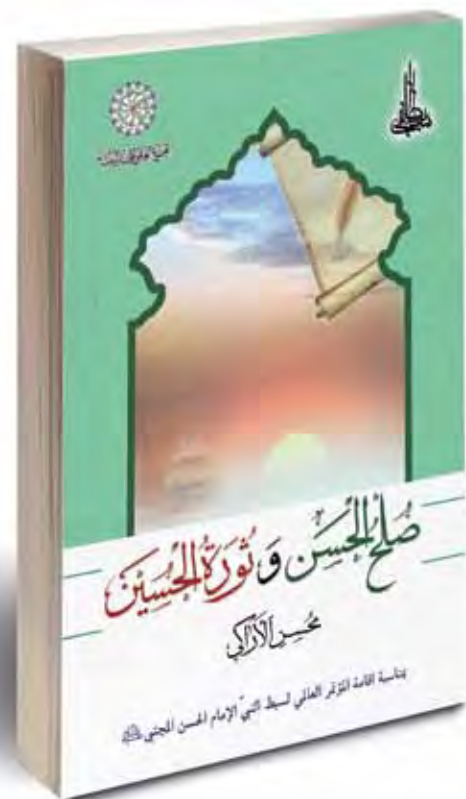
این کتابها شامل ۴۵ مقاله به زبان فارسی از پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی درباره سیره، اخلاق و فضائل امام حسن مجتبى (ع) و نیز پاسخ به شبهات است که به دبیرخانه علمی کنگره واصل گردید. عمده مقالات این مجموعه در چهار محور شامل "سیره فردی و خانوادگی حضرت امام حسن (ع)", "سیره سیاسى - اجتماعى و مدیریتی حضرت امام حسن (ع)", "بررسى و نقد شبهات و دیدگاه مستشرقان درباره حضرت" و "سبک زندگی امام حسن (ع) و میراث علمى و فکرى آن حضرت" است. همچنین در ابتدای این مجموعه، مقاله تحلیل زندگانی و حوادث ویژه دوران امام حسن (ع) برگرفته از کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* اثر رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

چاپ اول این کتابها در ۳ جلد به همت دبیرخانه علمی کنگره بین المللی سبط النبى الاکبر امام حسن مجتبى (ع) و انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) در خردادماه سال ۱۳۹۳ منتشر و در مراسم اختتامیه کنگره به دست «آیت الله احمد جنتی» دبیر شورای نگهبان، «آیت الله مجتهد شبستری» رئیس شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، «حجت الاسلام والمسلمین نواب» عضو شورای عالی مجمع، «حجت الاسلام والمسلمین امرودى» معاون فرهنگی اجتماعى شهردار تهران، «دکتر طراد حماده» وزیر سابق دولت لبنان و تعدادی دیگر از شخصیتها رونمایی گردید.



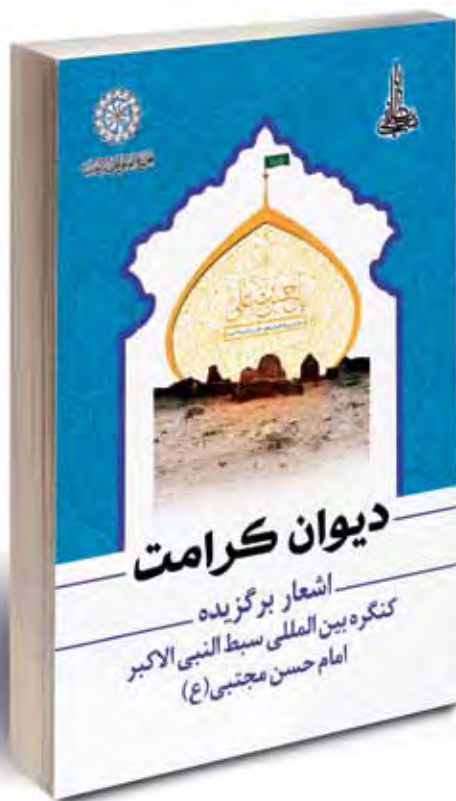
**نام: مجموعه مقالات المؤتمر العالمي  
لسبب النبي، الإمام الحسن المجتبی (ع)  
تأليف: شرکت کنندگان در کنگره  
تعداد صفحات: ۶۶۸**

کتاب مجموعه مقالات عربی کنگره بین المللی سبب النبي حضرت امام حسن مجتبی (ع) شامل ۱۹ مقاله به زبان عربی از پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی درباره امام حسن مجتبی (ع) است. عمده مقالات این مجموعه در چهار محور "شامل سیره فردی و خانوادگی حضرت امام حسن (ع)", "سیره سیاسی - اجتماعی و مدیریتی حضرت امام حسن (ع)", "بررسی و نقد شبهات و دیدگاه مستشرقان درباره حضرت" و "سبک زندگی امام حسن (ع) و میراث علمی و فکری ایشان" است. همچنین در این مجموعه خلاصه‌ای از ترجمه کتاب انسان ۲۵۰ ساله که بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین را شامل می‌شود و نیز مقاله خلافة الامام الحسن (ع) و ظروف‌ها برگرفته از کتاب ائمة اهل البيت (ع) شهید محمدباقر صدر آمده است. چاپ اول این کتاب به وسیله انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) به مناسبت برگزاری کنگره بین المللی سبب النبي حضرت امام حسن مجتبی (ع) در خرداد سال ۱۳۹۳ منتشر گردیده است.



**نام: صلح الحسن (ع) و ثورة الحسين (ع)  
من منظور السنن التاريخية في القرآن الكريم  
تأليف: آیت الله شیخ محسن الاراکي  
تعداد صفحات: ۱۱۲۰**

این کتاب در پی جستجوی سنت های الهی درباره رهبری امت اسلامی بر اساس آموزه های قرآن کریم است و نویسنده در نظر داشته است تا سنت های تاریخی همچون "استخلاف" و "غیبت" که مرتبط با رهبری امت اسلامی است را در طی سه مرحله مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. وی این هدف را با بررسی وضعیت امت اسلامی در پی تن دادن آنان به صلح با دشمن آشکار اهل بیت (ع) در زمان امام حسن (ع) و سوق دادن امام حسین (ع) به مسلخ شهادت و همچنین بررسی وضعیت جامعه و ویژگی های حاکمان جور، پیگیری کرده است. ابعاد مختلف و شرایط اجرای سنت "حضور و تصدی" - که بر اساس آیات قرآن به کسانی که به آموزه های توحیدی بازگشت می کنند نویده داده شده است - نیز در قسمت پایانی این تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این کتاب پیش از این منتشر شده بود و اینک به مناسبت برگزاری کنگره بین المللی سبب النبي حضرت امام حسن مجتبی (ع) به وسیله انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) تجدید چاپ گردیده است.



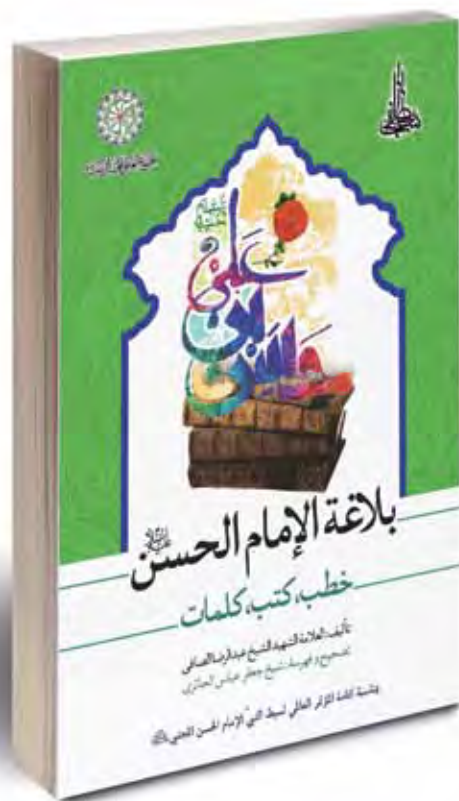
نام: دیوان کرامت

اشعار برگزیده کنگره بین المللی

سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)

اثر: هنرمندان شرکت کننده در کنگره

در پی فراخوان شعر کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)، حدود ۱۵۰ قطعه شعر - در قالب های مختلف رباعی، غزل، قطعه، قصیده، مصمت، ترجیع بند، شعر سپید، شعر نو و ... - به دبیرخانه ادبی کنگره واصل شد. تلاش شد که تا زمان برگزاری کنگره، اشعار برگزیده در قالب یک دیوان شعر به ارادتمندان آن حضرت تقدیم گردد. با توجه به اینکه تا پیش از این هیچ دیوان تخصصی شعر درباره آن حضرت وجود نداشت، این کتاب هدیه ای ارزشمند برای شاعران، مادحان و شیعیان محسوب می شود. همچنین در دو فصل ابتدای کتاب، اشعار کهن پارسی در مدح آل حضرت و نیز شعر شاعران شهیر درباره آن امام (ع) آمده است تا این دیوان، کتاب شعری جامع از امام مجتبی (ع) باشد.



نام: بلاغه الإمام الحسن (ع)

خطب، کتب، کلمات

تألیف: علامه شهید شیخ عبدالرضا الصافی

تعداد صفحات: ۲۷۲

اهل بیت (ع) فصاحت، بلاغت و حکمت را از جد بزرگوارشان پیامبر اکرم (ص) به ارث برده اند که اوج این حکمت، عرفان، فصاحت و بلاغت در کتاب «نهج البلاغه» امام علی (ع) به یادگار مانده است.

«مرحوم علامه شهید شیخ عبدالرضا الصافی» با تلاش فراوان، کتابی با سبک و سیاق نهج البلاغه با عنوان «بلاغه الامام الحسن علیه السلام» تدوین کرد که نمونه ای از مصادیق سخن امام حسن مجتبی (ع) است. خطبه ها و سخنان آن حضرت، مانند خطبه ها و کلمات پدر بزرگوارشان امام علی (ع) حاوی آداب، مواظب، اوامر و نواهی عبرت آموزی است.

مباحث این کتاب در سه بخش خطبه ها و خطابات عمومی، نامه ها و مواظب و نکات اخلاقی - تربیتی تنظیم شده است. این اثر پیش از این در عراق منتشر شده بود و اینک ویرایش جدید آن به مناسبت کنگره بین المللی سبط النبی (ص) از سوی انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) منتشر گردیده است.





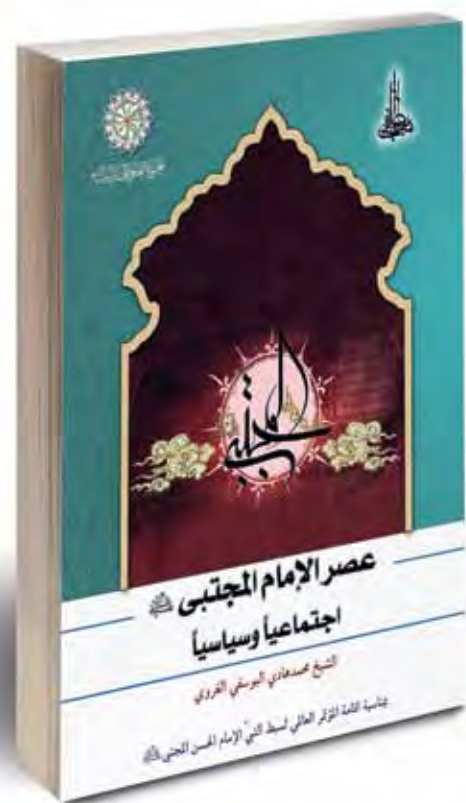
## دو شماره ویژه نامه مجله گنجینه مجمع به مناسبت کنگره بین المللی سبط النبی امام حسن مجتبی (ع)

با توجه به اهمیت وافر کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر امام حسن مجتبی (ع)، مجله گنجینه مجمع - ارگان فرهنگی اطلاع رسانی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - دو شماره را به این کنگره اختصاص داد.

اولین ویژه نامه، شماره ۶۴ مجله بود که در تیرماه ۱۳۹۱ منتشر شد و همزمان با اعلام موجودیت این کنگره منتشر و در جشن بزرگ میلاد امام حسن (ع) که دبیرخانه کنگره افتتاح شد در مسجد جامع حضرت قاسم بن الحسن (ع) توزیع گردید.

دومین ویژه نامه نیز همین مجله ای است که اینک در اختیار شما قرار دارد.

همچنین در شماره آینده مجله، به آنچه در این کنگره گذشت خواهیم پرداخت.



## نام: عصر الإمام المجتبی (ع) اجتماعياً و سياسياً تألیف: الشیخ محمد هادی الیوسفی الغروی تعداد صفحات: ۱۸۱

هدف اصلی نویسنده از این کتاب، معرفی امام حسن مجتبی (ع) و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر آن حضرت است. وی این هدف را با بررسی فضائل امام حسن مجتبی (ع)، سیره امام حسن (ع) در برخورد با معاویه، صلح با معاویه و رخدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوران پیگیری کرده است.

وصیت نامه امام حسن (ع) به امام حسین (ع) و نحوه شهادت ایشان در قسمت پایانی این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

چاپ اول این کتاب در ۱۸۱ صفحه توسط انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) و به مناسبت برگزاری کنگره بین المللی سبط النبی حضرت امام حسن مجتبی (ع) در سال ۱۳۹۳ منتشر گردیده است.





## معرفی سایت رسمی

## کنگره بین المللی سبط النبی امام حسن مجتبی (ع)

www.sebtonnabi.com

وبگاه رسمی کنگره بین المللی سبط النبی اکبر امام حسن مجتبی (ع) به همت اداره کل فناوری اطلاعات و اطلاع رسانی مجمع جهانی اهل بیت (ع) راه اندازی شده و در دسترس پژوهشگران، علاقمندان و شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفته است.

این وبگاه دارای سه منوی اصلی و بخش خدمات است. در منوی اول، بخش های "درباره سبط النبی (ص)", "اجداد و فرزندان", "سادات حسنی", "منابعی برای مطالعه", "آرشیو اخبار" و "گزارش تصویری" وجود دارد.

منوی دوم که در ارتباط مستقیم با کنگره است دارای بخش های "اهداف برگزاری", "فراخوان", "مقالات رسیده فارسی", "مقالات رسیده غیر فارسی" است. ضمن اینکه پژوهشگران از طریق این بخش، می توانند نسبت به ارسال مقاله اقدام نمایند.

منوی سوم نیز مربوط به برنامه های فرهنگی و هنری است که در کنار کنگره علمی برگزار شده می شود؛ اعم از "جشن های میلاد", "مسابقه کتابخوانی", "مسابقه شعرسرایی" و "اشعار رسیده". در این بخش نیز امکان ارسال شعر به شکل الکترونیک وجود دارد.

در صفحه اصلی سایت لینک هایی نیز برای دانلود نسخه پی دی اف منشورات کنگره - اعم از کتب و مجلات - قرار داده شده است.

ضمن اینکه از طریق لینک های سمت چپ می توان به سایت نهادها و دستگاههایی که در برگزاری این کنگره با مجمع جهانی اهل بیت (ع) همکاری کردند راه یافت.

مسئولیت بارگذاری مطالب علمی این سایت بر عهده «حجت الاسلام تقی سمیعی» و بروزرسانی اخبار سایت بر عهده «آقای هادی ترکی» بوده است. ضمن اینکه آقایان «حسین مهدوی منش» مسؤول دبیرخانه کنگره و «فیض آبادی» از دبیرخانه کانون های مساجد نیز همکاری فراوانی با سایت داشتند.

«شیخ مفید» در کتاب ارزشمند کمال الدین به نقل از چند تن از محدثان و راویان اینگونه آورده است: وقتی که حسن بن علی (ع) با معاویہ بن ابی سفیان مصالحه نمود، مردم به خدمت آن حضرت داخل شدند؛ بعضی از ایشان آن حضرت را به سبب بیعت با معاویہ ملامت کردند. آن حضرت فرمودند: «وای بر شما! آیا نمی دانید به خدا سوگند آنچه که من کردم، برای شیعه من بهتر است از چیزهای که آفتاب بر آنها طلوع و غروب می کند».

سپس بر حاضران احتجاج کردند که: «آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه شما هستم و به نص رسول خدا یکی از دو سید جوانان اهل بهشتم؟».

عرض کردند: «بلی می دانیم».

امام (ع) فرمودند: «آیا ندانسته اید که خضر، کشتی را شکست، و غلام را کشت، و اقامه دیوار کرد؛ موسی بن عمران از کرده او در غضب شد؛ زیرا که وجه حکمت و مصلحت بر او مخفی بود و حال آنکه در نزد خدا حکمت و صواب بود؟ آیا ندانسته اید که از ما اهل بیت، کسی نیست که بیعت سلطان طاغی زمانش در گردن وی نباشد مگر قائم که روح الله در پشت سرش نماز می کند، و خدای تعالی ولادت او را مخفی و شخصش را غایب گرداند تا اینکه مر احدى را در گردن وی بیعتی نباشد؟»

و ادامه دادند: «زمانی که امام نهمین از اولاد برادرم حسین (ع) که پسر سیده کنیزها و بهترین ایشان است متولد شود، خدای تعالی، غیبت او را طولانی گرداند، بعد از آن به قدرت خود در صورت جوانی که از حد چهل سالگی کمتر است، ظاهرش می کند تا اینکه معلوم شود که خدای تعالی بر هر چیز قادر است».







کنگره بین المللی سبط النبی الاکبر

امام حسن مجتبی (ع)

تهران - ۱ و ۲ تیر ۱۳۹۳ - ۲۴ و ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۳۵



مجمع جهانی اهل بیت (ع)



بنیاد تعاون  
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



شورای سیاستگذاری ائمه جمعه  
ستاد نماز جمعه تهران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد



مؤسسه فرهنگی مذهبی  
حضرت قاسم بن الحسن (ع)



سازمان اوقاف و امور خیریه



جامعة المصطفی (ص) العالمية



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



صدا و سیما جمهوری اسلامی



مؤسسه اطلاعات  
و تحقیقات اسلامی



شهرداری تهران  
معاونت امور اجتماعی و فرهنگی



مرکز رسیدگی به امور مساجد



دفتر تبلیغات اسلامی  
حوزه علمیه قم



خبرگزاری شبستان



خبرگزاری اهل بیت (ع)  
اینا



سازمان تبلیغات اسلامی



مؤسسه فرهنگی هنری  
ابناء الرسول (ص)